



مرکز جهانی علوم اسلامی

مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی

پایان نامه «کارشناسی ارشد»

گرایش:

علوم قرآن و حدیث

موضوع:

شخصیت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در منابع اهل سنت

استاد راهنما:

حجت الاسلام و المسلمین مهدی حسینیان

استاد مشاور:

حجت الاسلام و المسلمین علی رحمانی سبزواری

محقق:

محمد هاشم بحرانی

کتابخانه جامع مرکز جهانی علوم اسلامی

شماره ثبت: ۸۹۷

تاریخ ثبت:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اهداء و تقدیم:

تقدیم به پیشگاه بانوی نمونه جهان اسلام آنکه یازده خورشید به
جامعه بشریت تحویل داد و سراسر جهان را روشن ساخت از قرآن
مجید حمایت نمود و از زحمات طاقت فرسای پدر بزرگوارش محمد بن
عبد الله رضی الله عنه که انسانها را به جاده‌ای روشن و مستقیم رهبری نمود،
پشتیبانی کرد، و بالاخره هستی خود را در دفاع از امامت فدا نمود.
امید است پیروان راهش از شفاعت آن شفیعۀ روز محشر بهره‌مند
گردند انشاء الله.

تقدیر و شکر

در ابتدا از مرکز جهانی علوم اسلامی که زمینه این تلاش را مهیا نمود سپاس گزارم، که (من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق) خود روشن است که این گام کوچک در راستای خدمت به مکتب علوی و فرهنگ فاطمی مرهون خون پاک شهیدان و احیای اسلام ناب محمدی ﷺ حضرت امام خمینی رحمته الله علیه و که زمینه ساز درخشش حوزه‌ها و آفتابی شدن تعلیمات دینی در قرن حاضر مدیون همتش می‌باشد و به روح بلند او و شهیدان درود می‌فرستم، از خلف صالح او حضرت آیه الله خامنه‌ای (مدظله العالی) که توجهات خاص به شکوفایی و ترویج و تعالیم زندگی حیات بخش اسلام و حوزه‌های علمیّه دارد سپاس گزارم، و دوام سایه ایشان را از خداوند متعال مسألت دارم، از اساتید گرامی حجج السلام آقایان حسینیان قمی و رحمانی سبزواری که امر راهنمایی و مشاوره را داشته‌اند سپاس گزارم از گروه «علوم قرآن و حدیث» و اداره پایان نامه مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی که در این قدم آغازین نقش به سزا دارند جای شکر است.

چکیده

شخصیت حضرت فاطمة الزهراء علیها السلام در منابع اهل سنت.

تحقیق حاضر در مقام پاسخ گویی به سؤال اساسی می باشد که نگاه علما و سیره نویسان اهل سنت به شخصیت حضرت زهرا علیها السلام چگونه می باشد، و تفاوت آن به نظر سیره نویسان شیعه در کجا نهفته است. تحقیق به این نتیجه می رسد که در بسیاری از نقطه نظرات میان این دو مکتب وحدت نظر موجود است به عنوان نمونه در نحوه تکوین آن حضرت همان گونه که شیعه آن را از میوه بهشتی می داند در منابع اهل سنت نیز آمده است. تلاش های ایشان و رنج هایی که در راه گسترش دین مقدس اسلام متحمل شده اند، در منابع اهل سنت به همان صورتی که در منابع شیعه آمده است نقل گردیده است، وقایع ازدواج آن حضرت در منابع اهل سنت با تمام جزئیاتی که شیعه به آن باور دارند ذکر شده است. در این که او بهترین الگوی زن مسلمان در خانه داری و تربیت فرزندان بوده است، روایات فراوان و اقوال بسیاری از علمای اهل سنت گواهی می دهند. در باب حضور اجتماعی ایشان چه در پشت جبهه های جنگ و یا در صحنه های اجتماعی شواهد بسیار موجود است. قضایای روز رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و بعد از آن و جفایی که در حق بضعه النبی شده اند نیز شواهد و مدارک بسیار در منابع اهل سنت دارد به عنوان نمونه قضیه آتش زدن خانه آن حضرت و سقط شدن فرزند ایشان در منابع اهل سنت می باشد. در قسمتی از این تحقیق (فصل سوم) به فضائل و کمالات آن حضرت پرداخته شده است که در دو بخش مورد بحث قرار گرفته است، قسمت نخست آیات قرآنی که به نظر اهل سنت در شأن حضرت فاطمه علیها السلام وارد گردیده و مصداق بارز آن می باشد. و قسمت دوم روایاتی که مآید فضیلت های معنوی بسیار برای آن بانو می باشد. در پایان این رساله به مسئله «فدک» به عنوان یک موضوع مورد نزاع اهل سنت و تشیع در ابعاد این قضیه پرداخته شده و شواهدی از منابع اهل سنت بر این که «فدک» ملک فاطمه علیها السلام بوده و غضب گردیده است و سخنان گهربار این بانو در دفاع از حق و ولایت، ارائه شده است.

فهرست مطالب

مقدمه ۹

فصل اول:

در خانه پدر

۱۴	خاستگاه
۱۵	تکوین حضرت زهرا <small>علیها السلام</small>
۱۶	میلاد نور در جمع زنان بهشت
۱۸	سال ولادت
۲۱	نام‌های پر محتوا
۲۶	انکار یک واقعیت
۳۴	نوجوانی حضرت فاطمه <small>علیها السلام</small>
۳۶	حضور در شعب
۳۷	هجرت حضرت فاطمه <small>علیها السلام</small>
۳۸	حضرت فاطمه <small>علیها السلام</small> و نامادری

فصل دوم:

در خانه شوهر

۴۱	پیشنهاد به حضرت علی <small>علیه السلام</small>
۴۲	خواستگاری علی <small>علیه السلام</small> از فاطمه <small>علیها السلام</small>
۴۲	مهریه حضرت فاطمه <small>علیها السلام</small>
۴۳	عقد در مسجد
۴۵	جهیزیه حضرت فاطمه <small>علیها السلام</small>
۴۷	درسی برای جوانان، پدران و مادران
۴۹	وضعیت خانه حضرت علی <small>علیه السلام</small> و حضرت فاطمه <small>علیها السلام</small>
۵۰	حضرت فاطمه <small>علیها السلام</small> و خانه داری
۵۱	حضرت فاطمه <small>علیها السلام</small> و شوهر داری
۵۱	فرزندان حضرت فاطمه <small>علیها السلام</small> و تربیت آنها
۵۲	نقش حضرت فاطمه <small>علیها السلام</small> در نبردهای صدر اسلام
۵۳	حضور حضرت فاطمه <small>علیها السلام</small> در فتح مکه
۵۴	فاطمه زهرا <small>علیها السلام</small> در مراسم حجة الوداع

۵۵ بیماری پیامبر ﷺ
۵۵ سخن پنهانی پیامبر ﷺ با فاطمه ؑ
۵۶ سفارش پیامبر ﷺ به فاطمه ؑ
۵۹ بیماری حضرت فاطمه ؑ
۶۰ شهادت حضرت فاطمه ؑ

فصل سوم: فضیلت‌ها و ارزش‌ها

۶۴ حضرت فاطمه ؑ الگوی زنان
۶۵ ۱- سیمای فاطمه ؑ در قرآن
۶۷ سخن فخر رازی
۷۰ سخن علامه شرف الدین
۷۱ نکته مهم این بحث:
۷۵ ۲- حضرت فاطمه ؑ در آئینه رسالت
۷۶ برتری حضرت فاطمه ؑ میان دختران پیامبر ﷺ
۸۰ حضرت فاطمه ؑ برترین بانو
۸۰ خشم و رضای فاطمه ؑ خشم و رضای پیامبر ﷺ
۸۱ شبیه ترین فرد به رسول خدا ﷺ
۸۲ خشم و رضای فاطمه ؑ خشم و رضای خداوند
۸۲ عفت فاطمی
۸۵ حضرت فاطمه ؑ بهترین الگوی حجاب
۸۸ بهشت فاطمی
۹۰ بهترین زنان اهل بهشت
۹۰ تسبیح فاطمی
۹۲ هدیه بر محبان فاطمه ؑ

فصل چهارم: فرهنگ فاطمی و فدک

۹۷ فدک کجاست و برای کیست؟
۹۸ بخشش فدک بر چه اساس بود؟
۹۸ زمینهای اعطای پیامبر ﷺ به اشخاص

۹۹	در آمد فدک به چه مصارفی می‌رسند؟
۱۰۰	فدک بعد از رحلت پیامبر ﷺ
۱۰۱	موارد اختلاف
۱۰۴	دلایل سه گانه بر حقیقت فاطمه <small>علیها السلام</small> نسبت به «فدک»
۱۰۵	فدک در زمان بنی امیه و بنی عباس
۱۰۸	راز مطالبه فدک
۱۰۸	پاسخ‌ها
۱۱۰	تدابیر شایسته دیگر
۱۱۱	دانشمندترین بانوی جهان
۱۱۲	راویان و منابع این سند جاودانه از اهل سنت
۱۱۴	نکات اساسی و مطالب این خطبه جاودانه
۱۱۹	سخنی با حصار
۱۲۱	حضرت فاطمه <small>علیها السلام</small> حقوق پایمال شده خویش را می‌طلبد
۱۲۴	منابع و مآخذ



مقدمه

حمد و سپاس خدای جهان آفرین را سزاست که شاکرترین بندگانش از حق شکر او عاجز و عابدترین بندگانش در عبادتش قاصر. شکر را تعلیم داد و بر آن ثواب عظیم مقرر فرمود.

اقیانوس رحمتش را ساحلی، و نعمت هایش را شماره نباشد.

سلام و صلوات بر همه انبیاء راستین خصوصاً خاتم النبیین و اشرف بنی آدم حضرت محمد بن عبد الله ﷺ و اهل بیت طاهرینش نثار باد.

آنان که همیشه مشعل های فروزان، فرا راه تاریک بنی آدم بوده اند.

معمولاً کسانی که با تاریخ سرو کار دارند و مقداری از عمر شان را به بررسی شرح حال رجال گذشته اختصاص می دهند ممکن است هدف های مختلف داشته باشند. گروهی مطالعه و خواندن را یک سرگرمی می شمارند. تاریخ می خوانند تا ضمن گذاردن وقت و سرگرمی، مطالب و داستان های جالب را یاد بگیرند. و در انجمن های دوستانه با آب و تاب برای دیگران تعریف کنند.

عده ای دیگری از خواندن تاریخ هدف های عالی تر و ارزنده تری دارند اینان شرح حال بزرگان را مطالعه می کنند تا درس بیاموزند رمز عظمت و موفقیت اشخاص را از لابلای تاریخ به دست می آورند تا از رفتار و اعمال شان سر مشق بگیرند. علل شکست افراد و عوامل انحطاط و بدبختی ملت ها را از درون تاریخ استخراج می نمایند تا خودشان گرفتار بدبختی نشوند. و اجتماع شان را از عوامل بدبختی بر حذر دارند. همین طور کسانی که شرح حال پیغمبران بزرگ را می خوانند و زندگی ائمه اطهار و رجال دینی را مورد بررسی قرار می دهند دو دسته اند:

و اما آنچه در این تحقیق مد نظر است، تحقیقی گذرا در اطراف شخصیت حضرت زهرا علیها السلام از

دیدگاه منابع اهل سنت، نگارنده را اعتقاد بر این است که توجه به زندگی رجال و شخصیت های بزرگ

تاریخی و دینی به ویژه شخصیت‌هایی که به نحوی از خردمندی معنوی و مذهبی برخوردار بوده‌اند، نیاز اساسی عصر ماست، عصر ما عصری گذرا است گذر از اعتقاد ظاهر بینانه و قشری گرایانه، به عصر تردید و از تردید به ایمان ویژگی عصر تردید تزلزل است. و در این تزلزل یافتن تکیه گاه ایمان اطمینان بخش که بتواند پناهگاه معنوی باشد و به زندگی ما معنا بخشد، حیاتی می‌باشد. به نظر نویسنده بازگای زندگی معنوی شخصیت‌های تاریخ دین البته مشروط به این‌که به تأمل و شرف اندیشی همراه باشد، می‌تواند نجات بخش انسان سرگردان عصر حاضر و هدایت او به سوی گذشته‌اش، یعنی آرامش معنوی باشد. حضرت زهرا علیها السلام با ویژگی‌هایی که دارد بدون شک از جمله آنها باشد.

او دختر مؤسس یکی از بزرگ‌ترین و یا کامل‌ترین ادیان عالم است. او از همان آغاز کودکی تحت تعلیم مستقیم پدرش قرار داشت و بنابر این، بارزترین شاگرد این مکتب است. او شخصیتی است، که مکتب بزرگ تشیع قائل به عصمتش می‌باشد به این معنی که تمام حرکات گفتار و رفتارهایش مرضی خداوند متعال است.

او شخصیتی است که همه فرق اسلامی، از او به نیکی یاد می‌کنند و مورد احترام است، او خود یک سیر معنوی به جانب پروردگار عالم را طی نموده است، و بنابر این الگوی بسیاری از سالکان و... در حال حاضر است. تأمل در زندگی ایشان در گام نخست ما را با محیط خانوادگی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و شخص اول یکی از بزرگ‌ترین ادیان الهی آشنا می‌سازد، در گام بعد یکی از بارزترین شاگردان اسلام و نمونه‌اعلای راه سعادت را که اسلام از آن سخن می‌گوید، و به ما معرفی می‌کند.

از معبر زندگی فاطمه علیها السلام با ریشه‌های یکی از تأثیرگذارترین فرق اسلامی، یعنی مکتب تشیع دست می‌یابیم. مکتبی که پیوند آن با زندگی فاطمه علیها السلام جای تردید ندارد، او شخصیتی است که به دلیل معیار بودنش میان فرق اسلامی و زندگی او برداشت‌های مختلف وجود دارد، تحقیق از اینست که

می‌تواند مواضع ما را در قبال این برداشت‌ها معین سازد. و درک راستینی از فاطمه علیها السلام و شخصیت واقعی آن برای ما فراهم سازد، که جای تفصیل آن در مقدمه کوتاه نیست پرداخته‌ام، و اما این تحقیق نمیتواند به حد کتاب کامل باشد.

دلیل: موانع و مشکلات فراوانی که برای بنده در این تحقیق قرار داشت عدم آشنایی، سابقه بحث، و ورود ناگهانی به عرصه‌ای که سابقه ذهنی روشنی از آن نداشتم، عدم آشنایی کافی به زبان عربی که اکثریت تماماً کتب اولیه اهل سنت به آن نگارش یافته است، فرصت اندک به این تحقیق و... همگی می‌تواند در کمبودهای نوشته حاضر مؤثر باشد.

اما با این وضع تلاش گردید که تا حد امکان در هر بخش حق مطلب رادر وسع توان ادا نمایم و به نتیجه‌ای که در نظر داشتم دست یابم.

این رساله را در چهار فصل تقدیم خوانندگان گرامی نمایم، که فصل «اول» و «دوم» آن در بعد حیات ناسوتی و دنیوی آن بانوی نمونه عالم اختصاص یافته است. در فصل «اول» دوران زندگی آن حضرت از تولد تا ازدواج را به تحریر کشیده‌ام و به صورت معین در سال ولادت ایشان به نتیجه جدیدی دست یافته‌ام و نیز اسامی و القاب آن حضرت که به نظر من معنی خاص دارند و هر کدام جنبه خاصی از شخصیت آن حضرت را به نمایش میگذارد و بیان می‌کند، وجود این اسامی در منابع اهل سنت بیان از معانی خاص که همان «عصمت» است دارد و ظاهراً به آن اعتراف ندارند و تصریح نکرده‌اند.

در فصل «دوم» به نحوه زندگی خانوادگی حضرت زهرا علیها السلام و شیوه همسر داری و فرزند داری و تعاملات اجتماعی ایشان در مدت زندگی در خانه شوهر پرداخته شده است، که می‌تواند الگویی برای زنان مسلمان باشد.

در فصل «سوم» و «چهارم» به جنبه لاهوتی و بُعدی معنوی ارزش‌های برخاسته از این وجود مقدس اختصاص دارد.

در فصل «سوم» به ارزش‌ها و فضیلت‌های آن حضرت ۱- در مجموعه آیاتی از قرآن که در مورد حضرت فاطمه علیها السلام که او مصداق اکمل آن آیات قرار گرفته است. ۲- و احادیثی از منابع اهل سنت که بر نزول این آیات در شأن حضرت گواهی می‌دهند و تمامی آیات و روایات بیانگر شخصیت والای آن حضرت است.

در فصل «چهارم» بیشتر به تعامل اجتماعی آن حضرت به ویژه در ارتباط با فدک و حمایت از ولایت و رهبری که بیش‌تر از سخنان آن حضرت مشهور به خطبه فدکیه است بذل توجه صورت گرفته است.

محمد هاشم بحرانی
حوزه علمیه قم مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی

فصل اول:

در خانه پدر

- خاستگاه
- تکوین حضرت زهرا علیها السلام
- میلاد نور در جمع زنان بهشت
- سال ولادت
- نام‌های پر محتوا
- نوجوانی حضرت فاطمه علیها السلام
- حضور در شعب
- هجرت حضرت فاطمه علیها السلام
- حضرت فاطمه علیها السلام و نامادری

در خانه پدر

خاستگاه

خدیدجه علیه السلام دختر خویلد زن بزرگ و دانای قریش می‌دید و می‌شنید محمد امین همان است که پیامبران گذشته رسالتش را بشارت داده‌اند او که شیفته حقیقت و عاشق معنویت بود، در تلاش بر آمد تا «محمد امین» را بیازماید بدین منظور سر مایه انبوهی را در اختیار او گذاشت. در سفرهای تجارتي که «محمد امین» برای خدیدجه علیه السلام انجام داد، بهترین سود نصیب وی گردید. «میسره» غلام خدیدجه از راستی و درستی محمد امین در طول سفر حکایت‌ها داشت «او» برایش تعریف کرد راهبی در شهر «بُصری» به من گفت: این مرد یعنی محمد امین، همان پیامبری است که خدا به پیامبران سلف ظهورش را نوید داده است^(۱) در ماجرای دیگر که محمد امین با مردی اختلاف پیدا کرد. آن مرد از او خواست تا به لات و عُزَی یعنی بت‌ها، سوگند یاد کند او پاسخ داد: «هیچ چیزی نزد من نفرت انگیزتر از بت نیست^(۲)» اینگونه بود که خدیدجه علیه السلام حقیقت را دریافت و به «محمد امین» از طریق یک زن به نام «نفیسه» که دوست خدیدجه علیه السلام بود پیشنهاد ازدواج داد «محمد امین» که عشق معنویت و فضائل اخلاقی را در وجود حضرت خدیدجه علیه السلام دیده بود با این ازدواج موافقت نمود. در حین از دواج با خدیدجه علیه السلام محمد امین ۲۵ سال داشت^(۳). ۱۵ سال بعد، در سن ۴۰ سالگی در غار حرا محمد صلی الله علیه و آله به راز و نیایش مشغول بود که فرشته وحی الهی بر او نازل شد و آن حضرت به پیامبری مبعوث گشت و نخستین مرد که به آن حضرت ایمان آورد و به رسالتش اقرار نمود حضرت علی علیه السلام و نخستین زن

۲. طبقات کبری ۱/ ۱۲۹.

۱. سیره ابن اسحق، ۵۹.

۳. سیره ابن اسحاق، ۱۰۱.

حضرت خدیجه علیها السلام بود.

آنچه که بین مورخان شهرت یافته و اهل سنت نیز تا به حال تأیید می‌کند این است که حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله چهل سال داشت و دو شوهر قبل از ایشان نموده بود (۱).

تکوین حضرت زهرا علیها السلام

انعقاد نطفه پاک حضرت فاطمه زهرا علیها السلام با فرمان خدای بزرگ و مقدمات ویژه انجام پذیرفته است. رسول خدا در میان جمعی از اصحاب در وادی ابطح نشسته بود که جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و عرض کرد خدای بزرگ بر شما سلام فرستاد و امر فرمود که «چهل شبانه روز از حضرت خدیجه علیها السلام دوری کن و به عبادت مشغول باش و روزها را روزه باش. رسول خدا صلی الله علیه و آله عمار را نزد خدیجه علیها السلام فرستاد و پیام داد که در خانه نیامدیم به خاطر ستیزه با تو نیست تو همچنان نزد من گرامی و عزیز هستی، خداوند چنین امر فرموده است؛ و من از فرمان پروردگار اطاعت می‌کنم و خالق به مصالح داناتر است: خدیجه علیها السلام، ای بانوی بزرگ! خداوند هر روز چندین بار به وجود تو بر فرشتگان می‌بالد. اینک در خانه را ببند و در بستر آرام گیر و در انتظار فرمان پروردگار جهان باش که من این مدّت را در خانه فاطمه بنت اسد نیز بسر خواهم آورد.» خدیجه علیها السلام به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله عمل کرد ولی از اندوه و تنهایی و فراق پیامبر صلی الله علیه و آله می‌گریست چهل روز گذشت پیک وحی الهی فرود آمد در حالی که غذایی با خود از بهشت آورده بود به فرمان خداوند پیامبر صلی الله علیه و آله با آن غذای پاک بهشتی افطار نمود

۱. ولی با توجه به تعداد فرزندان که از این ازدواج نصیب آنان گشت می‌توان گفت تاریخ نویسان رقم ۴۰ سال را از آن جهت انتخاب نموده‌اند که عدد کامل است در مقابل این شهرت و سنت نظریه دیگر است که سید جعفر شهیدی به نقل از کتاب طبقات کبری با استناد خود از ابن عباس می‌گوید آورده است که در وقت از دواج حضرت خدیجه پیامبر بیست و هشت سال داشته است، طبقات کبری، ص ۱۰۸، کشف الغمه، ج ۱، ص ۵۱۳.

و شبانه وارد خانه شد همان شب نطفه پاک حضرت فاطمه علیها السلام منعقد گردید^(۱) تکوین نطفه فاطمه علیها السلام از میوه بهشتی در بین شیعه و بسیاری از اهل سنت امری مشهور است که در روایات اهل سنت از آن میوه به (سیب) و (گلابی) و...^(۲) یاد شده است «استاد ابو علم» در کتاب خودش به عنوان «فاطمه زهرا علیها السلام» در این موضوع شعری بیان نموده است.

المصطفى جبرئیل اطعمه
تفاحه فی لیلۃ الاسراء
فتکونت منها لذلک قد غدت
بین الوری انسیت حوراء^(۳)

یعنی «جبرئیل» در شب معراج سیبی به پیامبر صلی الله علیه و آله خورانید که از آن، نطفه پاک فاطمه علیها السلام منعقد گردید و از اینجاست که در میان همگان فاطمه زهرا علیها السلام حوری است آدمی زاده (از مجموع روایات چنین نتیجه می‌گیریم که نطفه پاک فاطمه علیها السلام از خوراک‌های بهشتی تکوین یافته و شاید در شب چهلم حضرت به معراج رفته و سپس به خانه آمده است و نطفه فاطمه علیها السلام منعقد گردیده است خدا داناتر است.

میلاذ نور در جمع زنان بهشت

صاحب ذخائر العقبی^(۴) می‌نویسد که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل سیبی از بهشت برای من

آورد و من آنرا تناول کردم آنگاه با خدیجه علیها السلام همبستر شدم و خدیجه علیها السلام به فاطمه زهرا علیها السلام حامله گردید، در هنگامی که خدیجه علیها السلام به فاطمه علیها السلام حامله بود می‌گفت! فرزندى که در رحم دارم در هنگام تنهایی که شما «پیامبر صلی الله علیه و آله» در کنار من نمی‌باشید بامن سخن می‌گوید.

دوران بار داری خدیجه به فاطمه علیها السلام سپری شد هنگام ولادت فاطمه علیها السلام فرارسید خدیجه علیها السلام

۲. مستدرک حاکم، ۱/۱۵۶.

۱. بحار الانوار، ۱۲/۷۸.

۳. فاطمه زهرا، استاد ابو علم مستدرک حاکم، ۱/۱۵۶، ۸۶، تاریخ بغداد، ۵/۸۷ - ذخائر العقبی، ۴۴.

۴. ذخیر العقبی، ۴۴.

از درد زایمان بخود می پیچد پیام به زنان قریش داد تا بیایند به او کمک کنند در وضع حمل خدیجه به فاطمه علیها السلام زنان قریش جواب منفی دادند گفتند: با تو رفت آمد نمی کنیم چرا سخن و نصیحت ما را قبول نکردی و همسری محمد صلی الله علیه و آله را اختیار کردی که یتیم و تهی دست است چگونه یاریت کنیم؟ از یاری آنان مایوس شد و به یاری خداوند چشم دوخت که در ناامیدی بس امیدی است امدادهای غیبی فرا رسید چهار زن باجمال و کمال و نورانی که قابل توصیف نبودند وارد خانه شدند و خود را به حضرت خدیجه به عنوان ماموران خدا معرفی کردند.

اولی گفت: من مادرت حوا هستم، دیگری گفت: من مریم دختر عمران مادر عیسی می باشم سوّمی گفت: من کلثوم خواهر موسی هستم، چهارمی گفت: من آسیه بنت مزاحم می باشم ما از جانب خداوند مأموریم که به شما کمک کنیم با همراهی آنان خدیجه علیها السلام می گوید: فاطمه علیها السلام فوراً به دنیا آمد و بلافاصله روی زمین قرار گرفت و جبین به سجده گذاشت و انگشت مبارک را بالا برد.

روز جمعه بیستم جمادی الثانی فاطمه علیها السلام به دنیا آمده است که در روز ولادتش اختلاف نیست. اما در سال ولادتش علاوه بر نظریه علمای شیعه اهل سنت هم اختلاف دارند آن چه مسلم است حضرت فاطمه علیها السلام بعد از خواهرانش زینب، رقیه و امّ کلثوم به دنیا آمد اما در چه سالی به دنیا آمد مطالبی است که تاریخ نگاران در آن هم داستان نیستند و اقوال گوناگون در این زمینه وجود دارند.

عده‌ای از علمای اهل سنت و اکثریت تاریخ نگاران و محدّثان نظیر طبری^(۱) متوفای ۲۱۰ هـ - ق و ابو الفرج اصفهانی^(۲) متوفای ۳۵۶ / احمد بن حنبل^(۳) متوفای ۳۴۱ ابو طلحه شافعی متوفای^(۴) ۶۵۴ هـ. ق و تعداد دیگر تولد حضرت فاطمه علیها السلام را پنج سال قبل از بعثت ذکر کرده‌اند و لذا معتقدند که آن حضرت هنگام رحلت حدود ۲۸ سال و یا، ۲۹ سال داشته است و دیگری همانند مسعودی متوفای

۲. مقاتل الطالبي، ۳۰.

۱. تاریخ طبری، ۲ / ۴۷۳.

۴. مطلب السئوال، ۹.

۳. مستند امام احمد بن حنبل، ۶ / ۱۶۳.

۳۴۵ هـ ق و تاریخ نگاران موثقی که بسیاری آنها را شیعه دانسته‌اند می‌نویسند که تعداد اهل بیت و شیعیان قائلند فاطمه علیها السلام هنگام رحلت ۲۹ ساله بوده است^(۱).

آیا به راستی فاطمه علیها السلام پنج سال قبل از بعثت به دنیا آمد؟ مگر نه اینست که نطفه پاک فاطمه علیها السلام از میوه‌های بهشتی که در شب معراج رسول خدا صلی الله علیه و آله از آن خورد تکوین یافته است.

این مطلب را علمای بزرگ اهل سنت نظیر حاکم نیشابوری^(۲) در مستدرک و خطیب بغدادی^(۳) در تاریخ بغداد و محب الدین طبری^(۴) در ذخائر العقبی و ابن مغزلی در مناقب^(۵) و ذهبی در میزان الاعتدال^(۶) و خوارزمی^(۷) در مقتل و عده‌ای دیگری از علمای شیعه و سنی آن را روایت کرده‌اند. و قطعاً وقوع معراج بعد از بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله است که تمام اهل شیعه و اهل سنت بر این مطلب اعتراف دارند.

سال ولادت

بسیاری از علمای شیعه نظیر کلینی - متوفای ۳۲۹ در اصول کافی^(۸) طبری شیعی متوفای قرن ۴ هـ در دلائل الامامه^(۹) مجلسی متوفای ۱۱۱۰ هـ در بحار الانوار^(۱۰) طبرسی متوفای - ۵۴۷ در اعلام الوری^(۱۱) روایات نقل نموده‌اند که فاطمه علیها السلام در بیستم جمادی الثانی سال پنجم بعثت به دنیا آمده است که با این نظر آن حضرت هنگام شهادت ۱۸ سال داشته است.

اربلی در کشف الغمّه می‌نویسد فاطمه علیها السلام پنج سال بعد از بعثت به دنیا آمد، و آن سالی بود که

- | | |
|---------------------------|----------------------------|
| ۱. انسبیه و الاشراف، ۲۵۰. | ۲. مستدرک، ۳، ۱۵۶. |
| ۳. تاریخ بغداد، ۸۷۵. | ۴. ذخائر العقبی، ۴۴. |
| ۵. مناقب، ۳۵۸. | ۶. میزان الاعتدال، ۲، ۲۹۷. |
| ۷. مقتل، ۶۴. | ۸. اصول کافی، ۱، ۴۵۸. |
| ۹. دلائل الامامه، ۱۰. | ۱۰. بحار الانوار، ۴۳، ۷. |
| ۱۱. اعلام الوری، ۹۰. | |

قریش خانه کعبه را تعمیر می‌کردند^(۱) از این رو حضرت فاطمه علیها السلام هنگام وفات ۱۸ ساله بود. در این روایت سخن از تعمیر کعبه بکار رفته است که بدون تردید این واقعه بر اساس مستندات و قرائن تاریخی پنج سال قبل از بعثت صورت گرفته است. قبایل عرب در اینکه افتخار نصب حجر الاسود نصیب کدام طائفه شود باهم به نزاع پرداختند عاقبت به داوری «محمد امین» راضی شدند که آن حضرت حجر الاسود را به روی ردای خود نهاد سران قبائل از گوشه‌های آن گرفتند و بلند کردند. با این داوری فتنه خوابید. زیرا پس از بعثت دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله در نظر قریش یک دشمن به حساب می‌آمد. ستیزها و کینه‌ها آشکار شده بود و بطور قطع به آن حضرت دیگر اجازه آن داوری معروف و نصب حجر الاسود را نمی‌دادند.

بنابر این راوی در نقل قبل از بعثت و بعد از بعثت که پنج سال ذکر شده دچار اشتباه شده و یا اساساً روایت ضعیف و غیر قابل پذیرش است. گفتنی است: اینکه تکوین نطفه پاک حضرت فاطمه علیها السلام از میوه‌های بهشتی است امر مسلم است.

و بدون تردید معراج پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از بعثت واقع شده است. که عده‌ای آخر سال اول بعثت میدانند^(۲) و برخی در ماه سوم سال دوم بعثت^(۳) و برخی در ماه هشتم سال دوم بعثت^(۴) میدانند و شاید چه بسا معراج پیامبر صلی الله علیه و آله در دفعات متعدد اتفاق افتاده باشد.

در این صورت فاطمه زهرا علیها السلام در چه سال بدنیا آمده است؟ زیرا هیچ یک از دو تاریخ مشهور پنج سال قبل از بعثت و پنج سال بعد از بعثت را نمی‌تواند بطور قاطع به عنوان سال ولادت آن حضرت پذیرفت؟ غیر از دو قول مشهور بین شیعه و اهل سنت نظریه سوم که هم اهل سنت و هم علمای شیعه نقل کرده‌اند وجود دارد.

۲. البدایه و النهایه، ۲، ۱۰۸.

۱. کشف الغمه، ۱، ۴۴۹.

۴. شرح الشفا ۱/۱۵۱.

۳. سیره مغلطای، ۲۷.

یعقوبی^(۱) متوفای ۲۸۴ هـ ق تاریخ‌نویس موثق و بصیری که گرایش وی به تشیع معروف است می‌نویسد، فاطمه زهرا علیها السلام هنگام وفات ۲۳ سال داشت.

عده‌ای دیگر از علمای بزرگ شیعه هم بر همین نظریه است و تولد حضرت فاطمه را روز جمعه ۲۰ بهسبتم جمادی الثانی سال دوم بعثت ذکر کرده‌اند که آنها عبارت است از شیخ مفید^(۲) متوفای ۴۱۳ و شیخ طوسی^(۳) متوفای ۴۶۰ و کفعمی^(۴) در کتاب مصباح

این نظریه را با نظر عده‌ای از علما بزرگ اهل سنت همانند بیهقی متوفای ۴۵۸ حاکم نیشابوری^(۵) متوفای ۴۰۵ هـ خوارزمی متوفای^(۶) ۵۶۸ محب‌الدین طبری متوفای^(۷) ۶۹۴ تولد حضرت زهرا علیها السلام در سن ۴۱ سالگی پیامبر صلی الله علیه و آله می‌دانند که این دو نظریه تا حدی زیاد باهم مطابقت دارند در این صورت آن با نو از هنگام ازدواج حدود ۱۴ و هنگام رحلت ۲۳ سال داشته است. بنابر این در مسئله فقهی فقها گفته شیخ طوسی را حجت می‌دانند و برای آن اعتبار و ارزش خاصی قائلند، زیرا او به روایات و اسناد فقهی دست رسی داشته است.

همانگونه که در مسائل فقهی گفتار او نزد علما دارای اعتبار فراوان است چه مانعی است که نیز سخن او را در تاریخ به همان میزان معتبر بدانیم؟ با توجه به اینکه عده‌ای از بزرگان شیعه و اهل سنت نیز با او موافقت و نظریه سوم را تقویت می‌کنند و خدا داناتر است. به هر صورت فاطمه علیها السلام ۲۸ - ۲۹ - و یا ۱۸ یا ۲۳ ساله بوده باشد در هنگام رحلت و شهادت مهم این است که ما از زندگانی به ظاهر کوتاه اما پر بار آن بانو درس زندگی فراگیریم و با پیروی از راهش و هدفش خود را به کمال رسانیم و پیرو راستین آن با نو در تمام ابعاد زندگی باشیم.

۲. حدائق‌الریاضی به نقل از بحار الانوار، ۴۳، ۸.

۴. مصباح کفعمی، ۵۱۲.

۶. مقتل خوارزمی، ۱، ۵۱.

۱. تاریخ یعقوبی، ۲/ ۱۱۵.

۳. مصباح‌المتجهد، ۷۳۲.

۵. مستدرک حاکم، ۳، ۱۶۱.

۷. ذخائر العقبی، ۲۶.

ابن اثیر (۱) می‌گوید پیامبر ﷺ اسلام فرمود کنیه فاطمه‌ام اییها است یعنی مادر پدرش.

نام‌های پر محتوا

در حدیثی می‌خوانیم:

لِفَاطِمَةَ تِسْعَةَ أَسْمَاءَ (۲) عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ

برای فاطمه علیها السلام نزد خداوند نه نام است

۱. فاطمه

۲. صدیقه

۳. مبارکه

۴. طاهره

۵. زکيه

۶. راضیه

۷. مرضیه

۸. محدّثه

۹. زهراء

و اینک نگرشی کوتاه به این نام‌های مقدس

نام‌های نه گانه بزرگ بانوی جهان اسلام

سرور بانوان به تناسب شخصیت والا و ابعاد شخصیتی اش نام‌های مختلفی دارد. و روشن است که

۱. انتصاب ابن عبد البر، ۲ / ۷۵۲، اسدالغابه ابن اثیر ۵/۵۳۰.

۲. کشف الغمّه، ۹۱/۲ - بیت الاحزان، ۲۴ - مجمع التورین، ۴۴.

هر کدام، اشاره به بُعدی از ابعاد شخصیت او دارد.

۱. **فاطمة** علیها السلام: نام مقدس فاطمه از واژه «فطم» به معنای بریدن و جدا کردن است. مانند «فطمت الأم طفلها» و یا «فطمت الحبل» «مادر کودک خویش را از شیر برگرفت» و یا «رسمان بریده شد» در بسیاری از موارد اسم فاعل به معنی اسم مفعول آمده است. همانگونه که در قرآن شریف «فی عیشة راضیة» به معنی «فی عیشة مرضیة» آمده است. اما روایات درباره این نام مقدس زیاد است که فاطمه علیها السلام یک اسم آسمانی است و خداوند فاطمه علیها السلام و پیروانش را از آتش در امان داشته است. از امام صادق علیه السلام و پدران آن حضرت از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله نقل شده‌اند.

که جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد: «قال له: ... سُمیت فاطمه علیها السلام، فی الارض، [لأنها] فطمت شیعتها من النار»^(۱) فرشته وحی به او پیام آورد؛ که این دخت گرانمایه در زمین «فاطمة علیها السلام» نامگذاری شد، چرا که پیروان او از آتش دوزخ در امان داشته شده‌اند.

و نیز از امام رضا علیه السلام به نقل از پدران خویش از پیامبر صلی الله علیه و آله است که پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت فاطمه علیها السلام فرمود. یا فاطمة اُتدرین سُمیت فاطمة؟ قال علی علیه السلام لمة سمیت؟ قال: لانها فطمت هی و شیعتها م النار.^(۲) فاطمه علیها السلام جان! می دانی چرا به این اسم نامگذاری شده‌ای؟ امیر مؤمنان علیه السلام پرسید: چرا؟ فرمود: بدان که او و پیروان او از آتش دوزخ در امان داشته شده‌اند.

و نیز از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود:

أما سُمیت ابنتی فاطمه، لأن الله فطمها و ذریتها و محببها عن النار^(۳)

دخترم فاطمه علیها السلام تنها بدین جهت به این نام مقدس نامیده شده که خداوند نسل پاک او و دستداران او را از دوزخ در امان داشته است.

۱. بحار الانوار، ۴۳ / ۱۸.

۲. بحار الانوار، ۴۳ / ۱۴ - ذخا العقی ص ۲۶ ج قاهره - ینابیع الموده ۱۹۴.

۳. ینابیع الموده ۳۹۷ ج استامبول - نورالابصار ۴۱ ج مصر.

در مفهوم نام فاطمه علیها السلام معانی دیگر نیز می باشد مانند: او را از هر بدی و ناپسندی بازگرفته است و امتیاز او بر دیگران،

به واسطه دانش و بینش اوست، پس خدا به حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: فاطمه علیها السلام تو را از دیگر بندگان جدا ساخته و بر همه آنان برتری بخشیدم و تو را پاک و پاکیزه ساختم و فاطمه علیها السلام از جهل و نادانی بازگرفته شده و با علم و دانایی سیراب گردیده است و لذا این اسم مبارک در نزد خاندان وحی و رسالت بسیار محبوب بود زیرا امام صادق علیه السلام به یکی از شیعیان که اسم دخترش را فاطمه علیها السلام گذاشته بود سفارش می کند که او را مزین بلکه او را گرامی بدار و نیز از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: در خانه ای که در آن خانه نام «محمد صلی الله علیه و آله و سلم و فاطمه علیها السلام» باشد فقر و تنگدستی وارد نمی شود.

۲. «صَدِّيقَه»: یکی از نام های بلند آوازه بانوی بانوان، «صدیقَه» است و این واژه به مفهوم بسیار راستگوی می باشد. به کسر «صاد» و تشدید «دال» و از صیغه مبالغه است و در معنا رساتر از واژه صدوق می باشد در تفسیر این اسم آمده است. ۱. «صدیق» به معنای کسی که همیشه راست می گوید. ۲. و با کسی که هرگز دروغ نمی گوید. ۳. و با کسی که در راست گویی در اوج کمال است. ۴. و با کسی است که بر اثر عادت به راست گوئی از او دروغ سر نمی زند. و یا اینکه کسی که گفتار و عقیده و اندیشه اش راست، و راستگویی خویش را با عمل درست ثابت می نماید. و برخی دیگر گفته اند صدیق کسی است که راستی و راستگویی سیره همیشه اوست، و یا کسی که آنچه را که خدا فرموده است بپذیرد و به خدا و فرستاده گانش ایمان آورد. و قرآن این برداشت را تأیید می نماید. «وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ»^(۱) و کسانی که به خدا و پیامبران او ایمان آورده اند اینان همان راستگویانند.

و از حضرت ابراهیم و ادریس به عنوان پیامبران صدیق در قرآن یاد شده است.

«وَأَذَكَرَ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ أَنَّهُ كَانَ صَدِيقًا نَبِيًّا»^(۱)

در این کتاب ابراهیم را ذکر کن، چرا که او پیامبری راستگو بود.

«وَأَذَكَرَ فِي الْكِتَابِ أَدْرِيسَ أَنَّهُ كَانَ صَدِيقًا نَبِيًّا»^(۲)

و در این کتاب ادريس را یاد کن، چرا که او پیامبری راست‌گفتار بود.

و نیز از مریم مادر حضرت عیسی در قرآن چنین یاد شده است ما المسیح بن مریم الارسول قد خلت من قبله الرسل و أمه صدیقه...^(۳) مسیح فرزند مریم، جز پیامبری نبود و پیش از او نیز پیامبرانی آمدند و رفتند و مادرش بانوی بسیار راستگو «صدیقه» بود آنچه از آیات و روایات استفاده می‌شود این است که صدق و راستگویی مراحل دارد. و حضرت فاطمه علیها السلام در اوج مراحل راستگویی می‌باشد. چنانچه که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در خطاب به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: علی جان! سه نعمت گرانها به تو ارزانی شده که به هیچ کس ارزانی نشده است، حتی به من. این سه نعمت عبارتند از:

الف) پدر زن همانند من به تو ارزانی شده است. در حالی که من پدر زنی چون پدر زن تو که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است، ندارم

ب) به تو همسر گرانقدری چون دختر فرزانه‌ام «صدیقه» ارزانی شده است که به من چنین موهبتی ارزانی نشده است.

ج) فرزندانمان مانند «حسن» و «حسین علیه السلام» به تو داده شده است و من فرزندانمان همانند آن دو که سیدان جوانان بهشت‌اند ندارم.^(۴)

به راستی حضرت فاطمه علیها السلام بزرگترین تصدیق‌کننده حق بود و عصرها و نسل‌های پیشین بر محور شناخت و معرفت او چرخیده است.

۲. سوره مریم آیه ۵۶.
۴. الریاض النضره ج ۳/ ۲۰۲.

۱. سوره مریم آیه ۴۱.
۳. سوره مائده آیه ۷۴۶.

۳. مبارکه از برکت است و واژه «برکت» را به مفهوم نمو و نیکبختی و افزایش معنا کرده‌اند، و «مفردات» راغب آن را به مفهوم سرچشمه‌ای معنا کرده است. که خیر و رحمت الهی به گونه‌ای از آنجا می‌جوشد و جریان می‌یابد که نمی‌توان از آن جلوگیری نمود. و قطعاً خداوند فاطمه علیها السلام را سرچشمه برکات الهی قرارداد و نسل پرافتخار پیامبر صلی الله علیه و آله را از او آفرید و خیر بسیاری در نسل او عطا کرد. و او مصداق کوثر است چنانچه «سیوطی» دانشمند اهل سنت در تفسیر «الدرر المنثور» و فخر رازی در تفسیر کبیر می‌گویند کوثر به مفهوم خیر فراوانی است که خداوند آن را به پیامبر صلی الله علیه و آله ارزانی داشت و آن وجود گرانبهای صدیقه طاهره است. و فاطمه علیها السلام سر چشمه برکات الهی است. و خدای جهان آفرین در وجود گرانمایه او انواع برکات را قرارداد و نسل پرافتخار پیامبر صلی الله علیه و آله را از او آفرید و خیر بسیاری در نسل او قرارداد.

از «ابن عباس» در این مورد آمده است که من و پدرم عباس نزد پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بودیم که حضرت علی علیه السلام وارد شد و سلام کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله جواب او را داد و از آمدن او شادمان گردید و برخاست و ضمن استقبال از او علی علیه السلام را در آغوش فشرد و میان دو چشمانش را بوسه زد و او را در سمت راست خویش جا داد.

پدرم «عباس» گفت: ای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آیا علی علیه السلام را دوست داری؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: عمو جان! به خدا سوگند، خدا بیشتر از آن اندازه که من وی را دوست می‌دارم او را دوست دارد. خداوند نسل هر پیامبری را در صلب خود او قرارداد و نسل مرا در صلب «علی علیه السلام»^(۱)

و «خوارزمی» نیز آورده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خدای بزرگ نسل هر پیامبری را در صلب خود او قرارداد اما نسل مرا از صلب علی علیه السلام آورد.^(۲) همین روایت را «مخّی الدّین طبری» در منتخب «کنز العمال» زرقانی در شرح «المواهب الدّنیّه» و قندوزی در «ینابیع المودّه» ص ۱۸۳ روایت کرده‌اند.

و نیز نسائی در «خصائص امیر مؤمنان» از «محمد ابن اسامه» و او از پدرانش آورده است که پیامبر صلی الله علیه و آله به امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: اما تو ای علی علیه السلام داماد من و پدر فرزندانم هستی! تو از من هستی و من از تو... و نیز از اسامه آورده است که شبی به خاطر کاری که پیش آمد در خانه پیامبر صلی الله علیه و آله را زدم آن حضرت بیرون آمد گویی در آغوش و زیر لباس چیزی داشت هنگامی که کارم تمام شد گفتم: ای پیامبر صلی الله علیه و آله زیر لباست چیست؟ پیامبر صلی الله علیه و آله لباس را کنار زد و گفت: این دو تن پسران دخترم «فاطمه» هستند و رو به آسمان نمود و گفت: خدایا! تو می دانی که من این دو (حسن و حسین علیهما السلام) را دوست می دارم، تو هم آن ها را دوست داشته باش.

انکار یک واقعیت.

روایات اهل سنت که به صراحت بیانگر این حقیقت است که حسن و حسین علیهما السلام دو فرزند گرانمایه پیامبرند بسیار است. و برخی از عناصر نادان در انکار این واقعیت به فلسفه بافی بی اساس پرداخته و به آیه شریفه ای چنگ انداخته اند می گویند! ما کان محمد أباً احد من رجالکم... (۱) از این آیه چنین پنداشته اند که پیامبر صلی الله علیه و آله پدر هیچ کسی نیست با اینکه این آیه شریفه در مقام نفی فرزندى (زید) نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله است. چرا که نخست پیامبر صلی الله علیه و آله او را به فرزندى خویش گرفت، سپس هنگامی که زید همسرش را طلاق گفت پیامبر صلی الله علیه و آله به فرمان خدا و برای شکستن یک سنت جاهلی با او ازدواج کرد تا به همگان نشان دهد که پسر خوانده، فرزند حقیقی نیست و نه همسر او عروس انسان می شود. که این مطلب از آیه مبارکه فلما قضی زید منها و طراً زوّجنا کها... (۲) دانسته می شود. با این بیان آیه شریفه بر این واقعیت رهنمون است که پیامبر صلی الله علیه و آله پدر (زید) نیست تا همسر طلاق داده شده زید بر پیامبر صلی الله علیه و آله حرام باشد، چرا که حرام بودن این ازدواج فرض بر انست ک پسر خوانده انسان

پسر حقیقی او باشد در حالی که اینگونه نیست. به همین جهت قرآن کریم تعبیر به «من رجالکم» می‌نماید تا نشان دهد که پیامبر ﷺ پدر هیچ یک از مردان شما نیست. در حالی که آن حضرت پسرانی چون «ابراهیم» «قاسم» را داشت. و از پیامبر ﷺ آمده است که دو پسر حسن و حسین ﷺ دو امام هستند چه نشینند و چه قیام کنند. و نیز فرمود پسران هر دختری به پدرشان منسوب می‌شوند، مگر فرزندان «فاطمه» ﷺ که من پدر آنان هستم...

۱۴. طاهره: دخت گرانمایه پیامبر ﷺ به خاطر پاکی و پاکیزگی از هر پلیدی و هر عارضه «طاهره» نامیده شده است. و بهترین نکته‌ای که مورد بحث قرار گیرد می‌تواند باشد. انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً^(۱) نکته‌ای که در آیه شریفه یک واقعیت تردید ناپذیر است، این است که محدثان شیعه و سنی متفقاً آیه تطهیر را شامل پیامبر ﷺ، علی، فاطمه، حسن و حسین ﷺ می‌دانند جز شمار اندک از اهل سنت که زنان پیامبر ﷺ ماقبل آیه ذکر شده‌اند به خاطر توهم به قرینه سیاق آیه شریفه می‌گویند زنان پیامبر ﷺ را شامل آیه مذکور است که شأن نزول آیه شریفه و بیست سند مهم که از اهل سنت نقل شده در این مورد گواه بر موضوع است که بعضی از آن ذکر می‌شود.

۱. خطیب بغدادی در کتاب خویش به نقل از ابوسعید خدری در مورد آیه شریفه تطهیر... آورده است آنگاه که پیامبر ﷺ و علی فاطمه و حسن و حسین ﷺ را در یک جا گرد آورد، «کسا» و عباي مخصوص خویش را بر روی آنان افکند و فرمود اینان خاندان من هستند. بار خدایا پلیدی را از آنان دور ساز و آنان را آنگونه که بایسته است پاک و پاکیزه ساز بانو «ام سلمه» که در کنار در ایستاده بود، گفت: آیا من هم می‌توانم از آنان باشم؟ پیامبر ﷺ فرمود: تو بر راه خوب هدایت هستی، اما از خاندانم نیستی.^(۲)

۲. «مخسری» در تفسیر خویش به نقل از «عایشه» آورده است که پیامبر ﷺ با عبايش که از موی

سیاه بافته شده و رنگارنگ و دارای نقش خاصی بود، بیرون آمد، در این هنگام نور دیده‌اش، حسن علیه السلام از راه رسید و پیامبر صلی الله علیه و آله او را داخل عبا در آغوش گرفت. پس از او فرزند دلبندش حسین علیه السلام وارد شد، او را نیز در آغوش گرفت، آنگاه دخت فرزانه‌اش «فاطمه» علیها السلام و سرانجام «علی» علیه السلام آمدند و پیامبر این دو را نیز به نزد خویش زیر کساء دعوت کرد وقتی که «فاطمه»، «حسن»، «حسین» و «علی» علیهم السلام تماماً زیر کساء قرار گرفتند، آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله به تلاوت این آیه شریفه پرداخت. انما یرید الله لیزهبن عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً^(۱)

۳. فخر رازی در تفسیر خود نیز عین همین مطلب را آورده است^(۲)

۴. و نیز «ابن اثیر» در کتاب خویش از عمر بن ابی سلمه - ناپسری پیامبر صلی الله علیه و آله آورده که هنگامی که آیه شریفه «انما یرید الله...» در خانه ام سلمه بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمد آن حضرت دخت گرانقدرش «فاطمه» و دو نور دیده‌اش «حسن» و «حسین» را فراخواند و در حالی که «علی» پشت سرش بود همه را با «کساء» پوشانید آنگاه فرمود: (هان بدانید که اینان خاندان من هستند و خدا پلیدی را از آنان دور ساخته و آنگونه که شایسته و بایسته است، پاکشان گردانیده است)^(۳) بانو «ام سلمه» می‌افزاید از پیامبر پرسیدم آیا اجازه می‌دهید من هم در کنار آنان باشم؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: تو در جای خویش باش، تو عنصر شایسته‌ای هستی اما جزء اینان نیستی، انت علی مکانک، انت فی خیر. نقل‌ها و روایات دیگر را جهت اختصار نمی‌آوریم خواننده محترم می‌تواند خود به کتابهای نوشته شده در این موضوع مراجعه کند.

۵. **ذکیره:** واژه تزکیه و مشتقات آن در آیات متعددی از قرآن شریف به کار رفته است. برای نمونه تعدادی از آن ذکر می‌شود.

۲. تفسیر کبیر ج ۲ / ۷۰۰

۱. تفسیر کشاف ج ۱ / ۱۹۳

۳. اسدالغایه ج ۲ / ۱۲

- ۱- قرآن می‌فرماید: «قد افلح من زكّٰیها»^(۱) هرکس جان پاکیزه ساخت، رستگار گردید.
- ۲- و می‌فرماید: «اقتلت نفسا زكّیة»^(۲) آیا کسی را که از گناه پاک و پاکیزه است کشتی؟
- ۳- و می‌افزاید: «لاهب لك غلاما زكّیاً»^(۳) برای اینکه پسری پاکیزه به تو ارزانی دارم.
- ۴- و می‌فرماید: «ذالکم ازکی لکم و اطهر» این برای شما پر برکت‌تر و پاک‌تر است.

این واژه مقدس در فرهنگ عرب در مورد پاکیزگی و رشد و نمو به کار می‌رود. از این رو معنای آیه نخست این می‌شود، هرکس جان خویش را از ضد ارزشها و صفات نکوهیده چون جاه و مقام دنیا دوستی و خود بزرگ بینی و خودپسندی سرچشمه می‌گیرد، پاک و پاکیزه ساخت رستگار گردید. معنای آیه دوم نیز با توجه به معنای واژه تزکیه این می‌شود که آیا کسی را کشته‌ای که از هر گناه و جنایتی که مجوز کشتن او باشد، پاک و پاکیزه است؟ با این بیان و معانی که یکی از نامهای مقدس «فاطمه» «زکّیه» است نشانگر این حقیقت است که آن وجود گرانبه‌ای پاک و پاکیزه و از سوی دیگر از همه نقاط منفی پیراسته است.

۶. مَرْضِيَّة: مرضیه است زیرا خداوند او را پسندیده فرمود: «فاطمَةُ خَيْرَةُ اللَّهِ»

مقام والا و درجه بندگان شایسته و وارسته است که خدا از آنان راضی و خشنود است. حضرت فاطمه از نظر عبادت و فرمانبرداری خدا، از نظر پارسایی و انفاق از نظر شکیبایی و یابرداری در راه حق و عدالت و از نظر رفتار و گفتار همواره پسندیده و مورد خشنودی آفریگارش بود. درود خدا و پیامبران و فرشتگان و شایستگان بر او باد که راز آفرینش «زن» بود. «حافظه عسقلانی» از پیامبر گرامی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آورده است که فرمود:

«أَتَانِي جِبْرِيْلُ فَقَالَ! يَا مُحَمَّدُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ رَبِّيَ يَحِبُّ فَاطِمَةَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَاسْجُدْ»^(۴)، فسجدت... «فرشته وحی

۱. والشمس آیه ۹

۲. سوره كهف آیه ۷۴

۳. سوره مریم آیه ۱۹

۴. لسان المزان / ۳۵ / ۲۷۵.

بر من فرود آمد و پیام آورد که: ای محمد صلی الله علیه و آله! به راستی که پروردگارت فاطمه علیها السلام را دوست می‌دارد، از این رو سجده شکر بجای آور که من سجده کردم...» و نیز «ذهبی» آورده است که: فرشته‌ای به ولادت فاطمه علیها السلام بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمد و ضمن عرض تبریک، پیام آورد که خداوند به تو و به نو رسیده‌ات (یعنی فاطمه) سلام می‌رساند. «والله یقرؤک السلام و یقر، من مولودک السلام»^(۱)

۷. (راضیه: از والاترین درجات ایمان به آفریدگار هستی، این است که انسان در اوج آگاهی و عشق از تدبیر و تقدیر حکیمانه خدا خشنود بوده و به آنچه او برای بنده خویش اندازه‌گیری و تدبیر فرموده است راضی و دلگرم باشند. و این منشأ بزرگی و مدال افتخار آفرین ایمان، از ویژگی‌های بانوی عالم فاطمه علیها السلام در همه زندگی تاریخی او بود. او بانوی گرانمایه‌ای بود که بر همه فراز و نشیب‌ها و ناگواری‌های زندگی که بر اساس تقدیر حکیمانه الهی برایش پیش آمد، خشنود بود. و این رساله که در دست شما خواننده گرامی که به عنوان شخصیت فاطمه زهرا علیها السلام در منابع اهل سنت است از آغاز رخدادهای غبارغم و مصائب جانگداز و ناخوشایندی سخن دارد که از نخستین مرحله زندگی تا لحظات آخر عمر شریفش بر او فرو بارید. آن حضرت در همه مراحل زندگی سراسر درس آموز و پرافتخارش، به آنچه خدا برایش مقرر فرموده بود رضایت داشت و در راه انجام وظایف و بدوش کشیدن بار مسئولیت خویش، انواع شکنجه و آزار، ترس ناراحتی، رنج محرومیت و گرفتاری و هرغم و مشکلی را به جان خرید و توانمند و پرصلابت، افتخار آفرید و تاریخ ساخت و نور پاشید. ولذا با برخی از این رنجها و مصیبت‌هایی که با زندگی پرشکوه آن حضرت آمیخته بود آشنا خواهید شد راستی فاطمه علیها السلام مصداق بارز کسانی است که با این سخن قرآن مورد خطاب قرار می‌گیرند. «یا ایتهما النفس المطمئنة، ارجعی الی ربک راضیة مرضیة»^(۲)

چرا که او به پاداش خدا و به آنچه آفریدگارش در این دنیا برای او مقرر فرمود، خشنود بود و در همه زندگی، به گونه‌ای سخن گفت و عمل کرد که خدا از او خشنود و راضی باشد، و براستی فاطمه علیها السلام است راضیه.

۸. **مَحَدَّثَةٌ**: یکی از اسم‌های مقدس بانوی دو جهان حضرت فاطمه علیها السلام محدّثه است یعنی کسی که فرشته وحی با او سخن گفته است و حدیث نموده است. پیش از هر چیز باید بنگریم که آیا فرشتگان با کسی جز پیام آوران خدا نیز سخن می‌گویند و آیا جز پیامبران، کسان دیگری هم می‌توانند فرشته را بنگرند؟ و آیا جز پیامبران خدا کسی می‌تواند صدای آنان را بشنود؟

برای پاسخ فراهم آوردند به این پرسشها باید به قرآن مراجعه کنم. و لذا خدا در قرآن با آنان که پیامبر هم نیستند؛ با زبان وحی سخن گفته است.

۱. **وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَ... يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ... (۱)**

و فرشتگان گفتند: ای مریم خداوند تو را برگزید و پاگیزه ساخت و بر زنان جهان برتری داد، ای مریم از پرودگارت فرمان بر، و در برابر او سجده کن، و با نماز گزاران نمازگزار.

به صراحت در این آیه شریفه فرشتگان «مریم» را مخاطب ساخته و با وی سخن گفتند. آن هم ستایش‌آمیز و در بردارنده دستورات خدا، مریم نیز ندای آنان را می‌شنید و سخنان‌شان را دریافت می‌کرد. در غیر این صورت کاری بیهوده و بی‌فایده به نظر می‌رسید.

۲. **وَأَذْكَرَ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذَا اسْتَبَدَّتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرَفِيًّا... فَارْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فتمدّل لها بشراً سوياً قال: أئما أنا رسول ربك لأهبّ لكِ غلاماً زكياً... (۲)**

که در این آیات هم جبرئیل به شکل آدمی بی عیب و نقصی با مریم محبت نمود در حالیکه مریم ترسید و جبرئیل از فرزند برای او خبر داد که مریم فرمود چگونه ممکن است که تا هنوز کسی با من تماسی نگرفته و هرگز من زن آلوده‌ای نبوده‌ام؟! و مفسر آن همه برآنند که منظور از «روحنا» در آیه شریفه «جبرئیل» است که در چهره یک انسان کامل و خوش سیما با مریم سخن گفت.

۳. و نیز می‌فرماید و امرأته قائمه فضحکت فبشّرناها باسحاق و من راء اسحاق یعقوب... (۱)

که زن ابراهیم ایستاده بود خندید فرشتگان او را به اسحق بشارت دادند و پس از اسحق به یعقوب.

۴. در قرآن آمده وَأَوْحِيَ إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنِ ارْضِعِيهِ فَإِذَا خِفْتِ عَلَيْهِ فَالْقِيهِ فِي الْيَمِّ (۲)

به مادر موسی وحی نمودیم که کودک خود را شیر بده و آنگاه که بر جان او بیمناک شدی او را به این دریا (نیل) بیفکن. به بیان مفسران منظور از وحی در این آیه شریفه الهام است پس از نگرش بر نکاتی که گذشت و اقعیت این است که بانوی گرانمایه اسلام فاطمه علیها السلام «محدّثه» و دریافت دارنده حقایق از جانب پروردگار بوده است چندان دشوار نیست، چرا که مقام ارجمند دخت پیامبر صلی الله علیه و آله نه کمتر از «مریم» و نه کمتر از «ساره» و یا کمتر از مادر حضرت موسی نیست. این روشن است که مریم و یا ساره همسر ابراهیم و مادر موسی پیامبر نبوده است و واژه محدّثون به «فتح» دال اسم مفعول و جمع محدّث به مفهوم دریافت کننده الهام و یا کسی که ملک وحی با او سخن گفته است فاطمه زهرا علیها السلام محدّثه است چون ملک وحی با او سخن گفته و دارای کتاب مصحف است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: فاطمه علیها السلام را بدان جهت محدّثه نامیده‌اند که فرشتگان از آسمان فرود

آمده و با او گفتگو می‌کردند و همانگونه که ملک با «مریم» ندا می‌دادند به فاطمه نیز ندا دادند که:

يا فاطمة! ان الله اصطفىك وطهرک واصطفىك علی نساء العالمین (۳)

۱. سوره هود آیه ۷۰ - ۷۳.

۲. سوره قصص آیه ۷.

۳. کافی ج ۱ / ۱۸۲.

ای فاطمه: خدا تو را برگزیده و پاک و پاکیزه ساخت و تو را بر همه زنان گیتی برتری بخشید. و نیز از امام صادق علیه السلام است که به «ابابصیر» فرمود: «مصحف» فاطمه علیها السلام نزد ماست مردم چه می دانند که مصحف فاطمه علیها السلام چیست؟ آنگاه فرمود: مصحف فاطمه علیها السلام سه برابر قرآن کریم است به خدا سوگند که یک واژه‌ای از قرآن کریم در آن نیست آن حقایق است که خدا آنها را به مادرمان فاطمه علیها السلام املاء و وحی فرمود (۱).

این به منظور شاهد بر مطلب که فاطمه علیها السلام محدّثه است ذکر شد و اما در اینکه وحی چیست؟ و مصحف فاطمه علیها السلام چیست؟ به تنهای تحقیق در خور خودش را می طلبد. آنچه از قرآن استفاده می شود که: وحی الهی ویژه پیامبران نیست و خدا به غیر آنان نیز وحی فرموده است. و لذا فاطمه علیها السلام محدّثه است. زیرا او مانند عیسی در شکم مادر سخن گفته است.

۹. (زهراء): پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در مورد آفرینش نور فاطمه علیها السلام فرمود:

آفریدگار هستی نور فاطمه علیها السلام را بسان مشعلی فروزان آفرید و آن بر کنگره‌ای عرش آویخت و آنگاه بود که آسمانها و زمین‌های هفتگانه به نور «فاطمه» علیها السلام نور باران گردید و به همین جهت فاطمه علیها السلام «زهرا» نامیده شد. (۲)

ابن عباس آورده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

و اما ابنتی «فاطمه» فانها سيدة نساء العالمين من الاولين و الاخرين و هي بضعة مني و هي نور عيني و هي ثمرة فؤادی و هي روحی... هي الحورا أنسیّه...

اما دخت ارجمندم «فاطمه» سالار زنان گیتی در همه عصرها و نسلها است. او پاره تن من نور دیده، میوه دل و روح من است که در سازمان وجودم قرار دارد. او حوریه‌ای است در سیمای انسان که هرگاه در محراب عبادت در برابر پروردگارش قرار می‌گیرد نور وجودش برای فرشتگان می‌درخشد،

همانگونه که ستارگان برای زمینیان نور افشانی می‌کنند، با دقت در این روایات با نام مقدّس «زهرا علیها السلام» آشنا می‌شویم. فاطمه علیها السلام نامه‌های مقدّس دیگری نیز دارد که هر کدام از آنها نمایانگر ابعاد معنوی و علمی و اجتماعی «فاطمه علیها السلام» می‌باشد. مانند «بتول» و «إِنَّمَا سَمِيَتْ فَاطِمَةُ الْبُتُولَ لِأَنَّهَا تَبَتَّلَتْ مِنَ الْحَيْضِ وَ النَّفَاسِ لِأَنَّ ذَلِكَ عَيْبٌ فِي بَنَاتِ الْأَنْبِيَاءِ أَوْ قَالَ: نُقْصَانٌ

شیخ سلیمان بن ابراهیم قندوزی الحنفی می‌نویسد: تنها فاطمه علیها السلام بتول نامیده شده است زیرا او از حیض و نفاس جدا شده است و این بدان جهت است که دیدن خون حیض و نفاس در دختران پیامبران عیب و نقص است ^(۱).

و «عذرا»... و دارای کنیه‌هایی است، که معروف‌ترین آنها «امّ ابیها» می‌باشد.

نوجوانی حضرت فاطمه علیها السلام

از دیدگاه روان‌شناسی و تربیتی سه عامل مهم در ساختار شخصیت فرد تأثیر بارز دارد:

۱. وراثت

۲. آموزش و فرهنگ.

۳. محیط زندگی.

فرهنگ و محیط جغرافیایی و اجتماعی در رشد بنیادهای اخلاقی و تربیتی نقش مهم دارد.

زیرا یک معلم می‌تواند سر نوشت کودک و یا جامعه‌ای را پایه ریزی کند.

از نظر وراثت تمام صفات نیک پیامبران الهی از زمان آدم یک جا در وجود پدر فاطمه علیها السلام است و والاترین و کامل‌ترین فرد در میان انسانها و عالم خلقت است. و فاطمه دختر چنین پیامبری است. و او وارث آدم علیه السلام و نوح علیه السلام و ابراهیم علیه السلام و موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله است پس زهرا وارث بهترین صفات از بهترین انسانها در تاریخ بشر است از سوی دیگر مادرش خدیجه علیها السلام آن زن شجاع و ایثارگر

در سخت‌ترین بُرهه از تاریخ اسلام به یاری پیامبر ﷺ و دین خدا برخاست. از همان آغاز کودکی حضرت زهرا علیها السلام با بحران‌ها و شکنجه‌ها مصادف بود همانند خبر از شهادت (سمیه) و (یاسر) و نیز خبر از تازیانه‌ها بر پشت (بلال حبشی) و ندای احد احد او در زیر شکنجه‌ها و... حتی صدای ناله شکنجه شده‌گان بگوش می‌رسید گاه تهدیدها و آزارها مستقیماً متوجه پیامبر ﷺ و خانواده‌اش بود. در شعب ابی طالب شکنجه‌ها طاقت فرسا بود. در سال هفتم بعثت مشرکان پیمان محاصره اقتصادی را امضاء کردند^(۱) پیامبر ﷺ و یاران به همراه بنی هاشم مجبور شدند به شعب ابی طالب پناهنده شوند در شعب ابی طالب اطاقها و سایه بانها زیست مناسب و کافی وجود نداشت در روزهای گرم تابستان آفتاب بر سرشان آتش و در شبهای سرد زمستان از سرما بر خود می‌لرزیدند و حتی لباس و تن پوش مناسب در اختیار نداشتند تهیه آذوقه مشقت فراوان داشت. از این رو گاه یک دانه خرما را چند نفر بر دهان می‌گذارند و اندکی می‌مکیدند تا مختصر رمقی بگیرند، فریاد کودکان از شدت گرسنگی بلند بود^(۲) خدیجه علیها السلام می‌کوشید با نثار ثروت خویش و تهیه آذوقه از بازار سیاه به قیمت گزاف گرسنگی مسلمانان ساکن شعب ابی طالب را چاره کند و از این رو گاه بسته‌های آذوقه برایش توسط یکی از تجار مکه بنام حکیم بن خزیم پنهانی به شعب می‌رسید^(۳) و شاید بتوان گفت عمده دارایی و ثروت خدیجه علیها السلام در دروان محاصره اقتصادی به مصرف رسید زهرا علیها السلام عزیز، سه سال از بهترین سالهای کودکی را در چنین شرایط سخت و جانکاهی گزراند. او در سنگلاخهای شعب ابی طالب شکیبایی و مقاومت را فراگرفت. فریاد اطفال گرسنه شعب را می‌شنید و خود نیز بسان دیگران طعم گرسنگی را می‌چشید.

۱. سیر ابن هشام، ۱/ ۲۷۶ تاریخ طبری، ۲/ ۷۴

۲. سیره ابن هشام ۲/ ۱۷

۳. همان مدرک ۱/ ۳۷۹

حضور در شعب

سال دهم بعثت بود سه سال از محاصره اقتصادی مسلمانان گذشت و فاطمه علیها السلام در این مدت به جز محیط سوزان شعب ابی طالب جای دیگر را ندیده بود روزی فرشته‌ای وحی برای پیامبر صلی الله علیه و آله پیام آورد که متن قرار داد محاصره را موربانه‌ها به امر خدا خورده‌اند و آن را از بین برده‌اند به زودی خبر توسط ابو طالب علیه السلام به گوش مشرکان رسید و بدین ترتیب محاصره اقتصادی مسلمانان پایان یافت و آنان به خانه هایشان بازگشتند^(۱) بعد از آن تنگناها اینک شاد کامی نمودار شد. اما درینا و دردا که روزهای خوش فاطمه علیها السلام دوامی نداشت تازه می‌خواست عطر دل‌انگیز آزادی و شادی را استشمام کند که ابتدا عموی مهربانش ابو طالب علیه السلام و به فاصله کوتاهی بعد از آن مادر عزیزش خدیجه علیها السلام به خاطر سختیهایی که کشیده بودند از دنیا رفتند^(۲) حادثه رحلت آن دو بزرگوار برای پیامبر صلی الله علیه و آله به قدری غم‌انگیز بود که آن سال را عام الحزن «سال اندوه» نام نهادند این حادثه جانسوز روح حساس فاطمه را افسرده و در فراق مادر می‌سوخت و بیاد او اشک می‌ریخت. فاطمه به دور پدر می‌گشت و با شریین زبانی می‌گفت! پدر مادرم کجاست؟ پیامبر در اندیشه بود تا جواب فاطمه را چه گوید که جبرئیل نازل شد گفت: خدایت امر می‌فرماید که به فاطمه علیها السلام سلام رسانی و به او بگوئی که مادرت در قصری که از مُروارید و طلا ساخته شده و ستون‌هایش از یاقوت است بین «آسیه» و «مریم» با آسایش زیست می‌کند^(۳) پس از رحلت ابو طالب علیه السلام و خدیجه علیها السلام سختی‌ها شدت یافت آزار دشمنان بیشتر شد گاه پیامبر صلی الله علیه و آله را سنگ می‌زدند و خون آلودش می‌کردند گاهی به چهره مبارکش خاک می‌پاشیدند و ناسزا می‌گفتند وقتی هم که به خانه باز می‌گشتند می‌دیدند که چشمان فاطمه از فراق مادر اشکبار است روزی مردی از قریش بر سر رسول خدا خاک ریخت آن حضرت با سر و لباس خاک آلود وارد

۱. سیره ابن هشام ۲ / ۱۴ - ۱۷، تاریخ یعقوبی، ۲ / ۳۱ - ۳۲.

۲. تاریخ یعقوبی ۲ / ۳۱ - ۳۲، سیره ابن هشام، ۲ / ۵۷.

۳. ینابیع الموده، ۳۱۳، صحیح بخاری، ۲ / ۲۷۷.

صاحبانش رد و پس از سه روز فاطمه زهرا علیها السلام را به اتفاق مادر خود فاطمه بنت اسد و فاطمه بنت زبیر نیمه شب سوار بر شترها^(۱) و راه مدینه را در پیش گرفت این هجرت خطرانی در پیش داشت دشمنان در پی آنان تاختند و در بین راه در منزل ضحجان به مهاجران رسیدند علی بانوان را در پناهگاهی پیاده نمود و آنجا با شمشیر بر دشمن حمله کرد و آنان گریختند در این هجرت فاطمه علیها السلام به اتفاق دو بانوی مهاجر به سر پرستی علی مسیر طولانی ۴۶۸ کیلومتر مکه به مدینه را در زیر آفتاب سوزان طی نمود و در روز پنجشنبه ۱۵ ربیع الاول به قباء شش کیلومتری مدینه رسید و به خانه^(۲) سعد بن خثیمه وارد شد مجاور رکن غربی و در مسجد قبا قرار داشت.

حضرت فاطمه علیها السلام و نامادری

رسول خدا صلی الله علیه و آله یکسال پس از رحلت خدیجه علیها السلام در مکه با زنی بنام سوره دختر زمعه این قیس از دواج کرد سوره زن مسلمانی بود که با شوهرش به حبشه هجرت کرد و پس از بازگشت، همسرش «سکران بن عمر» در مکه وفات نمود پس از گذشت مدت‌ها پیامبر صلی الله علیه و آله او را به عقد خود درآورد. سوره سالمند بود پس از ازداج با رسول خدا صلی الله علیه و آله به آن حضرت فرمود:

من می خواستم افتخار همسری باشما نصیبم شود^(۳) سوره با فاطمه علیها السلام به نیکی رفتار می نمود،

پس از سوره پیامبر صلی الله علیه و آله عایشه را در مکه به عقد خود درآورد و هشت ماه پس از هجرت با او عروسی کرد^(۴) (عایشه) دختر بود جوان به حکم غریزه طبیعی حسادت زنانه بر او غالب گشت و از این رو نسبت به فاطمه علیها السلام و مادرش خدیجه علیها السلام حسادت می ورزید.

محدث بزرگ اهل سنت امام بخاری متوفای ۲۵۶ روایت می کند که عایشه گفته است با آنکه

۱. همان مدرک ۲ / ۴۱

۲. سعد ابن خثیمه از نیکان صحابه پیامبر بود و در نبرد بدر به شهادت رسید.

۴ - همان مدرک ۸ / ۸

۳ - طبقات کبری ۵۲/۸ - ۵۶،

خدیدجه علیه السلام را ندیده بودم هیچ یک از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله چون خدیدجه علیه السلام مورد رشک و حسادتم واقع نشد (۱) اما رسول خدا صلی الله علیه و آله هیچگاه نیکی های خدیدجه علیه السلام را فراموش نکرد گاه آن حضرت گوسفندی را قربانی می کرد و گوشت آن را بنام و یاد خدیدجه علیه السلام قسمت می کرد. (۲)

هر گاه پیامبر صلی الله علیه و آله به یاد خدیدجه علیه السلام می افتاد حالش دگرگون می شد روزی عایشه که از رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله در یاد آوری از خدیدجه علیه السلام حسادتش تحریک شده بود گفت چه قدر از آن پیره زن قریشی یاد می کنی مدتهاست که او مرده است و خداوند بهتر از آن زن را به تو ارزانی داشته است چهره مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله بر افروخت شد فرمود: نه هرگز نکوتر از خدیدجه علیه السلام خداوند به من زنی نداده است زیرا آنگاه که تمام مردم رسالت را انکار می کردند خدیدجه علیه السلام تنها زنی بود که به من ایمان آورد و رسالت را قبول نمود آن وقت که مردم دروغ گو و ساحرم می گفتند خدیدجه علیه السلام مرا تصدیق کرد و هنگامیکه مردم مرا در تنگنای مالی گذاشتند و مسلمین را محاصره اقتصادی کردند خدیدجه علیه السلام مرا شریک دارایی انبوهش قرار داد. و در شعب ابی طالب تمام دارائش را صرف مسلمین نمود و خداوند از خدیدجه علیه السلام به من فرزندان ارزانی داشت. (۳) تمام فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله از خدیدجه علیه السلام بود جز ابراهیم که از کنیزی که بنام ماریه بوده است شاید این گفتگوها که عایشه می کرد فاطمه علیه السلام را بیشتر به یاد مادر مهربانش می انداخت.



فصل دوم:

در خانه شوهر

- پیشنهاد به حضرت علی علیه السلام
- خواستگاری حضرت علی علیه السلام از حضرت فاطمه علیها السلام
- مهریه حضرت فاطمه علیها السلام
- عقد در مسجد
- جهیزیه حضرت فاطمه علیها السلام
- درسی برای جوانان، پدران و مادران
- وضعیت خانه علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام
- حضرت فاطمه علیها السلام و خانه داری
- حضرت فاطمه علیها السلام و شوهر داری
- فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام و تربیت آنها
- نقش حضرت فاطمه علیها السلام در نبردهای صدر اسلام
- حضور فاطمه علیها السلام در فتح مکه
- فاطمه زهرا علیها السلام در مراسم حجة الوداع
- بیماری پیامبر صلی الله علیه و آله
- سخن پنهانی پیامبر صلی الله علیه و آله با فاطمه علیها السلام
- سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام
- بیماری حضرت فاطمه علیها السلام
- شهادت حضرت فاطمه علیها السلام

در خانه شوهر

پیشنهاد به حضرت علی علیه السلام

فاطمه علیها السلام به سن رشد و ازدواج رسید بزرگان و شخصیت‌های ثروت‌مند و بانفوذی که بر بلندای مقام فاطمه علیها السلام آگاه نبودند گاه بیگانه خواستگاری از فاطمه علیها السلام را زمزمه می‌کردند. اما پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمود امر ازدواج فاطمه علیها السلام بدست خداوند است (۱).

و گاه می‌فرمود فاطمه علیها السلام هنوز کوچک است. (۲) به نوشته مؤرخان و محدثان بزرگ اهل سنت هنگامی که ابوبکر و عمر نزد پیامبر صلی الله علیه و آله هر یکی از فاطمه علیها السلام خواستگاری کردند. پیامبر صلی الله علیه و آله در جوابشان فرمود: در انتظار دستور الهی هستم (۳).

روزی ابو بکر به عمر گفت خواستگاران‌ی که نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفته‌اند رد شده‌اند پیامبر فرموده است که تعیین همسر فاطمه علیها السلام با خدا است تنها علی علیه السلام اقدام در این مورد نکرده است ابا بکر گفت: ما چرا را برای علی علیه السلام نقل کنم و ببینم آیا او مایل به ازدواج است؟ بعد به اتفاق هم عمر و ابابکر و سعد از مسجد خارج شدند و به جستجوی علی علیه السلام پرداختند علی علیه السلام در خانه نبود اطلاع یافتند که علی در تلاش برای معاش در نخلستان یکی از انصار به و سیله شترش به آب کشی و آبیاری نخلها مشغول است. به سویش شتافتند علی علیه السلام فرمود: از کجا و به چه منظور آمده‌اید؟ ابا بکر ماجرا را گفت و در پایان به علی علیه السلام فرمود: من صلاح می‌بینم هر چه زودتر در خواستگاری فاطمه علیها السلام تعجیل کن (۴) علی علیه السلام نیز یاد آور شد این وصلت آروزی من است.

۲. سنن نسائی، ۶/۶۲

۱. کشف الغمه، ۸/۳۵۳

۳. فضائل فاطمه زهرا این شاهین ۵۰ - ذخائر العقبی، ۳۰ - طبقات کبری ۸/۱۹

۴. کشف الغمه ۱/۳۵۴ / طبقات کبری ۸/۱۹ امالی طوسی ۱/۳۸

خواستگاری علی علیه السلام از فاطمه علیها السلام

بعد از پیشنهادی که به حضرت علی علیه السلام شد جهت خواستگاری، علی علیه السلام به منزل آمد به نحوی خدمت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله رفت سلام کرد و در حضور پیامبر صلی الله علیه و آله نشست از خجالت چهره اش سرخ شده و سرش پائین بود و ساکت ماند.

لختی گذشت هر دو ساکت بودند پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند علی علیه السلام برای خواسته‌ای نزد من آمده‌ای که از اظهار آن شرم‌داری؟ حاجت را بگو و مطمئن باش خواسته ات پذیرفته است. علی علیه السلام فرمود پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پدر و مادرم فدایت باد من در خانه‌ات بزرگ شده‌ام با مهر تو پرورش یافته‌ام از فیض وجودت هدایت یافته‌ام ای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سوگند به خدا که اندوخته‌ی دنیا و آخرت من تویی اکنون وقت آن رسیده که تشکیل خانواده دهم اگر مصلحت باشد فاطمه علیها السلام را به عقد من در آوری سعادت بزرگ نصیب من شده است ^(۱) پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از پیشنهاد علی علیه السلام خرسند شد فرمود: صبر کن تا نظر فاطمه علیها السلام را جو یا شوم آنگاه نزد وی رفت و فرمود دخترم علی ابن ابیطالب علیه السلام به خواستگاری تو آمده است آیا اجازه می‌دهی تو را به عقد علی علیه السلام در آورم؟ فاطمه علیها السلام بخاطر شرم حیا ساکت ماند اما حرکتی که ناشی از نا رضایتی او باشد (که بین دختران آن روز مرسوم بود) بروز نداد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در سکوت پر صلابت فاطمه علیها السلام رضایت او را در یافت و فرمود: «اللّه اکبر سکوتها

رضایتها» خدا بزرگ است و سکوت علامت رضای اوست. ^(۲)

مهریه حضرت فاطمه علیها السلام

رسول خدا صلی الله علیه و آله از علی علیه السلام سؤال نمود آیا چیزی داری برای مخارج از دواج؟ علی علیه السلام فرمود: فدایت باد پدر و مادرم هیچ چیزی از نظر شما پوشیده نیست تمام دارای ام شمشیر و شتر و زرهی

۱. کشف الغمّه ۲ / ۲۵۵ - ۳۵۶، بحار الانوار، ۴۳ / ۱۲۷ - شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ۱۲ / ۲۰۸

۲. الریاض النضره در بعضی منابع سکوتها اقرارها ذکر شده است بحار الانوار ۴۳ / ۹۳ - امالی ۱ / ۳۸

بیش نیست پیامبر ﷺ فرمود شتر و شمشیر برای کار و جهاد مورد نیاز توست همان زره را مهر قرار می‌دهی پس در آستانه‌ی مراسم زره را بفروش و بهایش را نزد من آور علی ﷺ زره را به فروش رسانید و بهائی را که عبارت از ۴۸۰ یا ۵۰۰ درهم نقره مساوی با ۳۲۳ مثقال نقره بود، به عنوان مهریه در اختیار پیامبر ﷺ نهاد این میزان مهریه که مهر السنه نامیده می‌شود بین مسلمانان رائج شد زیرا مهریه اغلب همسران پیامبر ﷺ که برخی آنان بعد از ازدواج فاطمه زهرا و علی ﷺ با رسول خدا ﷺ صورت گرفت از این حد فراتر نرفت تا مدت‌ها بعد از زمان پیامبر ﷺ هم از افزایش مهریه زنان جلوگیری می‌شد و مبنا در این کار میزان مهریه فاطمه زهرا ﷺ دختر پیامبر ﷺ بود (۱).

عقد در مسجد (۲)

از انس بن مالک روایت شده است که به خواستگاری حضرت زهرا ﷺ تعداد زیادی آمده بودند که پیامبر ﷺ جواب رد دادند و فرمودند هنوز قضای الهی به مرحله اجرا نرسیده است در این هنگام که حضرت علی ﷺ آمد پیشنهاد او را پذیرفت و فرمود پروردگار جهان به من دستور داده تا خواستگاری علی ﷺ را بپذیرم و فاطمه ﷺ را در عقد او در آورم انس گفته است پس از چند روز پیامبر ﷺ مرا طلبید و فرمود: ابوبکر، عمر بن خطاب، عثمان بن عفان، عبد الرحمان بن عوف، سعد بن وقاص، طلحه، زبیر و گروهی از انصار را دعوت کن انس به امر رسول خدا ﷺ انصار و دعوت شده‌گان را دعوت نمود.

دعوت شده‌گان حضور یافتند و هر یک در خور مقامی که داشت در جای خود نشست پیامبر اسلام ﷺ به انجام یکی از دستوره‌ای الهی که مأمور شده بود در حضور گروه دعوت شده‌گان در مسجد خطبه عقد را به این مضمون ایراد نمود.

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ۱۲ / ۲۰۸، مناقب ابن شهر آشوب، ۲ / ۲۵۱

۲. الزیاض فی النظره ۲ / ۱۸۳ - ذخائر العقبی ۲۹

خداوند را سپاس گذارم که با اعطای نعمت، محمود آفریده گان است، و با نیرویی که دارد همگان او را بندگی می نمایند، و با تسلطی که بر ماسوای خود دارد همه سر اطاعت در برابر او بزیر می آورند، و از شکنجه و عذاب و از مخالفت با او در هراسند. فرمان او در آسمان و زمین نافذ است، خدایی که آفریدگان خویش را آفرید، و با دستور هایی که صادر کرد. امتیاز میان بندگان به وجود آورد. و مردم را با اعلام دین خویش عزت بخشید و از برکت و جود پیغمبرش محمد صلی الله علیه و آله آنان را گرمی داشت به راستی خدایی که نامش با برکت و عظمتش بالاتر از آن است که به زبان آید معاهدت و دامادی را وسیله پیوند قرار داد.

و آن را بر مردم لازم کرد تا پیوندها بر قرار بماند و پروردگار همواره بر همه چیز دانا است آنچه را می خواهد محو می کند و آنچه را می خواهد پایدار می دارد و ام الکتاب «لوح محفوظ» نزد او است. اینک پروردگار بمن دستور داده است که فاطمه علیها السلام دخترم را به همسری علی ابن ابیطالب علیه السلام در آورم و شما گواه باشید که اگر او راضی باشد فاطمه علیها السلام را باکابین چهار صد درهم به همسری وی در آورم (در احادیثی که از شیعه نقل شده ۵۰۰ درهم ذکر شده است) آنگاه دستور داد طبقی از خرما حاضر کردند و در برابر دعوت شده گان قرار دادند و فرمود از این خرما که به منظور عقد فاطمه با علی علیه السلام تهیه شده است تناول نمایند. در حالیکه ما مشغول تناول خرما بودیم علی علیه السلام وارد شد

رسول خدا صلی الله علیه و آله از ورود او شادمان شد لبخند زد آنگاه خطاب به حضرت علی علیه السلام فرمود آیا راضی هستی دخترم فاطمه علیها السلام را در برابر مهری ۴۰۰ چهار صد درهم به عقد شما در آورم؟ گفت: یا رسول الله صلی الله علیه و آله راضیم «انس» می گوید در آن هنگام رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود خدای تعالی اجتماع زندگی شما دو همسر را بر قرار بدارد.

و ککش شمارا در گرد آوری امور زندگی به نیکبختی منتها بسازد و برکاتش را بر شما جاری سازد و پیوندهای بسیار شایسته از شما بوجود آورد.

«انس» گفته است آری همانطور که پیامبر ﷺ تقاضا کرده بود پیوندهای بسیار پاکیزه از آنها به ثمر رسید پیامبر ﷺ که دوست داشت عقد در حضور جماعت در مسجد جاری شود فرمود بدانید که جبرئیل بر من نازل شد و از نزد خداوند برایم پیام آورد که مراسم عقد ازدواج علی با فاطمه ﷺ با حضور فرشتگان در بیت المعمور بر گذار شده است و خداوند دستور داده است که در زمین مراسم عقد را انجام دهم و شما را شاهد گیرم آنگاه پیامبر ﷺ خطبه عقد را جاری نمود، سپس پیامبر ﷺ به علی ﷺ فرمود: به پاخیز سخن بگو علی ﷺ بر خاست و پس از حمد و سپاس خداوند به ایراد سخن پرداخت رضایت و خرسندی خود را از این ازدواج با فاطمه ﷺ اعلام نمود. و مردم دعا کردند و گفتند خداوند این ازدواج را بر شما مبارک گرداند و در دلهای تان محبت و دوستی افکند (۱)

جهیزیه حضرت فاطمه ﷺ

رسول خدا ﷺ مقداری درهم از مهر را در اختیار سلمان فارسی و بلال و ابوبکر نهاد فرمود: با این مقدار درهم اسباب و لوازم زندگی خریداری کنید چند درهم نیز جهت خرید عطر اختصاص یافت. یاران به بازار رفتند با آن پول تعدادی از وسایل خریدند که از این مقدار تجاوز نمی کرد:

۱. پیراهن بهای ۷ درهم.
۲. روسری به بهای یک درهم.
۳. یک قطیفه مشکی.
۴. یک تخت عربی از چوب و لیف خرما.
۵. دو عدد تشک با روکش کتان مصری که یکی از پشم گوسفند و دیگری از لیف خرما پر کرده بود.
۶. حصیر بافت هجر.
۷. آسیا دستی.

۸. چهار بالش که از اذخر و پشم پر شده بود.

۹. پرده موین.

۱۰. طشت بزرگ.

۱۱. مشک آب.

۱۲. کاسه چوبی برای شیر.

۱۳. ظرفی از پوست برای آب.

۱۴. ابریق (آفتابه)

۱۵. چند ظرفی مسی.

۱۶. چند کوزه سفالی.

۱۷. دستبند نقره.

هنگامیکه پیامبر صلی الله علیه و آله به این تعداد جهیزه نگاه نمود زبان به دعا گشود و فرمود خداوندا در زندگی کسانی که بیشتر ظروفشان سفالین است برکت قرار ده ^(۱) بر آنها نگریست و گوهرهای اشک آرام آرام بر گونه هایش چون یاقوت درخشید.

ابن ماجه ^(۲) در صحیح و ابواب نکاح به سند خود از عایشه و امّ سلمه روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله بما دستور داد تا جهیزه فاطمه علیها السلام را برای رفتن به خانه علی علیه السلام آماده کنیم ابتدا به دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله سطح خانه را از نرم زمین بطها پوشانیدیم روی چوب پس از آن دو عدد بالشی تهیه نمودیم و آن را به دست خودمان از لیف خرما مملو ساختیم غذای از خرما و کشمش ترتیب داده و آب گوارایی آماده نمودیم و چوبی در یک طرف خانه گذاشتم که لباس ها و مشک آب را بدان آویزند

۱. مناقب ابن شهر آشوب ۳ / ۳۵۳ - بحار الانوار ۲ - امالی طوسی ۱ / ۳۹ - کشف الغمه ۱ / ۳۵۹

۲. تصحیح ابن ماجه ابواب نکاح ۱۳۹

هیچ عروسی ای را بهتر از عروسی فاطمه علیها السلام ندیده بودیم.

ابن سعد ^(۱) می نویسد از مرد که دایه‌های آن از انصار است، و جداش از زنان بوده که در رفتن فاطمه علیها السلام به خانه علی علیه السلام همراه بوده است از هدایای که برای آن حضرت تهیه شده بود بردی که دو آویزه آن از نقره بود و آنها را به رنگ زعفرانی زرد کرده بودند به این ترتیب وارد خانه علی علیه السلام شدیم و سائل که آنجا موجود بود ۱ پست گوسفند ۲ - بالش پر شده از لیف خرما مشک آب مقدار آرد و حوله و قدح ^(۲) از اسماء بنت عمیس نقل شده است وقتی که ما همراه زهرا علیها السلام در خانه علی علیه السلام رفتیم بالش و زیر انداز شان جز لیف خرما چیز دیگری نبود و حضرت علی علیه السلام به میمنت همسری با فاطمه علیها السلام ولیمه‌ای ترتیب داد و آن روزگار ولیمه‌ای بهتر از ولیمه حضرت علی علیه السلام تهیه نشده بود. ابن سعد ^(۳) از عامر روایت کرده است که حضرت علی علیه السلام فرمود: هنگام از دواج با زهرا علیها السلام زیر انداز جز پست گوسفند نداشتیم، محب طبری ^(۴) از جابر روایت کرده است در مجلس عروسی علی و فاطمه علیها السلام شرکت کردم هیچ عروسی ای را به خوبی این عروسی ندیده بودیم خانه را از بوی عطر آکنده ساخته و خرما و روغن زیتون ترتیب داده تناول نمودیم این مراسم ازدواج روز اول ذی الحجة سال دوم هجری قمری و یا هشتم ذی الحجة همان سال و یک ماه پس از مجلس عقد صورت گرفت ^(۵) (وبر خی این فاصله را یک سال نوشته‌اند) و یکی از بزرگان انصار به نام سعد گفت: من گوسفندی هدیه می‌کنم و بعضی از انصار هم چند صاع ذرت آوردند. ^(۶)

درسی برای جوانان، پدران و مادران

از برنامه ازدواج علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام نکات بسیار جالبی را می‌آموزیم ما اگر خواهان سعادتیم و

۲. همان مدرک ۱۴/۸

۱. طبقات کبری ۱۵/۸

۴. الریاض النضره ۱۸۲/۲

۳. همان مدرک ۱۳/۸

۵. بحار الانوار ۴۳/۱۸۲ - تطبیق تاریخ از آقای عبد الحسین نیری

۶. طبقات کبری ۱۲/۸ - بحار الانوار ۴۳/۱۳۷

پیروان راستین اسلام بایستی تا مرز توان تلاش کنیم که در مرحله اول ازدواج بر مبنای صحیحی صورت گیرد و در مرحله دوم آن که ساده زیستی به ازدواج راه یابد و گرنه قید و بندهای اجتماعی در امر ازدواج در دنیای امروز که بیشتر نشأت گرفته از فرهنگ غیر اسلامی و یاساخته و پرداخته ذهنهای کوتاه‌نگر مادی و اشرافی‌گری است. چون غل و زنجیر بر دست و پای جوانان و والدین آنها می‌افتد تا جایی که امکان هر نوع حرکت صحیح را می‌گیرد و حیات جامعه سالم را به سوی نابودی می‌کشاند و بر فساد و نابسامانی‌های ناروا و مشکلات اخلاقی می‌افزاید.

درس‌هایی که از ازدواج حضرت علی می‌گیریم این است:

اول - هم کفو بودن و هم‌تا بودن دختر و پسر باهم تا درک متقابل آنان از یکدیگر امکان‌پذیر باشد برخی هم کفو بودن را به شرائط ظاهری از قبیل مسائل نژادی و یا وضعیت مادی و رفاهی می‌کشاند در صورتی که چنین نیست بلکه منظور همسویی آرمان‌ها خواست‌ها و تمالایت روحی و روانی افراد میزان آگاهی‌ها علمی و دینی و میزان تعهد عملی به مکتب و مذهب و ارزش نهادن به ویژگی‌های اخلاقی و فرهنگی است، اگر مسئله هم کفو و هم‌تایی نبود بدون تردید دختران زیادی در مدینه بودند که از ازدواج با علی علیه السلام خرسند می‌شدند اما علی علیه السلام از کسی غیر از فاطمه علیها السلام خواستگاری نکرد و برای فاطمه علیها السلام هم خواستگاران زیادی بودند اما زهرا علیها السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که درود خدا بر آنان باد به این وصلت‌ها راضی نشدند. تنها فاطمه علیها السلام و حضرت علی علیه السلام بودند زیبایی و شکوه‌های معنوی هم دیگر را درک می‌کردند در این مورد به روایت قندوزی از علمای اهل سنت بنگرید که می‌گوید رسول خدا فرمود: «اگر خداوند بزرگ، علی را نمی‌آفرید برای فاطمه علیها السلام کفو و هم‌تایی وجود نداشت».

دوم - روش خواستگاری، خواستگاری بدون تشریفات و حضور واسطه انجام شد علی علیه السلام

شخصاً به خواستگاری فاطمه علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اقدام نمود.

سوم - پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بدون رضایت دخترش فاطمه علیها السلام به خواستگار پاسخ مثبت نداد.

چهارم - میزان مهریه اندک و متناسب با شرایط مالی داماد بود این میزان مهریه بعدها به عنوان مهر السنه در میان مسلمانان رواج یافت امروز چه مانعی دارد که همان مقدار مهریه ۳۲۳ و یا حد اکثر ۴۰۰ مثقال نقره به عنوان مهریه رواج یابد.

پنجم - در تهیه جهیزه به ضروری ترین و ابتدای ترین وسایل زندگی روز بسنده شود باید ما مسلمانان از سیره پیامبر ﷺ پیاموزیم در الگوی مصرف تجدید نظر کنیم متأسفانه امروز به خصوص در قشر مرفه جهیزه دخترانشان نمایشگاه بین المللی است.

ششم - پول جهیزه که ۶۳ درهم بود^(۱) پیامبر ﷺ از مهریه پرداختی علی رضی الله عنه برداشت. و به عبارت دیگر پیامبر ﷺ پول از خودش پرداخت و دوباره از علی رضی الله عنه اخذ نکرد که اگر روش و سنت پیامبر ﷺ اجرا شود دیگر جای نگرانی برای خانواده‌های کم بضاعت در این مورد نیست. هفتم - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود^(۲) یا علی رضی الله عنه، در عروسی ولیمه باشد، بعضی‌ها فکر می‌کنند که یکی از شرایط ازدواج اسلامی این است که بدون مهمانی و یا ولیمه باشد در صورتی که ولیمه دادن مستحب است بر عکس در شهادت یادر وفات فردی خوردن غذای صاحب عزا مکروه است و خوبست که تاسه روز برای خانواده داغدیده دیگران غذا تهیه کنند حال در عرف امروز کارها بر عکس است. هشتم - برای عروسی فاطمه رضی الله عنها و علی رضی الله عنه^(۳) سعد از سران مردم مدینه گوسفند هدیه داد که برای ولیمه عروسی با گوشت آن غذا تهیه کردند و عده‌ای دیگر از مردم مدینه هم به قدر توانایی خویش مواد غذای و یا وسائل دیگر هدیه دادند این فرهنگ را باید ما مسلمانان هم داشته باشیم تا لا اقل به جوانان کم بضاعت در حد توان کمک و زمینه ازدواج آنان را فراهم کنیم.

وضعیت خانه حضرت علی و حضرت فاطمه رضی الله عنهما:

خانه ای که به فاصله چندی از ازدواج علی رضی الله عنه و فاطمه رضی الله عنها توسط پیامبر ﷺ در اختیار آنان قرار گرفت.

۱. بحار الانوار ۴۳ / ۱۳۰

۲. طبقات کبری ۱۲ / ۸ «قال رسول الله یا علی لابد للعرس من ولیمه»

۳. همان مدرک ۱۲ / ۸ - بحار الانوار ۴۳ / ۱۳۷

خانه مسکونی مجللی نبود بلکه خانه گلینی بود که سقف آن را با چوپ خرما و حصیر پوشانیده و آن گل اندود کرده بودند فاصله سقف آن خانه از کف به اندازه‌ای بود که دست به راحتی به سقف می‌رسید اینان در آن سکونت داشتند^(۱) آری این بود کلبه و خانه فاطمه علیها السلام که از صفایش نور خدا جلوه گر بود که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود خانه علی و فاطمه علیها السلام با فضیلت‌ترین خانه است خانه علی و فاطمه علیها السلام در کنار مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله بود درب آن نیز به مسجد باز می‌شد. عده‌ای دیگر از یاران پیامبر هم درب خانه هایشان به مسجد باز می‌شدند روزی پیامبر صلی الله علیه و آله فرمان داد تمام درهایی را که به مسجد باز می‌شود ببندند جز در خانه علی و فاطمه علیها السلام که آن را به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله باز نهادند وقتی یاران پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند: یا رسول الله صلی الله علیه و آله در خانه‌های ما را به مسجد بستی اما در خانه علی علیه السلام را باز نهادی پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: من آن درها را نبستم بلکه به فرمان خدا بسته شد^(۲).

حضرت فاطمه علیها السلام و خانه داری

حضرت علی و فاطمه علیها السلام زندگی با صفایی را آغاز کردند غالب قوت و غذای آنان نان جوین^(۳) بود فرش زیر پای آنان پوست بود که روزها بر رویش علوفه به شتر شان می‌دادند و شب‌ها به جای فرش آن را کف اطاق می‌گسترانیدند^(۴) پیامبر صلی الله علیه و آله در اول همان روزهای زندگی و خانه داری علی و فاطمه علیها السلام فرمود: کارهای داخل خانه بر عهده فاطمه علیها السلام و کارهای خارج خانه به عهده علی علیه السلام باشد. روزی فاطمه علیها السلام خدمت پدر صحبت نمود از احوالش و از پدر تقاضای خدمتکار نمود تا در خانه به او کمک کند رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: فاطمه جان به خدا سوگند چهار صد نفر از اصحاب صفا در مسجد سکونت دارند و در گرسنگی به سر می‌برند بیم آن دارم که اگر خدمت کار داشته باشید اجر و

۱. همان مدرک ۱ / ۴۹۹ - ۵۰۱

۲. مستدرک حاکم ۳ / ۱۲۵ - مسند حنبل ۱ / ۱۵۷ - ۲۳۰، صحیح ترمذی، ۲ / ۲۰۱

۳. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ۹ / ۳۹۹ ۴. طبقات کبری ۸ / ۲۲ کامل ابن اثیر ۳ / ۳۹۹

ثواب خانه داری را از دست بدهی بیم آن دارم که علی علیه السلام در قیامت از تو طلب حق کند سپس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: تو راضی نیستی که چیزی بهتر از کنیز در مشکلات رفع مشکل باشد؟ برای حل هر مشکل به تسیحات یعنی ذکری که معروف به ذکر حضرت فاطمه علیها السلام زهرا است سفارش نمود وقتی که فاطمه علیها السلام به خانه آمد علی علیه السلام فرمود: زهرا علیها السلام برای در خواست کنیز دنیا رفتی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله اما چه خوب آخرت نصیبمان شد (۱).

حضرت فاطمه علیها السلام و شوهر داری

نمونه والای شوهر داری در حضرت فاطمه علیها السلام مجسم است او محیط خانه را چنان ساخته بود که آسایش علی علیه السلام و فرزندانش را فراهم می کرد.

بدان حد که هر گاه رنجها غمها و دشواریها برای آن حضرت فشار می آورد رو به سوی خانه می کرد بدان امید که لحظاتی با زهرا علیها السلام سخن بگوید و دلش آرام گیرد آری فاطمه علیها السلام محرم اسرار علی علیه السلام بود. هرگز فاطمه علیها السلام در دوران زندگی ۹ ساله اش با علی علیه السلام از آن حضرت چیزی از دنیا مطالبه نکرد، فاطمه علیها السلام فرمود پدرم سفارش کرده است که از شوهرت علی علیه السلام چیزی در خواست مکن شاید آن چیز برایش ممکن نباشد و باعث خجالت او گردد. (این رفتار فاطمه علیها السلام باید سرمشق باشد برای تمام زنان خانه دار مسلمان).

فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام و تربیت آنها

حاصل ازدواج فرخنده فاطمه علیها السلام با علی علیه السلام و مدت نه سال زندگی آن حضرت با علی ۵ فرزند بود بنام های حسن، حسین، زینب، ام کلثوم علیها السلام و پسری بنام «محسن» که طبق روایات مشهور و نظریه شیعه قبل از این که به دنیا بیاید در شش ماهگی در شکم مادر به شهادت رسید (۲) و طبق نقل اهل

سنت در کودکی درگذشت^(۱) فاطمه علیها السلام در تربیت فرزندان سخت کوشا بود و طبق روایات تنها فاطمه علیها السلام بود که توانست فرزندانى چون امام حسن علیه السلام قهرمان صلح و اخلاق و امام حسین علیه السلام قهرمان بزرگ جهاد و شهادت و زینب ام کلثوم قهرمانان صبر و استقامت ایثار پیروراند که هرگونه دانشمند و تاریخ نویسی از نوشتن فضل اوصاف آنان عاجز است که بتواند اوصاف فرزندان فاطمه علیها السلام را بیان کند.

«نقش حضرت فاطمه علیها السلام در نبردهای صدر اسلام»

به تحقیق می توان گفت که علی علیه السلام بخش زیادی از زندگی ۹ ساله مشترکش را با حضرت فاطمه علیها السلام در میدان های جهاد و و یا مأموریت تبلیغی گذرانده و بدور از خانه و کاشانه خود بود. در غیاب آن حضرت همسرش فاطمه علیها السلام به تنهایی وظیفه سنگین اداره خانه و تربیت فرزندان را به عهده داشت. در این راستا به نحوی شایسته عمل می کرد تا همسر جهادگرش با خاطری آسوده وظیفه مقدس خود را به انجام رساند. فاطمه علیها السلام خود نیز با تمام توان برای یاری سپاه اسلام می کوشید. در کارهای خدماتی و امدادی شرکت می جست به یاری خانواده های رزمندگان شهدا می شتافت و با خانواده های شهدا هم دردی می کرد او در نبردها به تهیه باند و مرهم برای مجروحین جنگ می پراخت. و گاه همراه زنان امدادگر به جبهه می رفت تا در پشت خطوط مقدم عملیات ضمن تشویق زنان امدادگر به وظایف خطیرشان به مداوای جراحات محارم خویش (پدر و شوهر) پردازند در جنگ احد فاطمه علیها السلام همراه زنان به احد در ۶ کیلومتری مدینه رفت در این نبرد رسول خدا صلی الله علیه و آله به شدت زخمی شد و علی علیه السلام نیز جراحاتی برداشت فاطمه علیها السلام خون از چهره پیامبر صلی الله علیه و آله می شست و علی علیه السلام با سپر خود آب می ریخت هنگامی که فاطمه علیها السلام دید خون بند نمی آید قطعه حصیری را

سوزانید و خاکستر آن را بر زخم پاشید تا خون بند آمد^(۱).

آن روز پیامبر ﷺ اسلام و علی ﷺ شمشیرهای خود را به فاطمه ﷺ دادند و آن شمشیرها را فاطمه ﷺ می‌شستند^(۲) در نبرد احد حمزه سید الشهداء عموی پیامبر ﷺ به شهادت رسید پس از نبرد صفیه خواهر آن به اتفاق فاطمه ﷺ کنار پیکر مثله شده شهید قرار گرفت و شروع به گریستن کردند فاطمه ﷺ نیز گریست و پیامبر ﷺ با او گریه می‌کرد و خطاب به حمزه فرمود: هیچ مصیبتی مانند مصیبتی تو بمن نرسیده است آنگاه خطاب به صفیه و فاطمه ﷺ فرمود: مژده باد که هم اکنون جبرئیل به من خبر داد که در آسمان‌های هفتگانه حمزه شیر خدا و شیر رسول خدا ﷺ لقب گرفته است^(۳). پس از نبرد احد فاطمه ﷺ تا زنده بود هر دو سه روز یکبار به زیارت شهدای احد می‌رفت و کنار قبورشان می‌گریست و دعا می‌کرد^(۴) در نبرد خندق هنگام نبرد مدینه در محاصره دشمن بود. فاطمه زهرا ﷺ نان و غذایی برای رسول خدا ﷺ برد. پیامبر ﷺ پرسید این چیست؟ فاطمه ﷺ فرمود: نان پختم و دلم آرام نگرفت تا این که برای شما نان آوردم پیامبر ﷺ فرمود: این اولین غذایی است که پس از سه روز پدرت بر دهان می‌گذارد.^(۵)

«حضور حضرت فاطمه ﷺ در فتح مکه»

فاطمه ﷺ در فتح مکه نیز حضور داشت «أمّ هانی» خواهر امام علی ﷺ گوید در روز فتح مکه دو تن از خویشان مشرک شوهرم را پناه دادم و در حالی که آنها هنوز در خانه آم بودند ناگهان برادرم علی ﷺ وارد شد و به طرف دو تن شمشیرکشید میان برادرم و آن دو ایستادم و گفتم اگر بخواهی آن دو را بکشی باید مرا هم پیش از آنها بکشی علی ﷺ بیرون رفت در حالی که چیزی نمانده بود آن‌ها را بکشد

- ۱- المغازی ۱/ ۲۴۹ - ۲۵۰
- ۲- سیره ابن هشام، ۳/ ۱۰۶
- ۳- المغازی، ۱/ ۳۹۰
- ۴- همان مدرک، ۱/ ۳۱۳
- ۵- ذخائر العقبی، ۴۶ طبقات کبری ۱- ۱۱۴ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ۱۱/ ۱۲۹.

من خود را به محل خیمه رسول خدا صلی الله علیه و آله در زمین بطحا رساندم و آن حضرت رانیدم ولی فاطمه علیها السلام را دیدم و ماجرا را برایش گفتم دیدم فاطمه علیها السلام از همسر خود قاطع تر است. با تعجب گفت: تو هم باید مشرکان را پناه دهی؟ در این هنگام رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و از حضرتش برای آن دو نفر امان طلبیدم پیامبر صلی الله علیه و آله به آنان امان داد سپس پیامبر صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام فرمود که برای پدرش آب فراهم کند و شستشو نمود. (۱) هنگامی که هند و دیگر زنان مشرکین برای اعلام پذیرش اسلام به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدند فاطمه علیها السلام و گروهی از زنان عبدالمطلب حضور داشتند. (۲)

«فاطمه زهرا علیها السلام در مراسم حجة الوداع»

در ماه مبارک رمضان سال دهم هجری علی علیه السلام از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله برای یک مأموریت مهم رزمی تبلیغی و به فرماندهی سیصد سواره نظام به یمن که در قلمرو پیامبر صلی الله علیه و آله و اسلام بود اعزام شد مأموریت با موفقیت کامل انجام گرفت و عده‌ای زیادی به اسلام گرویدند. (۳) علی علیه السلام از یمن گزارش کار خود را برای پیامبر صلی الله علیه و آله فرستاد پیامبر صلی الله علیه و آله در پاسخ به علی علیه السلام امر فرمود: که برای انجام مراسم حج به موقع خود را به مکه رساند، و پیک این پیام به سوی علی علیه السلام بازگشت، (۴) پیامبر صلی الله علیه و آله در ماه ذی القعدة آن سال به مردم مدینه و قبايل اعلام کرد که قصد دارد حج به جای بیاورد و بدین ترتیب عده زیادی برای سفر حج مهیا شدند آن حضرت در روز شنبه ۲۸ ذی القعدة سال دهم هجری از مدینه حرکت کرد و در ذی الحلیفه (۵) احرام بست همه همسران پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در این سفر همراه شدند آنها به هودج‌ها سوار بودند (۶) فاطمه علیها السلام نیز با آنان بود و در این سفر عبادی مناسک حج را به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله انجام می‌دادند علی علیه السلام پس از گذشت سه ماه از مأموریت در ایام حج به مکه رسید و در

۲- همان مدرک ۸۵۰/۲

۴- همان مدرک، ۱۰۸۲/۳

۶- همان مدرک ۱۰۹۰/۳

۱- المغازی، ۸۳۰/۱

۳- المغازی ۱۰۷۹/۳

۵- همان مدرک، ۱۰۸۸/۳

آنجا همسرش فاطمه علیها السلام را دید^(۱) پس از مراسم باشکوه حجة الوداع رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام بازگشت به مدینه در غدیر خم در یک اجتماع باشکوه یکصد هزار نفری علی رضی الله عنه را به فرمان خداوند به امامت و جانشینی خود منصوب نمود. با توجه به حضور فاطمه علیها السلام در مراسم حجة الوداع با اطمینان می توان گفت: فاطمه زهرا علیها السلام در مراسم باشکوه غدیر خم حضور داشته است.

«بیماری پیامبر صلی الله علیه و آله»

رسول خدا صلی الله علیه و آله و یاران از سفر حج بازگشتند، هنگامی که حضرت به مدینه رسید، از شدت خستگی و بیماری چند روزی بستری شد سپس با بهبودی مختصر بستر را رها ساخت اما زهرا علیها السلام غمگین بود. در این روزها حالت وداع غم انگیزی موج می زد زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله پایان عمر خویش را خبر داده است. بارها سفارش فاطمه عزیزش به یاران و امت کرده و کراراً فرمود: فاطمه علیها السلام پاره تن من است. هرکس او را بیازارد مرا آزرده است و هرکسی او را به خشم آورد مرا به خشم آورده است^(۲).

بیماری رسول خدا صلی الله علیه و آله شدت یافت. فاطمه علیها السلام در کنار بستر پدر به روزهای فراق و جدایی می اندیشید و یا در تنهایی آرام می گریست و شعری را که ابوطالب درباره پیامبر صلی الله علیه و آله سروده بود زمزمه می کرد. به این مضمون: «سپید چهره ای که به آبرومندی او از ابر باران طلب می شود، پناه یتیمان و نگهدار بیهو زنان است» رسول خدا صلی الله علیه و آله چشمانش را گشود و فرمود: دخترم شعر مخوان، قرآن بخوان. از شنیدن این خبر فاطمه علیها السلام دریافت که پدر به دیدار خدا خواهد رفت از این روز زهرا علیها السلام نتوانست آرام گیرد.^(۳)

«سخن پنهانی پیامبر صلی الله علیه و آله با فاطمه علیها السلام»

۲. فضائل فاطمه علیها السلام ابن شاهین، ۴۲.

۱- همان مدرک، ۱۰۸۷/۳

۳- صحیح ترمذی، ۳۱۹/۲ - مستدرک حاکم ۲۷۲/۴

عایشه می‌گوید: فاطمه علیها السلام در کنار بستر رسول خدا صلی الله علیه و آله آرام نداشت و خود را روی سینه پدر افکند و صورت پدر را بوسید و هنگامی که سر برداشت گریست و بار دیگر که سر روی سینه پدر افکند و سر برداشت این بار خنده بر لب داشت و ساکت شد، این طرز رفتار را که از فاطمه علیها السلام مشاهده کردم بخود گفتم گمان می‌کردم فاطمه علیها السلام در میان ما زنان از همه خردمندتر است اکنون با این طرز رفتارش فکر نمودم که مانند زنهای دیگر است این گمان همواره خاطر من را بخود مشغول داشت و سؤال کردم از فاطمه علیها السلام که این طرز عمل چه بود که تو کردی فاطمه علیها السلام فرمود هرگز راز پدر را نمی‌گویم تا این که بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله سوال نمودم فاطمه علیها السلام این چه رفتار بود که اول گریستی و بعد خندیدی علت چه بود؟ در جواب گفت: در مرتبه اول پدرم به من گفت: از این بیماری خوب نمی‌شود، من به خاطر جدایی و فراق گریستم. در مرتبه دوم پدرم به من گفت: فاطمه علیها السلام تو اول کسی از خانواده من هستی که به من در بهشت ملحق می‌شوی من خوشحال شدم.

«سفرش پیامبر صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام»

فتح الباری عسقلانی ^(۱) به نقل از عایشه روایت میکند: رسول خدا صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام فرمود: که «جبرئیل» به من خبر داد در میان زنان هیچ زنی اندوهناک‌تر از تو نخواهد بود اینک سعی کن تا صبر تو کمتر از زنان دیگر در مرگ من نباشد.

و نیز فرمود: ناراحتی من فقط همین روز است و دیگر از ناراحتی‌ها راحت می‌شوم فاطمه علیها السلام هم بعد از مرگ پدر این جملات را بر زبان جاری می‌کرد و می‌فرمود: پدر دعوت حق را لبیک گفتمی و در بهشت برین جا گرفتمی و ما ارتحال تو را به جبرئیل تسلیت عرض می‌کنیم: آخرین لحظات حیات پیامبر صلی الله علیه و آله فرارسید حسن و حسین علیهما السلام پاهای پیامبر صلی الله علیه و آله را می‌بوسیدند و اشک می‌ریختند سرش در دامن علی علیه السلام بود. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود یا علی مرا در خانه‌ام به خاک بسپار و مراسم غسل و کفن و نماز را

برپا دار^(۱) آنگاه پیامبر ﷺ بسوی خدا شتافت. این مصیبت بزرگ طبق روایات اهل بیت در تاریخ دوشنبه ۲۸ صفر سال یازدهم هجری قمری به وقوع پیوست. و طبق نظریه اکثر اهل سنت این حادثه در تاریخ دوشنبه ۱۲ ربیع الاول سال یازدهم ه ق اتفاق افتاده است^(۲). که قطعاً روز دوشنبه مطابق با ۲۸ صفر بوده است. در خانه علی علیه السلام شیون بلند بود علی علیه السلام در حالی که اشک از چشمانش جاری مشغول غسل پیامبر ﷺ بود هنوز کار شستشوی بدن پیامبر ﷺ تمام نشده بود در آن سوی عده‌ای جمع شده و فریاد الله اکبر برخاست علی علیه السلام به عباس فرمود: این تکبیر برای چیست؟ عباس پاسخ داد آنچه نباید می شد انجام شد^(۳) و عده‌ای برای جانشینی پیامبر ﷺ و تعیین آن در سقیفه جمع شده‌اند دیری نپایید که جماعتی به سوی خانه فاطمه علیها السلام به حرکت درآمدند خانه‌ای که محل نزول وحی است اهل آن مورد تهدید و اهانت قرار گرفت. حقایق تاریخی امری است که یک تاریخ نگار امانتدار از بیان آن ناچار است. طبری که برخی او را پیشوای تاریخ نگاران اهل سنت می‌دانند می‌نویسد: عمر به سوی خانه علی علیه السلام رفت. گروهی از مهاجران و طلحه و زبیر گرد آمده بودند صدا زد: سوگند به خدا اگر برای بیعت با ابوبکر بیرون نیایید شما را آتش خواهیم زد.

زبیر با شمشیر از نیام برآمده بیرون جهید اما پایش لغزید و باصورت به زمین خورد مردم بر سرش ریختند و او را گرفتند.^(۴) ابن قتیبه دینوری - متولد ۲۱۳ و متوفای ۲۷۶ - ماجرا را چنین نوشته است ابوبکر رضی الله عنه سراغ عده‌ای را که از بیعت وی تخلف کرده و نزد علی کرم الله وجهه گرد آمده بودند گرفت. سپس عمر را نزد آنان فرستاد. عمر بر در خانه آمد و اهل خانه را فراخواند اما آنان از خانه بیرون نیامدند. او مقداری هیزم خواست و گفت: به خدایی که جان عمر به دست بیرون می‌آید یا خانه را با آن کس که در اوست به آتش می‌کشم. به او گفتند: ای اباحفص! فاطمه علیها السلام در خانه

۲- تاریخ طبری، جلد ۲، ص ۴۵۳.

۴- تاریخ طبری، ۴۴۳.

۱- بحار الانوار ۲۲/۴۹۳.

۳- انساب الاشراف ۵۸۲.

است؟ وی گفت اگر چه او در خانه باشد^(۱) شهرستانی از قول نظام یکی از علمای بزرگ معتزله - متوفای ۲۳۱ - نقل می‌کند: در روز بیعت به شکم فاطمه علیها السلام چنان ضربی خورد که فرزندش (محسن) را سقط کرد.^(۲) در منابع شیعه ماجرا به صراحت بیشتر نقل شده است سلیم بن قیس هلالی متوفای ۹۰ هـ می‌نویسد وقتی اهل بیت از خانه بیرون نیامدند در خانه به آتش کشیده شد فاطمه علیها السلام پشت در خانه آمد و در این ماجرا بین در و دیوار قرار گرفت و بر او فشاری سخت وارد شد.

قنفذ با تازیانه بر بازوی فاطمه علیها السلام نواخت.^(۳) طبری شیعی متوفای قرن ۴ می‌نویسد: قنفذ با غلاف شمشیر به فاطمه علیها السلام زد محسن او سقط شد و بدان خاطر به بیماری سختی دچار گشت.^(۴) با این رنج و ستم باز هم فاطمه علیها السلام با تمام توان به مبارزه خود برای احقاق حقوق از دست رفته اهل بیت پرداخت. فاطمه علیها السلام به امانت الهی می‌اندیشید و به خاطر انحراف رهبری که متوجه اسلام بود. آن امانت و رهبری که در غدیر خم رسماً به عهده علی علیه السلام و خاندانش واگذار شده بود: او برای اداء امانت و بازگرداندن خلافت به مسیر اصلیش از همان روزهای آغازین مبارزه مسالمت جویانه‌ای را آغاز کرد. ابن قتیبہ دینوری می‌نویسد: علی علیه السلام شبانه فاطمه علیها السلام را سوار بر چارپا می‌کرد و به مجالس انصار می‌برد تا آنان را به یاری طلبد. انصار نیز پاسخ می‌دادند ای دختر سول خدا صلی الله علیه و آله بیعت ما به این مرد (ابابکر) تمام شده است اگر شوهرت و پسر عمت قبل از ابوبکر نزد ما می‌آمد ما از او روی گردان نبودیم. علی علیه السلام می‌فرمود: آیا بایستی پیکر پاک پیامبر صلی الله علیه و آله را در خانه‌اش رها می‌کردم و او را دفن نکرده برای جانشینی‌اش با مردم به جدال می‌پرداختم^(۵)؟

۲- الملل و النحل ۵۷/۱

۴- دلایل الامامه ۴۵

۱- الامامه والسیاسیه، ۱۹/۱

۳- کتاب سلیم بن قیس ۲۴۹

۵- الامامه والسیاسه ۲۰

«بیماری حضرت فاطمه (علیها السلام)»

زهرای (علیها السلام) تنها یادگار غمزده پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر اثر سقط جنین و جور و ستم فراوان که بر آن حضرت روا داشتند (که ذکر آن در این مختصر نمی‌گنجد) بیمار شد برخی مدت بیماری آن حضرت را چهل روز نوشته‌اند^(۱) آن روزگاری که امیدها بر باد رفته بود. غم فراق پیامبر (صلی الله علیه و آله) از دست رفتن حق و ستمها و مصیبت‌هایی که بر زهرارفت. روح و پیکر تنها یادگار پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به شدت آزرده و فرسوده بود بعد از وفات پدر دیگر لبخندی بر لبان زهرای (علیها السلام) دیده نشد^(۲) کار فاطمه (علیها السلام) روز و شب گریه بود. روزها سر مزار پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌رفت و می‌گریست. و گاهی بر مزار شهدای کوه احد می‌رفت تا این که زهرای (علیها السلام) دیگر در بستر افتاد تا اینکه زنان مدینه به عیادت آن حضرت آمدند و عرض کردند ای دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) حال شما چطور است؟ فاطمه پاسخ داد: سوگند بخدا دنیا پرستان را دوست نمی‌دارم و از مردان شما بیزارم، بعد از اینکه امتحان شان کردم بدور افکندم و از آنچه کردند ناخشنودم نفرین بر این حیلله گران. وای بر آنان چرا نگذاشتند حق در مدار خویش قرار گیرد؟ اکنون آماده حوادث ناگوار باشید دیده حقیقت بین ندارید ما شما را به حقیقت و هدایت خواندیم اما خودتان از آن کراهت دارید^(۳).

ابن قتیبه دینوری مورخ معروف اهل سنت می‌نویسد عمر به ابوبکر گفت: بیا (برای عیادت) به حضور فاطمه (علیها السلام) برویم آنگاه هر دو به سوی خانه فاطمه (علیها السلام) رفتند و از فاطمه (علیها السلام) اجازه حضور خواستند. فاطمه (علیها السلام) به آنان اجازه نداد آنان نزد علی (علیه السلام) رفتند او (علی علیه السلام) با فاطمه (علیها السلام) صحبت کرد و سپس آنان را به حضور پذیرفت هنگامی که نشستند زهرای (علیها السلام) صورت خود را از آنان برگردانید آنان سلام کردند اما فاطمه (علیها السلام) پاسخ نگفت ابوبکر شروع کرد به سخن، گفت: ای عزیز رسول خدا (صلی الله علیه و آله) خویشان پیامبر (صلی الله علیه و آله) گرامی تو و عزیزتر از خویشان خودم می‌باشند و تو در نزد من گرامی تر از دخترم عایشه هستی. ای کاش! روزی که پدرت از دنیا رفت به جای او من می‌مردم تو را می‌شناسم و به فضل

۲- طبقات طبری، ۴۰/۲

۱- بحار الانوار ۱۹۱/۴۳

۳- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ۲۳۳/۱۶ - دلائل الامامه ۳۹

و کرامت آگاهم اما تو را از حق وراثت محروم می‌کنم من از پدرت رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «من ارثی نمی‌نهم آنچه از من بجای ماند صدقه است» فاطمه علیها السلام پاسخ داد آیا اگر حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله برایتان عرض کنم به آن عمل می‌کنید؟ گفتند: آری فاطمه علیها السلام فرمود: شما را بخدا سوگند آیا نشنیدید که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: رضایت و خشنودی فاطمه علیها السلام رضایت من و خشم او خشم من است؟ فاطمه علیها السلام فرمود: خدا و فرشتگان را به شهادت می‌گیرم که شما مرا به خشم آوردید، من هرگز از شما راضی نخواهم شد و اگر پیامبر صلی الله علیه و آله را ملاقات کنم از شما شکایت می‌کنم ابوبکر گفت: پناه بر خدا از خشمش و خشم تو ای فاطمه علیها السلام سپس در حالی که گریه می‌کرد از خانه خارج شد (۱)

« شهادت حضرت فاطمه علیها السلام »

فاطمه علیها السلام در روزهای آخر زندگی «اسماء بنت عمیس» را فراخواند و فرمود: دوست ندارم بر پیکر من پارچه‌ای بيفکنند و اندام من زیر پارچه نمایان باشد، اسماء پاسخ داد: نه من چیزی به تو نشان خواهم داد که در حبشه دیدم چند شاخه‌تر خواست، آنها را خم کرد و پارچه‌ای روی آن کشید و تابوت گونه ساخت. فاطمه علیها السلام فرمود: چه چیز خوبی است پیکر زن و مرد قابل تشخیص نیست. ای اسماء! هنگامی که جان دادم تو مرا غسل بده و نگذار کسی نزد جنازه من بیاید این اولین تابوت بود که در اسلام ساخته شد و هنگامی که فاطمه علیها السلام آن را دید تبسمی کرد که تنها تبسم او بود که بعد از مرگ پدر نمود. (۲) بیماری فاطمه علیها السلام روز به روز سخت‌تر می‌شد، روز وفات، زهرا علیها السلام و صایای خود را ضمن سفارشی به فرزندان برای علی علیه السلام نمود. فرمود: یا علی علیه السلام مرا شبانه غسل بده کفن کن و بخاک بسپار. آن هنگام که چشمها در خواب است، دوست ندارم کسانی که حقم را غصب نمودند به تشییع

۱- الامامه والسیاسه ۲۰/۱

۲- طبقات کبری، ۱۸/۸ - سنن بیهقی ۳۴/۴ - ذخائر العقبی ۵۳ - بحار الانوار ۱۸۹/۴۳

جنازه من حاضر شوند و یا بر من نماز بخوانند^(۱) هنگامی که وفات فاطمه علیها السلام نزدیک شد، به «سلمی» فرمود مقداری آب آور، زهرا علیها السلام با آن آب غسل کرد و بخوبی بدن خود را شست لباس‌های نو خود را خواست و آنها را پوشید. سپس از سلمی خواست تا رخت خوابش را وسط حجره بگستراند آنگاه رو به قبله دراز کشید. دست‌ها را زیر صورت نهاد و گفت هم اکنون قبض روح خواهم شد. خود را پاکیزه کرده‌ام کسی مرا هنگام غسل دادن برهنه نکند^(۲). سپس از وفات زهرا علیها السلام حسن و حسین علیهم السلام وارد خانه شدند و سراغ مادرشان را گرفتند گفتند: اکنون هنگام استراحت مادر ما نیست اسماء به آنان گفت عزیزانم مادرتان از دنیا رفت.

شبانگاه علی علیه السلام پیکر پاک فاطمه علیها السلام را غسل داد در هنگام غسل وی اسماء نیز با علی علیه السلام همکاری داشت^(۳) تنی چند از یاران پاک و راز داران اهل بیت چون سلمان فارسی، مقداد، ابوذر، عمار و حذیفه، عبدالله ابن مسعود، عباس و عقیل همراه حسن و حسین علیهم السلام و علی بر بدن پاک فاطمه علیها السلام نماز گذاردند. شبانه فاطمه علیها السلام را دفن کردند علی علیه السلام او را بخاک سپرد و اجازه نداد تا ابوبکر بر جنازه او حاضر شود. علی علیه السلام جایگاه مزار فاطمه علیها السلام را با زمین یکسان ساخت تا مزارش شناخته نشود. به روایتی صورت چند قبر بنا کرد تا مزار واقعی مخفی بماند^(۴).

بدون تردید پس از دفن شبانه و مخفیانه زهرا علیها السلام مزارش نیز پنهان داشته شد. اما چرا بایستی در شهر پیامبر صلی الله علیه و آله مزار تنها دخترش که با فاصله کوتاهی از او به دیدار خدا شتافت مخفی بماند؟ چرا نباید آن گونه که شایسته مقام اوست در تشییع جنازه‌اش شرکت و بر او نماز بخواند؟ اگر کسی سراغ مزار فاطمه علیها السلام را از علی می‌گرفت شاید سکوت می‌کرد. از این رو مزار فاطمه علیها السلام به طور معین معلوم نیست و چهار قول در این مورد ذکر شده است:

۱- بحار الانوار ۴۳/۱۹۲

۲- مسند حنبل ۶/۱۶۳ - حلیة الاولیاء ۲/۴۳ - ذخائر العقبی ۴۳

۳- طبقات کبری ۸/۱۸

۴. دلائل الامامه، ص ۴۶

- ۱- برخی مزار فاطمه علیها السلام را در بقیع می‌دانند^(۱). (اهل سنت نیز عموماً بر این باورند، آنان مزاری را که در کنار مزار چهار امام علیهم السلام وجود دارد مزار فاطمه علیها السلام می‌دانند).
 - ۲- برخی می‌گویند در خانه عقیل دفن نموده است^(۲).
 - ۳- برخی مزار آن حضرت را در روضه پیامبر صلی الله علیه و آله می‌دانند.
 - ۴- و عده‌ای گویند فاطمه علیها السلام را در خانه‌اش دفن نمودن. که بر هر کدام قول دلیل است که از طولانی بودن آنها از ذکر آن صرف نظر می‌شود.
- در تاریخ وفات آن حضرت هم اختلاف است.
- ۱- عده‌ای از علماء شیعه و سنتی وفات آن حضرت را ۷۵ روز بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌دانند.
 - ۲- عده‌ای هم ۹۵ روز بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌دانند که قول اول، ۱۳ جمادی الاولی و در قول دوم، سوّم جمادی الاخری سال یازدهم هجرت می‌باشد. و قول دوّم احتمالاً قوی‌تر است.



فصل سوّم:

فضیلت‌ها و ارزش‌ها

- حضرت فاطمه علیها السلام الگوی زنان
- سیمای فاطمه علیها السلام در قرآن
- حضرت فاطمه علیها السلام در آینهٔ رسالت
- برتری حضرت فاطمه علیها السلام در میان دختران پیامبر صلی الله علیه و آله
- حضرت فاطمه علیها السلام برترین بانو
- خشم و رضای فاطمه علیها السلام خشم و رضای پیامبر صلی الله علیه و آله
- خشم و رضای فاطمه علیها السلام خشم و رضای خداوند
- عفت فاطمی
- حضرت فاطمه بهترین الگوی حجاب
- بهشت فاطمی
- بهترین زنان اهل بهشت
- تسبیح فاطمی

فضیلت‌ها و ارزش‌ها

حضرت فاطمه علیها السلام الگوی زنان

زندگی کوتاه و سراسر افتخار صدیقۀ طاهره حضرت فاطمه علیها السلام نه تنها برای زنان مسلمان بلکه برای تمامی مردان و زنان الگو و سرمشق است.

در وجود آن بانو عفت و فضیلت و پرهیزگاری مافوق همه انسانهای عادی نهفته است او یک بانوی ملکوتی و آسمانی با عالیت‌ترین سجایای انسانی پدید آمده است او تنها بانوی نمونه، دختر نمونه، همسر نمونه، مادر نمونه، و بالاخره انسان نمونه است و باید همه بانوان فضیلت طلب درس انسانیت، آیین همسرداری و شیوه تربیت فرزند را در مکتب وی بیاموزند.

فاطمه علیها السلام فکر بلند، ایمان راسخ، تقوا و شجاعت و عفت را که از پدر گرامی اش به ارث برده است. همه را به صورت سرمایه‌های نفیس به فرزندانش منتقل نمود. او شخصیت و عظمت زن را در تجملات زندگی و جامه‌های رنگارنگ نمی‌دانست. زیرا او برترین زینت زن را در عفت و پاکدامنی و تربیت فرزندانش شایسته جستجو می‌کرد. او صفای خانه را در فرشهای گران قیمت و خانه‌های مجلل و سربه فلک کشیده نمی‌دید. و از تجملات و تشریفات و از زرق و برق دنیا بر حذر بود.

او با زندگی ساده و سراسر فضیلتش در خانه گلین ثابت کرد که یک زن می‌تواند تمام افتخارات انسانی را به دست آورد و شیوه زندگی اش سرمشق همه مادران و همسران دختران جهان باشد. نام پر افتخار او با خطوط زرین بر فراز صفحات طلائی تاریخ ثبت شده و برای همیشه زینت جهان خواهد بود. در این رساله مختصر شما خواننده عزیز در فصل اول «در خانه پدر» و فصل دوم «در خانه شوهر» از آنچه که در وسع و توان این حقیر بود که جمع آوری شده است آشنا شدید اکنون

وارد فصل سوم که «فضیلت‌ها و ارزش‌ها باشد» می‌شویم گرچه فضائل و مناقب حضرت زهرا علیها السلام در این صفحات نمی‌گنجد. زیرا اندیشه بشری هرگز به دامنه قلّه رفیعش نخواهد رسید.

در آغاز این بخش با جمله‌ای کوتاه از احادیث قدسی، که خدای فاطمه علیها السلام او را راز آفرینش و علت نهائی خلقت معرفی کرده وارد بحث می‌شویم.

می‌فرماید: «یا احمد؛ لولاک لما خلقت الافلاک، و لولا علی لما خلقتک و لولا فاطمة لما خلقتکما»

ای احمد؛ اگر تو نبودی جهان را نمی‌آفریدم، و اگر علی علیه السلام نبود ترا نمی‌آفریدم، و اگر فاطمه علیها السلام

نبود شما را نمی‌آفریدم. (۱)

فضیلت‌ها و ارزش‌ها

۱- سیمای فاطمه علیها السلام در قرآن

۲- (حضرت فاطمه علیها السلام در آئینه رسالت)

۱- سیمای فاطمه علیها السلام در قرآن

سوره کوثر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَنَا اعطینک الکوثر * فصل لربک وانحر * انّ شانک هو الابر *

(ای رسول!) ما به تو کوثر (خیر و برکت فراوان) عطا کردیم (۱) پس برای پروردگارت نماز

بخوان و قربانی کن (۲) و (بدان) دشمن تو قطعاً بریده نسل و بی عقب است (۳)

به نوشته ابن اسحق - متوفای ۱۵۱ هـ - قاسم فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله به سن رشد رسیده به گونه‌ای

۱. الجنة العاطمه، ص ۱۴۹ به نقل از ولادت تا شهادت.

که می توانست بر اسب و شتران را هوار، سوارکاری کند.

ولی در نوجوانی در گذشت و پیامبر صلی الله علیه و آله به فراغ فرزندش مبتلا گردید. «عاص بن وائل» که یکی از دشمنان سرسخت پیامبر صلی الله علیه و آله بود گفت: «محمد به خاطر از دست دادن پسرش بلا عقب و بدون نسل گردید» (باید دانست که در آن روزها پیامبر صلی الله علیه و آله دارای دخترانی بود، لیکن بر اساس سنت جاهلی، اعراب فرزند دختر را به حساب نمی آوردند و فرزند دخترانشان را از نسل خود نمی دانستند، لذا در نگاه آنان پیامبر صلی الله علیه و آله فاقد نسل بود)

خداوند در پاسخ به یاوه گوییهای مشرکان سوره کوثر را بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل فرمود^(۱) محل نزول سوره کوثر احتمالاً در میانه منی و در مکانی است که امروزه آن را «مسجد کوثر» می خوانند و حجاج به قصد تبرک به زیارت آن می روند^(۲).

مفسران کوثر را به نهر کوثر در بهشت، خیر کثیر در دنیا و آخرت، کثرت و زیادی پیروان پیامبر صلی الله علیه و آله، و غیره... تفسیر کرده اند، هر چند همه این معانی درست است و با هم منافاتی ندارند، زیرا قرآن دارای معانی متعددی است «و کوثر زیادتی نسل رسول خدا صلی الله علیه و آله از فرزندان فاطمه علیها السلام است تا قیامت بگونه ای که به شمار نیایند»^(۳) در عوض این دشمن پیامبر صلی الله علیه و آله است که دم بریده و فاقد نسل است. و این خبری است که خداوند از نسل آیندگان دشمن پیامبر صلی الله علیه و آله بیان فرمود.

باید نگریست که چگونه فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله از زهرا علیها السلام تنها دختر بازمانده از او زیاد گشته اند بگونه ای که تعداد سادات یعنی کسانی که امروز در جهان اسلام نسبشان به پیامبر صلی الله علیه و آله می رسد بس زیاد و افزون است و آیا از کسانی دیگر بدین گونه نسلی انبوه بر جای مانده است.

و این است نسل کثیری که خداوند به وجود برکت فاطمه علیها السلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله عنایت فرمود.

۱. سیره ابن اسحق ص ۲۲۹.

۲. مرآة الحرمین ج ۱، ص ۳۲۵.

۳. مجمع البیان، ج ۵، ص ۵۴۹.

سخن فخر رازی

مفسر بزرگ اهل سنت فخر رازی - متوفای ۶۰۶ - در تفسیرش می‌نویسد:

«کوثر به معنای اولاد پیامبر ﷺ است چه این سوره در پاسخ کسانی نازل شد که نداشتن فرزند پسر را بر آن حضرت عیب گرفتند. معنای کوثر این است که خداوند به پیامبر ﷺ فرزند عطا می‌کند که در طول زمان باقی خواهد ماند. چه بسیار از اهل بیت که (مظلومانه) شهید شدند باز هم جهان از آنان پیش است ولی کس از بنی امیه باقی نمانده پس بنگر چه اندیشوران و علمای بزرگی چون باقر و صادق و رضا علیهم‌السلام و نفس زکیه و امثال آن از نسل پیامبر ﷺ برخاستند»^(۱)

۲. آیه قربی

آیه شریفه «قربی» که بیانگر پرتوی از شکوه و شخصیت حضرت فاطمه علیها‌السلام می‌باشد این است. «قل لا اسألكم علیه اجرًا انا المودة فی القربی و من یقترف حسنة نَزَلَتْ: فیها حسناً ان الله غفورٌ شكور^(۲)» (هان ای پیامبر ﷺ بگوا هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوستی نزدیکان (اهل بیت)، و هر کسی کار نیکی انجام دهد، بر نیکی‌اش می‌افزاییم، چرا که خداوند آمرزنده و سپاسگزار است. در این مورد سخنان امامان راستین و همه پیروان هماهنگ است که: منظور از واژه «قربی» نزدیکان پیامبر ﷺ می‌باشند. و انبوه روایات در کتب شیعه و اهل سنت، نام و نشان این نزدیکان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را نیز بدست می‌دهند.

دانشمندان بزرگ اهل سنت در معتبرترین کتب خویش همچون «صحاح» و تفاسیر مهم خود آورده‌اند و می‌فرمایند: هنگامی که این آیه شریفه بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نازل شد پرسیدند نزدیکان شما که محبت آنان بر ما واجب شد کیانند؟

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در پاسخ فرمود: «علی» و «فاطمه علیها‌السلام» و دو پسران (حسن و حسین علیهم‌السلام)....

۱. تفسیر کبیر فخر رازی، ج ۳۳/۱۲۴.

۲. شوری آیه ۲۳.

قال محمد صلی الله علیه و آله: علی و فاطمه و بناها..

این روایت را «ابن حجر» در «الصواعق المحرقة» ثعلبی در تفسیر خویش، و «سیوطی» در «الدرالمنثور»، «ابونعیم» در «حلیة الأولیاء»، «جوینی شافعی» در «فرائد السمطین» آورده‌اند.

۲- این روایت را «طبری» و «ابن حجر» از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله آورده‌اند که می‌فرمایند: خداوند پاداش مرا بر شما مردم، محبت ورزیدن به خاندان من قرار داده بهوش باشید که من روز رستاخیز در مورد آنان از شما سؤال خواهم نمود.

«انَّ الله جعل اجری علیکم المودة فی اهل بیتی و ائی سألکم غذا عنهم»

نویسنده «الصواعق المحرقة» از زبان امامانی مانند امیر المؤمنین و امام دوم امام حسن و نیز از امام چهارم علیه السلام محبت بر خاندان و قربی پیامبر صلی الله علیه و آله را واجب و «من یقترب حسنة...» در آیه شریفه مذکور را محبت ورزیدن به اهلبیت علیهم السلام ذکر کرده است. و نویسنده «الصواعق...» این شعر را از ابن «عربی» آورده است و می‌فرماید: رَأَيْتُ وَلاَی آل طه فَرِيضَةً، عَلَى رَغَمِ أَهْلِ البُعدِ يُورَثُنِي القربا، فَمَا طَلَبَ المَبْعُوثُ أَجْرًا عَلَى الهُدَى، تَبْلِيغُهُ إِلاَّ المودة فِي القربى ^(۱)،

من مهر ورزیدن به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله را لازم و واجب می‌نگرم. و بر خلاف کسانی که از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله دوری جسته‌اند، «آیه شریفه قربی» مرا به آنان نزدیک ساخته است. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در

برابر رساندن پیام خدا و هدایت جامعه، پاداشی جز مهر ورزیدن به خاندانش به فرمان خدا نخواست. همین نویسنده باز هم در این مورد اینگونه می‌فرماید:

يا اهل بيت رسول الله حبكم

فرض من الله في القرآن انزله

كفاكم من عظيم الشأن انكم

من لم يصل عليكم لا صلاة له

ای خاندان پر شکوه رسالت! خداوند مهر ورزیدن به شما را فریضه‌ای ساخت و آن را در قرآن

خویش فرو فرستاده است. در شکوه و عظمت شما همین بس که هر کسی در نماز خویش بر شما دزد و نثار نکند. نمازش هیچ است. (گویا نماز نخوانده است) قابل ذکر اینکه مرحوم استاد علامه «امینی» در کتاب ارزنده خویش اسم چهل و پنج نفر از محدثان و دانشمندان اهل سنت را ذکر می‌کند که در این موضوع آیه شریفه سخن گفته‌اند و همگی شان نزول آیه شریفه را در شأن امیر مؤمنان و «فاطمه» «حسن» «حسین» علیهم السلام دانسته‌اند.^(۱)

۳ - آیه مباهله

«فمن حاجک فيه من بعد ما جائک من العلم فقل تعالوا ندع أبناءکم و نساءنا و نساءکم و أنفسنا و أنفسکم نبتهل فنجعل لعنت الله علی الکاذبین»^(۲)

(ای پیامبر ﷺ) هر گاه بعد از علم و دانش که درباره مسیح به تو رسیده (باز) کسانی با تو به محاجه و ستیز برخیزند به آنها بگو: «بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را؛ ما از خویش را دعوت نماییم. شما هم زنان خود را؛ ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود، آنگاه مباهله کنیم، و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.

در سال نهم هجری عده‌ای از سران مسیحیان شهر نجران مکه در ۹۱۰ کیلومتری جنوب شرقی مکه واقع است، همراه اسقف اعظم شهر برای مذاکرات دینی و اعتقادی با رسول خدا ﷺ به مدینه وارد شدند، آنان از بحثهای دینی از قبول این حقیقت که عیسی بنده و فرستاده خدا است سرباز زدند، زیرا آنان بر این پندار بودند که عیسی فرزند خداست. با این همه در برابر منطق استوار رسول خدا ﷺ مهر خاموشی بر لب زدند. و فرشته وحی نازل شد و به پیامبر ﷺ امر شد تا آنها را به مباهله دعوت کند. یعنی هر دو گروه به همراه عزیزترین افراد به صحرا روند و در زمان معینی هر دو گروه بدرگاه خداوند نیایشی کنند و بر آنکس که دروغگو است لعنت فرستند. پیامبر ﷺ از میان بستگان و یارانش

پاکترین آنها را با خود همراه کرده آنان عبارت بودند از دخترش فاطمه علیها السلام، پسر عم و داماد و برادرش علی علیها السلام و فرزندان آنها حسن و حسین (علیهم السلام) زیرا انسانهای پاکتر و با ایمان تر از این چهار تن وجود نداشتند و گر نه پیامبر صلی الله علیه و آله آنان را با خود همراه می ساخت.

آنروز رسول خدا صلی الله علیه و آله لباس سیاه و پشمینی در برداشت، حسین علیها السلام را در آغوش گرفت و دست حسن علیها السلام را به دست گرفت براه افتاد و پشت سرش علی و فاطمه (علیهم السلام) براه افتادند منظره معنوی و با شکوهی بود هنگامی که به جایگاه نزدیک شدن، چشم مسیحیان به حالت پر از صفا و معنویت پیامبر صلی الله علیه و آله و همراهان آن حضرت افتاد، بزرگشان گفت: «چهره هایی را مشاهده می کنم که اگر بدرگاه الهی رو کنند این بیابان به جهنمی سوزان تبدیل خواهد شد و دامنه عذاب به سرزمین نجران کشیده می شود»^(۱) اینان اگر از خدا بخواهند کوهی را از جا بر می کنند با اینان مباحله نکنید که هلاک خواهید شد و بیم آنست که مسیحیان به تمامی نابود شوند^(۲) و بدین ترتیب به پرداخت جزیه راضی شدند.^(۳)

سخن علامه شرف الدین

مرحوم علامه سید عبدالحسن شرف الدین می نویسد:

تمامی اهل قبله حتی خوارج متفقند که پیامبر صلی الله علیه و آله برای مباحله از زنها کسی جز پاره تن خود زهرا علیها السلام را فرا خواند. و از فرزندان جز دو نوه اش حسن و حسین (علیهم السلام) و از جانها جز برادرش را که موقعیتش نسبت به او مانند موقعیت هارون به موسی بود و در این معنی کسی دیگر از

۱. احکام القرآن ج ۳ ص ۱۴ - احقاق الحق ج ۹ ص ۷۴.

۲. سیره حلبیه ج ۳ ص ۲۱۲ - تفسیر کبیر فخر رازی ج ۸ ص ۸۵.

۳. فتوح بلدان ص ۷۶.

جهانیان با آنها شریک نیست^(۱) «فخر رازی» در تفسیر خویش می‌نویسد:

اسقف بزرگ «نجران» گفت: ای پیروان مسیح! بهوش باشید که چهره‌هایی را که به همراه پیامبر اسلام ﷺ می‌نگرم که اگر از خدای بزرگ بخواهند کوهی را از جای خویش برکنند آن را خواهد کند. از این رو توصیه من این است که با آنان روبرو نشوید و دست به مباحله‌نزدید که نابود خواهید شد و یک نفر از پیروان مسیح بر روی زمین باقی نخواهد ماند.

بر این باور بود که هیئت عالی (نجران) با تواضع بسیار در برابر پیشوایی بزرگ توحید نشستند و تقاضا نمودند که آن حضرت از مباحله بگذرد.

پیامبر ﷺ با بزرگمنشی بسیار تقاضای آنان را پذیرفت اما فرمود: بهوش باشید! به پروردگاری که مرا به رسالت حق برگزید، اگر مباحله انجام می‌شد خداوند تمامی مسیحیان را نابود می‌ساخت.!

نکته مهم این بحث:

با اینکه همه همسران پیامبر ﷺ در خانه خویش بودند و عمه‌هایش همچون «فضّه» و «امّ هانی» دختر «ابوطالب» و زنان هاشمی و مهاجر و انصار همه و همه در مدینه بودند پیامبر ﷺ تنها یک بانوی پر شکوه و پر معنویت و بی نظیر را به همراه خویش به مباحله فرا خواند.

آن هم دخت او «فاطمه» علیها السلام بود و بس، و این تنها بُردن فاطمه علیها السلام با وجود آیه شریفه که می‌فرماید: «وَسَنَائِنَا وَنَسَائِكُمْ» نشانگر این حقیقت است که تنها بانوی بانوان فاطمه علیها السلام سراپا شایسته حضور در آن مباحله و همایش بزرگ بود و نه هیچ کس دیگر.

و این امتیاز ویژه اوست که پیامبر ﷺ تنها او را برگزید. «قندوزی حنفی» از پیامبر ﷺ روایت آورده

۱. صحیح مسلم ج ۷، ص ۱۲۰، مسند احمد حنبل ج ۱، ص ۱۸۵، سنن ترمذی ج ۴، ص ۲۹۳، مستدرک حاکم جلد ۳، ص ۱۵۰.

است که اگر غیر از این را خدا می دانست که در روی زمین بندگانی گرانمایه تر از علی علیه السلام و فاطمه و حسن و حسین (علیهم السلام) بودند.

به من دستور می داد که با آنان به مباحله بروم اما چون از اینان پر شکوه تر نبود دستور آمد که به همراه اینان بروم و همین سند برتری آنان بر تمام انسانها است. (۱)

۴. سوره هل آتی

فاطمه علیها السلام مصداق ایثار

و یطعمون الطعام علی حبه مسکیناً و یتیماً و اسیراً ائماً نطعمکم لوجه الله لا نرید منکم جزاءً و لا شکوراً (۲)

«و بر دوستی او (خدا) به فقیر و طفل و یتیم و اسیر طعام می دهند و «گویند» ما فقط برای رضای خدایه شما طعام می دهیم و از شما هیچ پاداش و سپاسی هم نمی طلبیم».

محدثان شیعه و سنی از جمله «واحدی» در «ال بسیط» و ثعلبی در «تفسیر کبیر» و نیز زمخشری که یکی از مفسرین بزرگ اهل سنت است در تفسیر «الکشاف» به نقل از ابن عباس چنین می گوید: (۳)

حسن و حسین علیهما السلام مریض شدند و پیامبر صلی الله علیه و آله به همراه گروهی از یاران به عیادت آنان آمدند ضمن گفتگو فرمودند: علی علیه السلام جهان چه خوب است برای شفای فرزندان نذر کنی. آنگاه علی علیه السلام به همراه

فاطمه علیها السلام و فضه برای بهبودی حال حسن و حسین علیهما السلام بیت رفیع رسالت و امامت نذر کردند سه روز روزه بگیرند. پس از اندک زمانی آن دو بزرگوار سلامتی و بهبودی خویش را باز یافتند.

امیر مؤمنان علیه السلام در شرایط سخت اجتماعی و اقتصادی آن روز مقدار سه صاع جو برای تهیه نان فراهم نمود و بانوی با تدبیر خانه اش فاطمه علیها السلام طبق برنامه در هر روز $\frac{1}{3}$ از آن را تبدیل به نان می نمود

۲. سوره انسان آیه ۸ و ۹.

۱. یناب الموده، ص ۲۴۴.

۳. تفسیر الکشاف، ج ۴، ص ۱۹۷.

تا روزه بگیرند. فاطمه علیها السلام جو را دستاس می نمود و با یک صاع آن برای هر یک از افراد خانواده قرص نان جویش ریخت و بر سر سفرهٔ افطار نهاد. هنگامی که آمادهٔ افطار شدند و ندای سائلی برخاست: سلام و درود خدا بر شما ای خاندان محمد صلی الله علیه و آله: مسکینی از مساکین مسلمین به من غذا دهید، خداوند شما را غذای بهشتی نصیب فرماید، خاندان وحی نان افطار خود را ایثار کردند و فضه نیز از آنان متابعت کرد. آن شب را با آب افطار کردند و شب را بدون غذا بسر آوردند. فردای آن شب نیز روزه گرفتند و چون شب فرا رسید. نان افطارشان در سفره نهاده شد. یتیمی بر در خانه آمد و باز به همان ترتیب همگی غذای خود را به آن یتیم ایثار کردند. و آن شب نیز با آب افطار کردند و خودشان گرسنه ماندند.

روز سوّم را روزه گرفتند و هنگام افطار اسیری تقاضای کمک کرد و برای بار سوّم آنچه در سفره بود به آن اسیر ایثار نمودند. صبح روز چهارم علی علیه السلام دست هر دو فرزندش را گرفته و آنان را نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله برد پیامبر صلی الله علیه و آله حسن و حسین علیهما السلام را دید که از گرسنگی می لرزیدند. سپس از جابرخواست و به همراه آنان به خانه حضرت زهرا علیها السلام رفت. دید فاطمه علیها السلام در محراب به عبادت مشغول است درحالی که از شدت گرسنگی می لرزد و چشمانش در گودی نشسته است منظرهٔ تأثر آوری بود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله افسرده خاطر شد، در آن هنگام جبرئیل فرود آمد و عرض کرد: این هدیه را خدای بزرگ برای تو فرستاده است و بگیر که به داشتن چنین اهل بیتی به تو تهنیت گفته است. پس سورهٔ «هل اتی» را بر پیامبر صلی الله علیه و آله خواند. هل اتی علی الانسان... (۱)

و انیک مناسب است به مضمون بخش هایی از آیات این سوره اشاره شود، «انّ الابرار...» واژهٔ ابرار جمع «بارّه» یا «برّ» در این آیهٔ شریفه منظور از «ابرار» و شایسته‌ترین بندگان خدا، عبارتند از علی علیه السلام و

فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام است و در این سوره خداوند از آنان تمجید نموده‌اند و سپس برای شادمانی قلوب آنان و بخاطری که در انفاق و ایثار خویش گرسنگی سخت، شکیبایی ورزیدند پاداشی پرشکوه به آنان عنایت نمودند. آنگاه خدای بزرگ به ترسیم حالات معنوی و انسانی آنان در بهشت زیبا و پر طراوت خدا اشاره می‌کند.

و از انواع نعمت‌های بهشتی نام می‌برند.

شگفت اینکه خداوند با اینکه در این آیات از انواع نعمت‌های بهشتی سخن به میان آورده است، بخاطر مقام والای «فاطمه علیها السلام» از حوریان بهشت نام نمی‌برد زیرا آیات درباره شخصیت والای امیر المؤمنان علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام دخت سر فراز پیامبر صلی الله علیه و آله است.

بانوی بانوان گیتی بالاتر و والاتر و شکوهمندتر از حوریان بهشت می‌باشد.

۵. سوره نور

خداوند در قرآن می‌فرماید: **اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، مِثْلُ نَوْرةِ كَمشكوةِ مِصْبَاحٍ، المِصْبَاحِ فِی زِجَاجَةٍ الزَّجَاجَةِ کَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دَرِّیٌّ...** (۱)

خداوند نور آسمانها و زمین است. وصف نور خداوند همانند چراغدانی است که در آن چراغی پر فروغ باشد. آن چراغ در حبیبی قرار گیرد، حباب شفاف و درخشنده همچون اختری فروزان...

«حافظا» این مغزلی شافعی در کتاب مناقب از «علی بن جعفر» آورده است که گفت: من از حضرت کاظم علیه السلام از تفسیر آیه شریفه پرسیدم که: «کمشکوة فیها مصباح» چه پیام و مفهومی دارد؟ آن حضرت فرمود: منظور از واژه مشکوة دخت پیامبر صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام است و واژه «مصباح» دو نور دیده‌اش حسن و حسین علیهم السلام هستند.

آنگاه از «کائنها کوکب درئی» پرسیدم که فرمود: فاطمه علیها السلام در میان زنان گیتی بسان اختری نور افشان

است. سپس از «یکاد زینتها یضیء» پرسیدم که فرمود: او در دانش و بینش چنان است که چیزی نمانده است که همه علوم و دانش‌ها، از او سرچشمه بگیرد. و نیز از پیامبر ﷺ آورده است که فرمود: «نور ابنتی فاطمه من نور الله...»^(۱) نور دخت گرانمایه‌ام «فاطمه ﷺ» از نور خداست... به نقل از کتاب فاطمه من المهد الى اللحد.

۲- حضرت فاطمه ﷺ در آئینه رسالت

دخت گرامی پیامبر ﷺ قلب مقدّس و مصفّای پدر را از آن خود ساخته و در سازمان وجود او روح پاکش بهترین جایگاه را گرفته بود.

پیامبر ﷺ «فاطمه ﷺ» را دوست می‌داشت اما نه بسان دیگر پدران که دخترانشان را دوست می‌دارند. زیرا دوستی و مهر آن حضرت نسبت به فاطمه ﷺ آمیخته با احترام و تجلیل و تکریمی وصف‌ناپذیر بود. رفتار و عملکردی که از شخصیت والایی چون پیامبر ﷺ در برابر دخت فرزانه‌اش دیده می‌شد چنان تفکرانگیز و پرمعنا و دارای پیام بود که تاکنون از هیچ پدری نسبت به دخترش در همه عصرها و نسل‌ها چنین رفتاری دیده نشده است. و لذا از دشوارترین مسائل در مورد فاطمه ﷺ ترسیم مقام و موفقیت والای ممتاز آن حضرت در آینه رسالت است.

که از قلمرو تحقیق و توانایی قلم و بیان تحلیل و بررسی یک فرد عادی فراتر است. بدون شک این شیوه احترام و دوستی پیامبر ﷺ تنها برخاسته از عاطفه و مهر پدری نبود بلکه پیامبر ﷺ به دخترش سخت با دیده تکریم و تعظیم می‌نگریست. زیرا آن بانوی نمونه از موهبت‌ها و فضیلتی بر خوردار بود که او را از همه زنان عالم برتر می‌ساخت و این در حالی است که می‌دانیم آن بزرگوار دختران دیگری نیز داشت اما این ستایش‌های بلند و تعظیم و تکریم‌های پر معنا و پیاپی از آن حضرت در مورد آنان شنیده و دیده نشده است. و لذا تجلیل و تکریم پیامبر ﷺ از فاطمه ﷺ نه تنها بر

۱. بحار الانوار، ج ۵، ص ۱۰.

اساس عواطف پاک پدری و مهر محبت فردی نبود بلکه او نمی توانست در مورد فضایل انسانی و مقام والای دخترش در نزد خدا سکوت کند و او را به مردم معرفی نکند. باید موقعیت والای او را ترسیم می نمود و به فاطمه علیها السلام بسان مادر احترام می نهاد و این تجلیل و تکریم بی گمان دلایل خاص خود را داشت.

برتری حضرت فاطمه علیها السلام میان دختران پیامبر صلی الله علیه و آله

مهم ترین دلیل و انگیزه این تجلیل و احترام فراوان آن بود که پیامبر صلی الله علیه و آله می خواست این واقعیت را برای همه روشن سازد که فاطمه علیها السلام در پیشگاه خدا و پیامبرش دارای موقعیتی ممتاز و بسیار والاست. به روایاتی که بیانگر این موقعیت والای فاطمه علیها السلام در قلب پیامبر صلی الله علیه و آله است نظر می افکنیم: از امام صادق علیه السلام آورده اند که فاطمه علیها السلام فرمود: هنگامی که آیه شریفه «لا تجعلوا دعاء الرسول كدعاء بعضكم بعضاً» بر قلب پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد من نیز پدرم را به عنوان رسالت صدا می زدم و می گفتم: ای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و از اینکه با واژه پدر صدا بزدم خودداری نمودم. پیامبر صلی الله علیه و آله یکی چند بار بمن پاسخ نداد آنگاه فرمود: فاطمه جان! این آیه در مورد تو و خاندان و نسل تو نیست تو از من هستی و من از تو، این آیه در مورد عناصر خشن و بی ادب و گستاخ قریش که تکبر می ورزند، فرود آمده است از این رو تو مرا همواره با عنوان پدر صدا بزنی. فاطمه جان! به من بگو پدر که صدای دلنواز تو قلبم را زنده تر و پروردگارم را خوشنودتر می سازد^(۱).

و نز عایشه دختر طلحه به نقل از عایشه آورده است که: من هیچ کسی را در سخن گفتن شبیه تر از فاطمه علیها السلام به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ندیدم. هنگامی که فاطمه علیها السلام وارد می شد پدرش به او با مهری وصف ناپذیر خوش آمد می گفت و دست های او را بوسه می زد و او را در جای خود می نشاند. و آنگاه که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر دخت سرفرازش وارد می گشت، فاطمه علیها السلام با دنیای ادب بپا می خاست و به پدر

۱. مناقب ابن مغزلی شافعی ص ۳۴۶.

خوش آمد می‌گفت و دست‌های او را بوسه می‌زد... و نیز آورده‌اند که: «هروی» از «حسین به روح» پرسید: جناب: پیامبر خدا ﷺ دارای چند دختر بود؟ او پاسخ داد: دارای چهار دختر. پرسید: کدامین آنان برتر بودند؟! پاسخ داد: فاطمه.

پرسید: دلیل برتری او از همگان چه بود؟ مگر نه آنکه از نظر سن و سال از همه کوچک‌تر بود و در نتیجه از نظر مصاحبت و معاشرت با پیامبر ﷺ کمترین زمان را بهره می‌برد؟ پاسخ داد: چرا اما او بدلیل دو موهبت و ویژگی شکوه‌باری که آفریدگار جهان به او ارزانی داشته بود از همه برتر بود.

گفت: اول اینکه او به عنوان و ارث همه جانبه پیامبر خدا برگزیده شده بود و دیگر اینکه نسل سرفراز پیامبر ﷺ و نام بلند و مبارک آن حضرت. بوسیله او جاودانه شد و این چنین نیست که پیامبر ﷺ نسبت به باقی فرزندان و دختران بی توجه بوده است. زیرا زبان پیامبر ﷺ زبان وحی است. و به تعبیر قرآن که می‌فرماید: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ»^(۱) او هرگز از سر هوای نفس سخن نمی‌گوید، آنچه می‌گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست.

بنابراین آنچه را که درباره فاطمه ﷺ هم پیامبر ﷺ فرموده است چون دیگر سخنانش از سرچشمه وحی تراوش نموده است. اینک به ذکر چند حدیث معتبر که از منابع اهل سنت درباره فاطمه ﷺ وارد شده است بسنده می‌کنیم.

۱. احمد ابن حنبل متوفای ۲۴۱ هـ ق پیشوای مذهب حنبلی به اسناد خود چنین روایت می‌کند: «نظر النبی صلی اله علیه و سلم الی علی و الحسن و الحسین و فاطمه ﷺ فقال: انا حرب لمن حاربکم و سلم لمن سالمکم».

یعنی پیامبر ﷺ به علی و حسن و حسین و فاطمه ﷺ نگریست و فرمود: «من با هر کسی که با شما در جنگ باشد در جنگم و هر کسی که با شما از در صلح و آشتی در آید، من نیز با او در صلح و صفا

خواهم بود»^(۱)

۲. احمد ابن حنبل و ترمذی از «حدیثه» نقل کرده اند که پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: ندیدی آن کسی را که کمی قبل پیشم آمد؟ او فرشته ای بود که تاکنون بر زمین فرود نیامده بود. از خداوند خواست تا بر من سلام کند و بشارتم دهد که «ان فاطمه سیده نساء اهل الجنة و ان الحسن و الحسین سید شباب اهل الجنة»

فاطمه سرور زنان بهشت است و حسن و حسین جوانان بهشتند.^(۲)

۳. ذهبی روایت کرده است که رسول خدا فرمود: «اول شخص یدخل الجنة فاطمه بنت محمد»

اول کسی که وارد بهشت می شود فاطمه دختر محمد است.^(۳)

۴. رسول خدا در خطاب با جناب سلمان فرمود:

«یا سلمان: حب فاطمه بنفع فی مائة من المواطن، أسیر تلك المواطن: الموت و القبر و المیزان و

المحشر و الصراط و المحاسبه».

ای سلمان محبت فاطمه در صد مورد پر مخاطره سود می بخشد، که آسان ترین آنها: دم مرگ، قبر،

میزان، محشر، صراط، به هنگام حساب و کتاب است.^(۴)

۵. از «حدیفه» نقل شده است که: پیامبر خدا اول چهره تابناک فاطمه را بوسه می زد و

سپس می خوابید...^(۵)

۶. و نیز از عبدالله ابن عمر نقل شده است که: پیامبر گرامی اسلام سر و صورت فاطمه را می بوسید

۱. نظیر همین روایت را علمای دیگر اهل سنت آورده است. صحیح ترمذی ج ۲ ص ۳۱۹ - مستدرک الصحیحین ج ۳ ص ۱۴۹ - کنز العمال ج ۶ ص ۲۱۶ - اسد الغابه ج ۵ ص ۵۲۳ - ذخایر عقبی ص ۲۵ - تاریخ بغداد ج ۷ ص ۱۳۶ - مستند امام احمد حنبل ج ۴ ص ۴۴۳.

۲. مسند امام حنبل ج ۵ ص ۳۹۱ - صحیح ترمذی ج ۲ ص ۳۰۶ - مستدرک حاکم ج ۳ ص ۱۵۱ - کنز العمال ج ۶ ص ۲۱۷ - فضا الصحابه نسانی ص ۷۶.

۳. میزان الاعتدال ذهبی ج ۲ ص ۱۳۱ - خصائص الكبرى ج ۲ ص ۲۲۵ - کنز العمال ج ۶ ص ۲۱۹.

۴. مقتل خوارزمی ج ۱ ص ۶۰. ۵. مقتل الحسین خوارزمی حنفی ص ۶۶.

و می فرمود: «فداک ابوک کما کنت فکونی»^(۱)

پدرت به قربانت همانگونه که هستی بوده باش.

۷. و در روایت دیگر آمده است که پیامبر ﷺ فرمود: «فداک ابی و امی»^(۲)

پدر و مادرم به قربانت فاطمه جان.

۸. و نیز از عایشه آورده است که: پیامبر خدا ﷺ گلوی فاطمه را بوسه می زد...

من گفتم ای پیامبر خدا ﷺ: در مهر به فاطمه چه چیز کار انجام می دهید که پیش از این انجام نمی دادید، چرا؟ فرمود: عایشه! من هر گاه در شور و شوق بهشت می شوم گلوی فاطمه را می بوسم.^(۳)

۹. و نیز آورده است که پیامبر خدا ﷺ هر گاه از سفر باز می گشت زیر گلوی فاطمه را بوسه باران می نمود و می فرمود: بوی خوش بهشت را از فاطمه استشمام می نمایم.^(۴)

۱۰. و نیز پیامبر ﷺ فرمود: اگر مقرر می شد که زیبایی و کمال در چهره انسانی تبلور یابد در سیمای فاطمه پدیدار می گردید. بلکه دخترم فاطمه از تبلور زیبایی و نیکی هم فراتر است. او از نظر تبار و شرافت و کرامت بهترین مردم روی زمین است.^(۵)

۱۱. از خود حضرت فاطمه آورده است که: پیامبر ﷺ به من فرمود: آیا نمی خواهی مژده ای دهم که شادمان گردیدی؟ سپس فرمود: خداوند هنگامی که بخواهند در بهشت پر طراوت و زیبا به همتای دوست خویش ارمغان دهند، از تو می خواهند که برخی از زر و زیور خویش را بسوی او بفرستی^(۶)

(در این روایت که مورد تأیید شیعه و سنی می باشد، شاید به انگیزه‌ها و عوامل این همه محبت

۱. همان مدرک

۲. مستدرک الصحیحین «حاکم نشابوری شافعی» ج ۳ ص ۱۶۵.

۳. ذخایر العقبی ص ۳۶.

۴. ینابیع الموده ص ۲۶۰.

۵. دلائل المامه، ص ۲.

۶. قرائد السمطین ج ۳ ص ۶۸.

پیامبر صلی الله علیه و آله به دخت گرامیش فاطمه علیها السلام را در می‌یابیم و به راز آن قداست و عظمت و صف ناپذیری که خدا در وجود سالار زنان قرار داده پی ببریم.)

حضرت فاطمه علیها السلام برترین بانو

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خیر نساء العالمین اربع: مریم بنت عمران و آسیه بنت مزاحم و خدیجه بنت خویلد و فاطمه... بهترین زنان گیتی چهار تن می‌باشند، «مریم» و «آسیه» و «خدیجه» و «فاطمه». و نیز فرمود: فاطمه جان همین افتخار تو را بس که در میان زنان شایسته گیتی که، مریم و خدیجه و آسیه باشند، تو سرآمد همه آنان باشی.

(این روایات که ذکر شد به صراحت بیانگر این واقعیت است که این بانوی بانوان بر سایر زنان یگتی برتری دارند و نیز تصریح دارند که «فاطمه» بر همه زنان گیتی از جمله بر این بانوان نامدار برتری دارد.)

(آری روایاتی که بیانگر امتیاز و برتری حضرت فاطمه علیها السلام بر تمامی زنان گیتی است.

بسیارند و اکثر این روایات از «عایشه» و «عمران بن حصین» و «جابر» و «ابن عباس»... رسیده است و بخاری نیز این روایات را در کتاب خویش آورده و گروه دیگری از دانشمندان اهل سنت مانند «قندوزی»، «متقی هندی» و «هیشمی» نسائی و... این روایات را ذکر نموده است.)

خشم و رضای فاطمه علیها السلام خشم و رضای پیامبر صلی الله علیه و آله

بخاری از دانشمندان اهل سنت در مورد حضرت فاطمه علیها السلام آورده است که: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «فاطمه علیها السلام پاره وجود من است. هر که او را خشمگین سازد مرا به خشم آورده است. و نیز

بخاری آورده است که پیامبر فرمود: پاره تن من است «فاطمه» هر که او را بیازارد مرا آزرده است.

«فاطمة بضعة منی من اذاها فقد اذانی»

لازم به ذکر است که این روایات متعدد است با واژه‌های گوناگونی رسیده است، مانند این که پیامبر گرامی فرمود: «فاطمه بضعة منی، یؤذینی ما آذاها، یغضبنی ما اغضبها» فاطمه پاره وجود من است آنچه او را بیازارد مرا می‌آزارد و آنچه او را به خشم آورد مرا نیز خشمگین می‌سازد. و نیز فرمود: فاطمه پاره تن من است آنچه باعث شادمانی خاطر او شود، باعث شادمانی من می‌شود، «فاطمه بعضة منی یسرنی ما یسرها».

شبهه‌ترین فرد به رسول خدا ﷺ

از عایشه روایت شده است که می‌گوید هیچ زنی را از نشانه و دلالت و هدایت و قیام و قعود مانند حضرت زهرا علیها السلام شبیه به پیغمبر صلی الله علیه و آله ندیدم. علاقه پیامبر صلی الله علیه و آله به زهرا علیها السلام آن چنان بود که هرگاه فاطمه علیها السلام بر آن حضرت وارد می‌شد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بلافاصله بر می‌خواست و رخسارش را می‌بوسید و او را در جای خود می‌نشاند و متعاقباً فاطمه علیها السلام همچنین می‌نمود. ^(۱) در باب احادیثی که در این باره استفاده شده است به نقل از «شویبان» آزاد شده رسول خدا صلی الله علیه و آله که هرگاه آن حضرت عازم سفر می‌شد با آخرین کسی خداحافظی می‌کرد حضرت فاطمه علیها السلام بود. و هرگاه از سفر بازمی‌گشت با اولین کسی که دیدار می‌نمود حضرت فاطمه علیها السلام ^(۲) بود.

۱- صحیح ترمذی ۳۱۹/۲ مستدرک حاکم ۱۵۴/۳ - صحیح ابی داود، ۲۲۳/۲۲

۲- همان مدرک ۲۶ - مسند حنبل ۲۷۵/۵

خشم و رضای فاطمه علیها السلام خشم و رضای خداوند

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: فاطمه جان! خداوند با خشم تو خشمگین و با خوشنودی تو خوشنود می شود. «یا فاطمة ان الله یغضب لغضبك و یرضی لرضاک

و نیز فرمود: هان ای مردم! هر کسی فاطمه علیها السلام را شناخته است که شناخته است و هر که او را شناخته بهوش باشد که او پاره وجود من، قلب من، و روح من است. هر کس او را اذیت کند مرا اذیت نموده است و هر کس مرا آزار دهد خدا را آزار داده است.

«فمن عرف هذه فقد عرفها و من لم يعرفها فهي بضعة منی، هی قلبی و روحی الی بین جنبی فمن آذاها فقد آذانی و من آذانی فقد آذی الله».

و نیز فرمود: خداوند بخاطر خشم فاطمه علیها السلام خشمگین می گردد و بخاطر خوشنودی فاطمه علیها السلام خوشنود می گردد.

ان الله یغضب لغضب «فاطمه» و یرضا لرضاها.

روایاتی که ذکر شده در اکثر کتب دانشمندان اهل سنت آمده است و محدثان اهل سنت آنها را نقل کرده اند که بتعدادی از آن اشاره می شود.

۱. احمد حنبل ۲. بخاری ۳. ترمذی ۴. سجستانی ۵. نسائی ۶. نشابوری ۷. ابونعیم ۸. بیهقی ۹.

خوارزمی ۱۰. ابن جوزی ۱۱. ابن اثیر ۱۲. ابن ابی الحدید ۱۳. سیوطی ۱۴. ابن حجر ۱۵. بلاذری و...

عفت فاطمی

ابن مغزالی از علماء بزرگ اهل سنت متوفای ۴۸ هـ نقل می کند که روزی پیامبر صلی الله علیه و آله و فاطمه زهرا علیها السلام نشسته بودند که مرد نابینای اجازه ورود خواست قبل از ورود آن مرد فاطمه علیها السلام برخاست و خود را به طور کامل پوشانید و پیامبر صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام فرمود: چرا خود را این طور پوشانیدی آن مرد نابینا است؟ فاطمه علیها السلام پاسخ داد به پدرش ولی من که او را می بینم و هر چند او نابینا است اما بوی مرا

استشمام می‌کند رسول خدا ﷺ فرمود: شهادت می‌دهم که تو پاره تن من هستی^(۱) روزی رسول خدا ﷺ در جمع یاران نشسته و بعد از آنان سؤال نمود ارزنده‌ترین و گرامی‌ترین چیز برای زنان چیست؟ به گفته انس ابن مالک کسی نتوانست جواب دهد علی ﷺ با این که پاسخ را می‌دانست دوست داشت از زبان فاطمه ﷺ بشنود به خانه رفت و این سؤال را مطرح کرد با فاطمه ﷺ. فاطمه زهرا ﷺ پاسخ داد: بهترین زینت برای زنان آن است که مردان آنان را نبینند و آنان نیز مردان را نبینند. علی ﷺ به سوی پیامبر ﷺ بازگشت و پاسخ فاطمه ﷺ را برای پیامبر ﷺ بیان نمود رسول خدا ﷺ فرمود: فاطمه ﷺ درست گفته است و او پاره تن من است.^(۲)

یکی از نشانه‌های بارز عفت حضرت فاطمه ﷺ نحوه حضور آن حضرت در مسجد پیامبر ﷺ است. زیرا او برای دفاع از حقانیت و ولایت با تعداد کثیر از زنان بنی هاشم با بهترین پوشش و حجاب روانه مسجد گردیدند و این کیفیت حضور آن حضرت در اجتماع به مسجد بهترین الگو برای زنان امروز در جامعه اسلامی باید باشد.

«عبدالله ابن حسن» به اسناد خود از پدرانش روایت کرده و چنین می‌گوید:

«لا ثت خمارها علی رأسیها» «آن حضرت خمار خود را بر سرشان پیچیدند»

«خمار» چیزی بوده که زنان با آن سر و گردن و سینه خود را می‌پوشانند و از روسری‌های معمولی

بزرگتر بوده است و قرآن هم می‌فرماید: «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ»^(۳)

«روسری‌هایشان را طوری روی سر بیندازد که گردن و سینه نیز پوشیده باشد».

«خمر» اصلاً به معنای «پوشش» است، به شراب هم «خمر» می‌گویند از باب این است که عقل

انسان را می‌پوشانند، «لا ث» و «لو ث» یعنی «پیچیدن» و لا ث خمار علی رأسیها» و حضرت زهرا ﷺ به

۱. مناقب ابن مغزلی، ص ۳۸۰.

۲. خلیه الاولیاء ج ۲، ص ۴۰ - کنز الاعمال، ج ۸، ص ۲۱۵.

۳. سوره نور آیه ۳۱.

طوری آن روسری را به خود پیچیده بودند که زیر گردن و سینه را نیز پوشانده بود.

«وَأَشْتَمَلْتُ بِجَلْبَابِهَا» «و جلاباب خود را بر تن نمودند»^(۱)

«جلباب» یعنی چیزی مانند عبا یا پیراهن عربی بلند که محیطه بر بدن باشد یعنی: حضرت آن

لباس که روی لباس‌های دیگر را هم می‌گرفت، به خود گرفته و بر تن نمودند.

«وَأَقْبَلْتُ فِي لَمَةٍ» «و حضرت در معیت جماعتی آمدند که آن جماعت با ایشان هماهنگ بودند».

در نظر اهل لغت «لمة» بدون تشدید از ریشه «لؤمه» بوده است بمعنی ملایم و کسانانی گفته می‌شود

که همفکر و هم‌نظم و هماهنگ با یکدیگر هستند. «و اقبلت فی لمة».

در معیت حضرت زهرا علیها السلام و در راه مسجد عده‌ای از زنان هم سن بودند، یا اینکه عده‌ای از زنان

هم فکر و هماهنگ با حضرت به سوی مسجد حرکت کردند. «مِنْ حَفْدَتِهَا وَ نِسَاءِ قَوْمِهَا»

«در معیت جماعتی از یاران و اعوان خویش و گروهی از زن‌های خویشاوند خود»

بنابراین حضرت با همراهی جمعی از زنان و همفکران خود به مسجد عزیمت کردند و شاید علت

این بوده است که شخصیت ظاهری آن حضرت محفوظ باشد. (در این مواقع حفظ ظاهره در حقیقت

به منظور تعظیم حق و عدالت است. نه جلب شخصیت و موقعیت ظاهری برای فرد خاصی که مقام

اولیاء خدا از آن میرا و یاک می‌باشد بویژه حضرت فاطمه علیها السلام).

«تَطَّأْدُ يَوْلَاهَا» «حضرت در حال راه رفتن بر پایین و ذیل لباس خود پا می‌گذاشت.» یعنی حضرت

در حال راه رفتن به طرف مسجد بر پایین لباس خود پا می‌گذاشتند.

ما تحرم مشيتها مشية رسول الله «راه رفتن آن حضرت از راه رفتن رسول خدا صلی الله علیه و آله هیچ

کم نداشت».

«مشية» بر وزن فعة نوع هیئت راه رفتن حضرت را بیان می‌کند. در واقع می‌خواهد این عبادت

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ص ۱۶ ص ۳۱۱ ص ۲۴۹.

هیئت راه رفتن حضرت با همان متانت و وقار و عظمتی که حضرت پیامبر ﷺ در هنگام راه رفتن داشته‌اند حرکت می‌کردند و طریقه‌ای راه رفتن آن حضرت کم‌تر از راه رفتن پیامبر ﷺ نبود.

«حتی نحلّت علی ابی بکر و هو فی حسد من المهاجرین و الانصار و غیرهن»

«تا اینکه حضرت، وارد بر ابوبکر شدند، در حالتی که ابوبکر در جمع زیادی از مهاجرین و انصار و دیگر مسلمانان قرار گرفته بود» «حسد» به معنای جمعیت زیاد است.

«فنیطت دونها ملاءة» «سپس میان آن حضرت و مردم، پرده‌ای نصب شد».

وقتی دیدند حضرت زهراء ﷺ با این جمعیت و همراه از زنان و اعوان و الفار همفکرشان وارد مسجد شدند، فوراً به احترام ایشان یک پرده‌ای بین ایشان و مردهای داخل مسجد نصب گردید.

«فَجَلَّتْ، ثُمَّ أَتَتْ أَنَّهُ أَجْهَشَ الْقَوْمَ لَهَا بِالْبِكَاءِ»

(سپس حضرت نشست، آنگاه ناله‌ای کرد. آنچنان ناله جانسوزی که گریه مهاجرین و انصار را بلند کرد) «أَتَتْ» از این بمعنی ناله است ناله حضرت این قدر جانسوز بود که گریه مردم همراه با حرکت وجهی بود این گونه مجلس را منقلب کرده بود ناله حضرت.

حضرت فاطمه ﷺ بهترین الگوی حجاب

واژه حجاب در لغت به معنی پرده، چادر، روپوشی، روبند، و آنچه که با آن چیزی را بپوشانند، و چیزی که مانع در دو چیزی دیگر باشد، و لزوم حجاب برای زنان در برابر مرد بیگانه یکی از مسائل مهم اسلامی و بلکه قرآنی است و اذا سئالتموهن متاعاً فسنلوهن من وراء حجاب ذالکم اطهر لقلوبکم و قلوبهن...^(۱) هنگامی که چیزی از وسائل زندگی از آنها (همسران پیامبر ﷺ) می‌خواهید از پشت پرده بخواهید این کار دل‌های شما و آنها را پاک‌تر می‌دارد. و آیات «سوره نور» نیز بیانگر این مطلب

است در اصل مطلب و جنبه اسلامی بودن آن نمی‌تواند تردید کرد. گرچه حجاب قبل از اسلام در ایران باستان و روم آن زمان وجود داشت که با آنچه اسلام از حجاب بیان می‌کند فرق دارد. وظیفه پوشش که اسلام برای زنان مقدر کرده است بدین معنی نیست که از خانه بیرون نروند. زندانی و حبس زن در اسلام قابل قبول نیست. که در برخی از کشورهای گذشته چنین بوده است. حجاب زن در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان بدن خود را بیوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد. این بر خلاف نظریه کسانی است که پوشش و حجاب را محدودیت برای زنان می‌پندارد. از آیات روایت استفاده می‌شود که حجاب مانع حضور زنان در جامعه نیست. و لذا شواهدی که دال به حضور زنان در جامعه وجود دارد زیاد است.

نمونه آن حضور زنان در مسجد است. حضور زنان در مسجد برای انجام نماز جماعت در عصری پیامبر صلی الله علیه و آله از مسلمات تاریخ است. امام صادق علیه السلام از پدرش نقل می‌کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام نماز جماعت صدای گریه طفلی را شنید که مادر او را به مسجد آورده بود. حضرت نمازش را کوتاه کرد تا مادر سراغ فرزندش برود^(۱). در منطقه که جنگ احزاب در آنجا واقع شده است اندک پایین‌تر از مسجد حضرت علی علیه السلام مسجد حضرت زهرا علیها السلام قرار دارد این گواه تاریخی بر حضور زنان در اجتماع دارد.

و زنان در بسیاری از مسئولیت‌های اجتماعی با مردان شریک است و انجام این وظیفه او را از حصار خانه به صحنه‌های اجتماعی می‌کشاند این با حفظ حجاب و عفاف که وظیفه دیگری زنان است منافات ندارد. بلکه حجاب زنان را در انجام دادن بهتر مسئولیت‌های اجتماعی یاری می‌کند. آنچه با انجام وظایف او منافات دارد. وجوب خانه نشینی است. که متحجّرین بر این باورند که زن خانه نشین باشد امری که اسلام هرگز طرفدار آن نیست.

حجاب در اسلام از یک مسئله کلی‌تر و اساسی‌تر ریشه می‌گیرد و آن این است که اسلام می‌خواهد انواع تلذذهای جنسی، چه بصری و لمسی و چه نوعی دیگر، به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج قانونی اختصاص یابد. اجتماع منحصرأ برای کار و فعالیت باشند. بر خلاف برنامه غربی‌های عصر حاضر که کار و فعالیت را با لذت جوی‌های جنسی به هم می‌آمیزد اسلام می‌خواهد این دو محیط را کاملاً از یکدیگر تفکیک کند. آیات سوره احزاب و نور تماماً بیانگر این مطلب است. مسلمانان چه مرد، چه زن، باید از چشم‌چرانی و نظر‌بازی اجتناب کنند، مسلمان مرد باشند یا زن پاکدامن و عورت خود را از دیگران بپوشاند. زنان باید پوشش داشته باشند و آرایش و زیور خود را بر دیگران آشکار نسازند و در صدد تحریک و جلب توجه مردان نباشند. در روایت ابو موسی اشعری می‌خوانیم زنانی که خود را معطر می‌کنند و قدم از منزل بیرون می‌نهند تا دیگران را جلب کنند اهل فحشا و فساد می‌باشند.^(۱) مرحوم استاد شهید مطهری (ره) حقیقت مسئله حجاب در اسلام را اینگونه بیان می‌کند. از نظر اسلام محدودیت کامی‌های جنسی به محیط خانوادگی و همسران مشروع، از جنبه‌ی روانی به بهداشت روانی اجتماع کمک می‌کند، و از جنبه خانوادگی سبب تحکیم روابط افراد خانواده نو برقراری صمیمیت کامل یعنی زوجین می‌گردد. و از جنبه‌ی اجتماعی موجب حفظ و استیفای نیروی کار و فعالیت اجتماع می‌گردد. و از نظر وضع زن در برابر مرد سبب می‌گردد که ارزش زن در برابر مرد بالا رود. و در حدیث دیگر از پیامبر ﷺ آمده است که بی‌حجابی را صراحتاً منع نموده است اسماء دختر ابوبکر - که خواهر عایشه بود - به خانه پیامبر اکرم ﷺ آمد در حالی که جامه‌های نازک و بدن‌نما پوشیده بود رسول اکرم ﷺ روی خویش را از او برگردان و فرمود: یا اسماء ان المرونها اذا بلغت المحیض لم تصلح ان یرى منها - هذا و هذا - و اشاره الی کفه و وجهه، ای اسماء همینکه زن به حد بلوغ رسید سزاوار نیست چیزی از بدن او دیده شود - مگر این و این - اشاره فرمود

۱- کتبرالعمال، ح ۱۰، ص ۱۵۹.

به چهره و قسمت مچ به پائینی دست خودش^(۱) که این روایت بیانگر نحوه حجاب و پوشش برای زن است. با توجه و گستردگی و اهمیت بحث حجاب و دیدگاه اسلام در این مطلب آنچه ضرورت دارد روشن می‌شود. و نیز با معضلات اجتماعی و فرهنگی که امروز جامعه با آن مواجه می‌باشند. و تهاجم فرهنگی از سوی غربی‌ها صورت می‌گیرند و حجاب را مانع پیشرفت و حتی ناقض حقوق زنان بخورد مردم ما می‌دهند. و دیدگاه متحجرانه که زنان را بدور از صحنه اجتماعی در خانه محصور می‌کند. و دیدگاه‌های دیگر از نحوه حجاب دارند، داشتند الگوی مناسب و کامل برای جامعه زنان امروز ضرورت دارد. و آنچه که از احوالات و زندگی حضرت زهرا علیها السلام از منابع اهل سنت و شیعه استفاده می‌شود در خانه و چه اجتماع و گفتار آن حضرت در موضوع حجاب کاملاً متناسب با دیدگاه اسلام می‌باشند.

حدیث ابن اسیر در بحث لم در دفاع از حضرت زهرا علیها السلام می‌نویسد. گواهی بر این مطلب است، و خرجت فی لمة من نسائها یتو طی ذیلها، علی ابی بکر فعاتبته^(۲) (فاطمه علیها السلام) با هیئتی از زنان بنی هاشم در پوشش (حجاب) کامل به مجلس ابوبکر وارد شد و او را (ملامت) و استضاح کرد آری حضرت فاطمه علیها السلام بهترین الگوی حجاب برای زنان است و باید زنان امروزی جامعه اسلامی همان حجاب کامل حضرت فاطمه علیها السلام را در تمامی زمینه‌های زندگی داشته باشند.

بهشت فاطمی

(هیئتی در مجمع) از «عبدالله ابن مسعود» روایت کرده است که او خطاب به حاضران گفت: بزودی خبری را که از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیده‌ام به شما می‌رسانم و همواره در صدد آن بودم که شاهی برای آن خبر بیابم ولی موفق نشدم. در جنگ تبوک که افتخار همراهی با آن حضرت را داشتم

۲- مستدر الصحیحین حاکم، ج ۲، ص ۳۲۷، ۴۳۰، ۴۳۱.

۱- سنن ابو داود، ج ۲، ص ۳۸۳.

پیامبر ﷺ فرمود: هنگامی که حق تعالی دستور داد تا فاطمه علیها السلام را به همسری علی علیه السلام در آورم، به فرمان عمل کردم. «جبرئیل» گفت: خدای تعالی به مؤذگان این همسری، بهشتی از نبی گوهرین آفریده است که فاصله میان هر دونی، گوهری از یاقوت استوار شده و به طلا قرار داده است و سقف آن بهشت را از زبرجد سبز آفریده و در آن بهشت، طاق‌هایی از گوهر مزین به یاقوت‌ها ایجاد فرموده و در آن بهشت، اتاق‌هایی خلق کرده است که یک خشت آن از طلا و خشت دیگرش از نقره، خشتی از دُرّ و خشت دیگر آن از یاقوت و خشتی از زبرجد است: در آن بهشت چشمه‌های است که در اطرافش می‌جوشد و گرداگرد آن نهرهایی جاری است و بر فراز آن نهرها، قبه‌های از دُرّ نهاده شده که به سلسله‌های زیادی آویخته است و در اطراف آن بهشت، درخت‌هایی فراوان غرس شده است و در شاخه آن‌ها قبه‌ای (خیمه‌ای) آفریده شده است و در هر قبه تختی از دُرّ سفیدنیک تعبیه شده که پوششی آن از سندس و استبرق است و زمین آن به زعفران و مشک و عنبر مفروش گشته است. و در هر قبه‌ای «حورالعین» آماده به خدمت است. قبه این بهشت دارای صد در است و کناری هر دری، دو نفر دربان ایستاده است و در هر قبه مفروش، دو درخت کاشته شده است و گرداگرد آن قبه‌ها، «آیه الكرسي» نوشته شده است. رسول خدا ﷺ فرمود: که از جبرئیل سؤال کردم: خدای تعالی بهشت با این وصف را برای چه کسی آفریده است؟ «جبرئیل» در پاسخ گفت: برای دختر نیک اختر شما، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و علی ابن ابیطالب علیه السلام و این بهشت علاوه بر بهشت خود آنهاست و این هدیه از سوی پروردگار برای آنها می‌باشند. اینک ای رسول خدا ﷺ بر این هدیه‌ای که خدای تعالی به آنها روزی فرموده است دیده‌گان را روشن کن! (۱)

۱. مجمع هیئتی، ج ۹، ص ۳۰۴، به نقل از فضائل الخمسه فی الصحاح سته، ج ۳، ص ۵۱۶، ۵۱۷.

بهترین زنان اهل بهشت

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: برترین بانوان بهشت: خدیجه و فاطمه و آسیه و مریم علیها السلام (۱) دخت عمران هستند.

افضل نساء اهل الجنة: خدیجه... و «فاطمه» و آسیه و مریم...

حاکم در مستدرک به روایت از ابن عباس می نویسد. که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ان افضل النساء اهل الجنة خدیجه بنت خویلد و فاطمة بنت محمد صلی الله علیه و آله و مریم بنت عمران و آسیه بنت مزاحم امرة فرعون. به درستی بهترین زنان اهل بهشت ۱. خدیجه دختر خویلد، ۲. و فاطمه علیها السلام دختر پیامبر صلی الله علیه و آله ۳. و مریم دختری عمران ۴. و آسیه دختر مزاحم زن فرعون است. (۲)

و نیز حاکم به نقل میمون بن اسحاق... می نویسد که اباذر در حال که به دروازه مکه خانه خدا تکیه داده بود و فرمود: ای مردم هر که ما را می شناسد می شناسد و اگر نمی شناسد بداند من اباذر هستم. شنیدم من از پیامبر صلی الله علیه و آله که فرمود: مثل اهل بیتی کمثل سفینه نوح من رکبها نجا و من تخلف عنها غرق، مثل اهل بیت من مانند کشتی نوح است هر که سوار بر این کشتی گردد نجات می یابد و هر که مخالفت کنند بر اهلیت من غرق خواهد شد. (۳) (این حدیث بر شرایط صحیح مسلم صحیح است).

تسبیح فاطمی

«صحیح بخاری» به نقل از کتاب «آغاز آفرینش» در مناقب حضرت علی علیه السلام به سند خود، از آن حضرت روایت می کند که فاطمه زهرا علیها السلام خود شخصاً به کارهای خانه می پرداخت و ناراحتی که از ناحیه چرخاندن آسیاب دستی احساس می کرد. نزد پیغمبر صلی الله علیه و آله رفت تا کنیز را برای کمک در کارهای خانه بگیرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله در منزل تشریف نداشت و «عایشه» جریان آمدن فاطمه علیها السلام به اطلاع

۱. مسند احمد ابن حنبل، ج ۱ ص ۲۹۳ - الاستیعاب، ج ۲، ص ۷۵۰ - مستدرک الصحیحین، ج ۳، ص ۱۶۰ - اسد الغابه، ج ۵، ص ۴۳۷ - تاریخ الاسلام ذهبی، ج ۳، ص ۹۳.
۲. مستدرک الصحیحین، ج ۲، ص ۴۹۷.
۳. مستدرک الصحیحین، ج ۲، ص ۳۴۳.

پیامبر ﷺ رسانید. پیامبر بلاد رنگ در خانه علی علیه السلام آمد و سلام کرد. و علی علیه السلام می فرماید که رسول خدا ﷺ در میان ما قرار گرفت و فرمود: آیا میل دارید چیزی را به شما پیاموزم که بهتر از تقاضای شما باشد هر وقت خواستید بخوابید سی و چهار تکبیر، و سی و سه مرتبه ذکر سبحان الله، و سی و سه مرتبه ذکر الحمد لله بگویید و بدانید که ادامه دادن به این ذکر بهتر است از خدمت کاری است که در امور خانه به شما کمک کنند. در همین رابطه در باب تسبیح هنگام خواب ابوداود از ابوربدین ثمامه روایت کرده است^(۱) که حضرت علی علیه السلام خطاب به «ابن اعبد» گفت: آیا می خواهی حدیثی از خودم و هم چنین از احوال فاطمه علیها السلام برای تو بیان کنم؟ فاطمه علیها السلام محبوب ترین فرد خاندانش در دیده پیغمبر ﷺ بوده است، او در خانه من چندان آسیاب دستی را به حرکت در آورد که اثر دسته آن در دست مبارکش ظاهر گردیده و نیز اثری بند مشک آب، و بالاخره از این جهت رنج بسیاری تحمل کرده است. در همان اوقات شنیدم که گروهی از کنیزان اسیر شده را حضور پیامبر ﷺ آورده‌اند. به زهرا علیها السلام پیشنهاد کردم که چه خوب است پیش پدرت بروی و درخواست خدمتکار نمایی تا در امور زندگی تو را کمک نماید. فاطمه علیها السلام پیشنهاد مرا قبول کرد و به خانه پدر رفت و رسول خدا ﷺ را ملاقات نمود ولی حیا مانع شد خواسته‌اش را مطرح نکرد و بازگشت طولی نکشید پیامبر ﷺ به خانه ما آمد در حالی که هنگام شب وقت خواب بود و رسول خدا ﷺ فرمود: فاطمه علیها السلام روز گذشته نزد من آمد و برگشت حتماً حاجتی داشتی، آن را مطرح کن؟ و این جمله را پیامبر ﷺ دو بار تکرار نمود. و زهرا علیها السلام از حیا سکوت کرد. علی علیه السلام عرض کرد: یا رسول الله ﷺ به خدا سوگند من پاسخ شما را تقدیم می‌کنم گفت: یا رسول الله ﷺ کار در خانه به زهرا علیها السلام این قدر فشار آورد که دستان زهرا از اثر دستاس آبله بسته است. من پیشنهاد داده‌ام برایش که از پدرش رسول خدا ﷺ از این کنیزان و غلامان که اسیر شده بدهند تا در کارخانه برای او کمک باشند. رسول خدا فرمود می‌خواهید چیزی را برای

شما پیاموزم که از آنچه می خواهید بهتر باشد؟ آنگاه حضرت تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام را به آنان تعلیم داد.

هدیه بر محبتان فاطمه علیها السلام

خطیب بغدادی^(۱) از ابن عباس نقل کرده است وقتیکه زهرا علیها السلام در خانه علی علیه السلام می رفت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله پشت سر حضرت فاطمه علیها السلام و جبرئیل طرف راست و میکائیل طرف چپ او و هفتاد هزار فرشته تا بامداد به تسبیح و تقدیس خداوند اشتغال داشتند پشت سر آنها حرکت می کردند خطیب بغدادی^(۲) از بلال بن حمامه روایت کرده است که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله را با حالت خندان آثار نشاط از رخسارش نمایان بود مشاهده کردم همزمان عبدالله ابن عوف از جای برخاست و گفت یا رسول الله صلی الله علیه و آله علت چیست؟ که امروز چنین خندان و بانشاط می باشید؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: سرور و نشاط من از این است که از سوی پروردگارم مژده داده شد هنگامی که حضرت حق اراده فرمود در پیوند «علی علیه السلام با زهرا علیها السلام» به فرشته دستور داد تا درخت طوبی را به حرکت در آورد آن فرشته بدستور پروردگار درخت طوبی را حرکت داد و نامه هایی از آن درخت به زیر آمد و همزمان فرشته هایی را آفرید که آنان همه آن نامه ها را جمع آوری کردند، روز قیامت که فرا می رسد فرشتگانی که حامل نامه ها هستند آن نامه ها را در میان اهل محشر پخش می کنند هر یک از مردم محشر که برآستی ما اهل بیت را دوست داشته باشند نامه هایی که دلیل بر برائت از دوزخ است در دست او قرار می گیرد و این برائت از آتش از برکت وجود برادر و پسر عم علی علیه السلام و دخترم زهرا علیها السلام است که مردان و زنان امت و محب ما را از آتش دوزخ رهایی می بخشد. ابن اثیر^(۳) به نقل از سنان ابن شفعله از رسول خدا

۱. تاریخ بغداد ج ۵، ص ۷.

۲- همان مدرک، ۲۱۰/۴ - اسدالغایة ۲۰۶/۱

۳- همان مدرک ۲۰۶/۱

ﷺ می‌نویسد که رسول خدا ﷺ از «جبرئیل» حدیث کرده است در هنگامه ازدواج فاطمه ﷺ با علی ﷺ خداوند به «رضوان» خادم بهشت دستور داد تا درخت طوبی را حرکت دهد که در اثر این حرکت نامه‌هایی بعدد محبان آل محمد ﷺ نثار کرد که هنگامی که روز جزا فرا می‌رسد فرشته‌ها همراه با آن نامه‌ها از سوی پروردگار هبوط می‌کنند و به هر یک از محبان آل محمد ﷺ نامه برات می‌دهند که برات از آتش دوزخ است.

«ابوموسی»^(۱) از «انس» نقل می‌کند که رسول خدا ﷺ در مسجد به علی ﷺ فرمود: اینک (جبرئیل) به من خبر داد که خدای تعالی فاطمه ﷺ را به همسری تو انتخاب نموده است و چهل هزار فرشته را برای این ازدواج گواه قرار داده است به درخت طوبی امر کرده است که به میمنت این ازدواج در یاقوت نثار کنند درخت طوبی در یاقوت نثار کرد نخست حورالعین که به تحصیل در و یاقوت بر دیگران پیشی گرفت و آنان در روز قیامت آنچه را بدست آورده‌اند در میان خود برسم تعارف به یکدیگر هدیه می‌دهند.^(۲) از عبدالله روایت شده است که رسول خدا ﷺ خطاب به حضرت فاطمه ﷺ فرمود: وقتی که زهرا ﷺ در خانه علی ﷺ می‌رفت.

آنگاه حق تعالی دستور داد که تو را به عقد علی ﷺ در آورم به فرشتگان دستور داد در بهشت صف‌های از خود تشکیل دهند به درختان بهشت فرمان داد تا خود را به زیورها و حله‌ها بیاریند. به جبرئیل امر کرد تا منبر در بهشت بر پا کند به دنبال آن جبرئیل بر فراز منبر قرار گرفت و در این رابطه خطبه ایراد کرد. آنگاه از آن زیورها و حله که بر درختان است در میان فرشتگان نثار کرد و هر یک از فرشتگان که بهتر یا بیشتر توانست جمع آوری کنند نسبت به دیگری که کمتر نصیبش شده است تا روز قیامت مباحات می‌کنند رسول خدا ﷺ در پی ماجرای که در بهشت افتاده است خطاب به حضرت زهرا ﷺ فرمود: این ماجرا در بزرگ داشت مقام تو و اهمیّت همسری تو با علی ﷺ کافست، از

حضرت علی علیه السلام روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: فرشته بر من نازل شد و فرمود: ای محمد صلی الله علیه و آله خدای تعالی می فرماید: به درخت طوبی دستور دادم تا دُرّ یاقوت و مرجان بر خود بیاورند و آنها را به فرشتگان و حور العین که در مراسم عقد حضرت زهرا علیها السلام شرکت داشتند، نثار کنند. (آری در نتیجه این ازدواج دو فرزند بنام حسن و حسین علیهما السلام به وجود می آید که سید جوانان اهل بهشت است و اهل بهشت به خاطری این شادمانی به زیور بهشتی آراستند^(۱). محب طبری این روایت را به نقل از امام الزّضا روایت کرده است. اوّل کسی که وارد بهشت می شود فاطمه علیها السلام دختر محمد صلی الله علیه و آله است.^(۲)

حاکم به نقل از ابو هریره روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: روز رستاخیز فرا می رسد پیامبران سوار بر مرکبایی هستند تادر محشر بامردم خویش همراهی نمایند چنانکه صالح بر ناقه خود سوار است و من بر فراز براق قرار گیرم و پیشاپیش من زهرا علیها السلام برانگیخته می شود در حالیکه علی علیه السلام بر براق من سوار و حسن و حسین علیهما السلام بر دوناقه بهشتی سوار است حضرت فاطمه علیها السلام راهمراهی می کند و منادی از پشت حجاب به اهل محشر می گوید دیدگان را فروبندید و سرهارابه زیرا فکنید تا فاطمه علیها السلام عبور نماید در آن هنگام حضرت فاطمه علیها السلام با هفتاد هزار حورالعینی به سرعت برق از صراط عبور می کند خطیب بغدادی به نقل از ابن عباس که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در شب معراج دیدم به در بهشت این کلمات نوشته شده بود؛ خدایی نیست جز خدای بی همتا، محمد صلی الله علیه و آله فرستاده خدا است، علی علیه السلام محبوب خدا است، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام برگزیدگان خدایند از خدا دور باد کسانی که دشمنی با آنان را دارند

در این مورد روایات بسیاری دانشمندان اهل سنت در کتاب خویش آورده اند.

۱- حاکم نشابوری در «مستدرک الصحیحین» به اسناد خویش از علی علیه السلام آورده است و می فرماید:

۱. خاتر العقیبی، ۳۲

۲. صحیح ترمذی ۳۰۶/۲ - مستدرک الصحیحین ۱۵۳/۳ - میزان اعتدال ۱۳۱/۲ - کنز العمال ۲۱۹/۶.

«ان كان يوم القيامة نادى مناد وراء الحجاب أيا العمل الجمع غصو ابصاركم عن فاطمة بنت محمد ﷺ حتى تمرو» (۱)

از پیامبر خدا ﷺ شنیدم که فرمود: هنگامی رستاخیز گردد. یکباره نداگری از ورای حجاب ندا می‌دهد که: (می‌گیرد آمدگان در صحرای محشر: دیدگان تان را بدهم نهید تا «فاطمه ﷺ» دخت پیامبر ﷺ بگذرد.

۲- همین روایت را «ابن اثیر» (۲) «گنجی شافعی» (۳) و «ذهبی» (۴) با اندک اضافه‌امی از علی ﷺ به نقل از پیامبر ﷺ آورده‌اند و می‌فرمایند: روز رستاخیز فرا رسد. ندا کننده‌ای از اعماق عرش ندا می‌دهد ای مردمی که در روز رستاخیز گرد آمده‌اید! دیده‌گان خویش را فرو بندید تا دخت فرزانه محمد ﷺ فاطمه ﷺ با جامه‌ رنگین شده بخون حسین ﷺ از اینجا بگذرد.

آنگاه فاطمه ﷺ پایه عرش را می‌گیرد و می‌گوید: «بار خدایا! تو فرمانروای عادل و پر اقتدار. اینک میان من و کسانی که فرزندم را به شهادت رساندند داوری فرما.» و آنگاه پیامبر ﷺ فرمود: به پرودگار کعبه سوگند! که خدا بر اساس سنت من در مورد شکایت دخترم «فاطمه ﷺ» داوری خواهد نمود:

آری روز که بیداد‌گران و ستمکاران و فرعونیان دو دست خویش را با دندان خواهند گزید که در ذلت و حقارت‌اند، در آن روز وصف‌ناپذیر حضرت زهرا ﷺ در برابر دیده‌گان نگران و وحشت‌زده اهل محشر آنگونه که زبنده است جلوه خواهد نمود.



- ۱- مستدرک الصحيحین ج ۳ ص ۱۵۳.
 ۲- اسد الغابّه ج ۵، ص ۵۲۳.
 ۳- کفایت الطالب، ص ۲۱۳.
 ۴- میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۱۸.

فصل چهارم:

فرهنگ فاطمی و فدک

- فدک کجاست و برای کیست؟
- بخشش فدک بر چه اساس بود؟
- زمین‌های اعطایی پیامبر ﷺ به اشخاص
- در آمد فدک به چه مصارفی می‌رسید؟
- فدک بعد از رحلت پیامبر ﷺ
- موارد اختلاف
- دلایل سه‌گانه حقانیت فاطمه علیها السلام نسبت به فدک
- فدک در زمان بنی امیه و بنی عباس
- راز مطالبه فدک
- تدابیر شایسته دیگر
- دانشمندترین بانوی جهان
- راویان و منابع این سند جاودانه از اهل سنت
- نکات اساسی و مطالب این خطبه جاودانه

فرهنگ فاطمی و فدک

فدک کجاست و برای کیست؟

در یک منزلی خبیر و ۱۴۰ کیلومتری مدینه^(۱) روستای سرسبزی به نام فدک وجود داشت که اکنون در عربستان بنام «حائطه و حویطه» شناخته می‌شود چشمه پرآبی مزارع روستا را سیراب می‌کرد. در این روستا عده‌ای یهودی زندگی می‌کردند. به نوشته «یحیی ابن آدم قرشی» - متوفای ۲۰۳ هـ - وقتی یهودیان فدک خبر پیروزی سپاه اسلام در خبیر به گوششان رسید. (بشدت هراسیدند و از این رو) شخصی را برای عقد قرارداد صلح نزد پیامبر ﷺ فرستادند و فدک را به آن حضرت واگذار کردند^(۲) و افدی متوفای ۲۰۷ و بلاذری و دیگران می‌نویسند: یهودیان نصف فدک را به پیامبر ﷺ صلح کردند.^(۳)

اما آنگونه که از قرائن تاریخی دیگر گواهیست به نظر می‌رسد آنان تمام فدک را واگذار کرده باشند و آنجا که محمد رسول الله ﷺ پیامبر رحمت بود و دوست نداشت ساکنان آن دیار آواره شوند در تأمین زندگی خود با مشکل مواجه گردند و هم اینکه مزارع آباد و سرسبز و آبادتر شود. به یهودیان ساکن در آنجا اجازه داد که همچنان بر سر مزارع بمانند و به صورت «مزارعه» زمینهای آنجا را به زیر کشت برند و در عوض نصف درآمد را به پیامبر ﷺ تحویل نمایند. همانگونه که در مورد یهودان خبیر چنین نمود. به هر صورت طبق آیه «فی»^(۴) فدک جزء اموال پیامبر ﷺ به حساب آمد. و به تعبیری جز اموال خالصه پیامبر ﷺ شد.^(۵) یعنی چون بدون نبرد و خون ریزی به تصرف آن

۱. با نبود وسائل حمل و نقل سریع در آن زمان این فاصله را به مدت دو روز طی می‌کرده‌اند. ر.ک: معجم البلدان: ج ۶، ص ۳۴۲.
۲. حراج یحیی بن آدم، ص ۳۵، حدیث ۸۹.
۳. المغازی ج ۳، ص ۷۰۷ - فتوح البلدان ص ۴۳ - سیره ابن هشام، ج ۳، ص ۳۶۸.
۴. حشر آیه ۶.
۵. حراج یحیی بن آدم ص ۳۵، حدیث ۸۹.

حضرت در آمده بود به ایشان تعلق داشت. و آن را میان مسلمانان به صورت غنائم تقسیم نکرد. عده زیادی از مفسران و محدثان بزرگ اهل سنت می‌نویسد: وقتی آیه شریفه و أُتِ ذِالْقُرْبَى حَقَّةً^(۱) ای پیامبر صلی الله علیه و آله حق خویشان نزدیک را به آنان عطا کن، نازل شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فدک را به فاطمه علیها السلام بخشید و فرمود: فدک از آن تو باشد.^(۲)

بخشش فدک بر چه اساسی بود؟

این بخشش بی جهت و تنها بر پایه احساس عاطفی پدری نسبت به فرزند صورت نگرفت. چرا که رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از فتح بنی نضیر زمینهای مزروعی و خانه‌های مسکونی آنجا را بین مهاجران تقسیم کرد، همچنین زمینهای خیبر و دیگر نقاطی نظیر وادی القری که فتح شد تقسیم گردید تا جائی که افراد فاقد زمین و خانه، دارای زمین مزروعی و خانه مسکونی شدند.

اما از آن اموال به علی علیه السلام و بنی هاشم داده نشد و با اینکه اینان در میدانهای نبرد همواره پیشتاز بودند، اما رسول خدا صلی الله علیه و آله دیگران را بر خود و وابستگان خود ترجیح می‌داد و از این رو به علی علیه السلام بزرگ دلاور تمامی عرصه‌های نبرد و خانواده‌اش چیزی نداد.

به فاطمه علیها السلام که مادرش خدیجه علیها السلام مجاهدتهای فراوان در راه اسلام نمود و تمامی ثروت خود را در این راه نثار می‌کرد چیزی نداد. تا اینکه آیه شریفه نازل شد و پیامبر صلی الله علیه و آله فدک را به صدیقه طاهره علیها السلام بخشید وسیله معاش آنان و فقراء بنی هاشم را فراهم ساخت.

در حقیقت خدا فدک را به فاطمه علیها السلام داده است و گر نه پیامبر صلی الله علیه و آله به اهل بیت خود از «فنی» چیزی نمی‌داد.

زمینهای اعطای پیامبر صلی الله علیه و آله به اشخاص

همانگونه که ذکر شد رسول خدا صلی الله علیه و آله بین اصحاب خود و زمینهای بنی نضیر و غیره از اموال فنی را

۱. اسراء آیه ۲۶.

۲. خراج یحیی ابن آدم ص ۳۹، حدیث ۱۰۰.

تقسیم نمود و به آنان زمین داد که تعدادی از آنان عبارتند از:

- ۱- ابوبکر: بخشی از اراضی بنی نضیر بنام «بئر حجر» به او داده شد. (۱)
 - ۲- عمر: بخشی از اراضی بنی نضیر بنام «جرم» به او داده شد. (۲)
 - ۳- عبد الرّحمن ابن عوف: از اراضی بنی نضیر زمینی به نام «سواله» به او داده شد. (۳)
 - ۴- زبیر ابن عوام: از اموال بنی نضیر زمین «بویله» به او داده شد. (۴)
 - ۵- سهل بن حنیف ابودجانه: قطعه زمینی از اموال بنی نضیر به او داده شد. (۵)
 - ۶- صهیب بن سنان: از اموال بنی نضیر زمینی بنام «ضراطه» به او داده شد. (۶)
- آنگونه که مشاهده نمودید بخشش زمین اختصاص به فاطمه علیها السلام نداشت بلکه دیگر مسلمانان فاقد زمین مدتها قبل با بخشش های پیامبر صلی الله علیه و آله صاحب زمین مزروعی شده بودند.

در آمد فدک به چه مصارفی می رسید؟

- در آمد فدک سالیانه بالغ بر ۲۴۰۰۰ درهم (۷) (معادل ۱۵۵۰۰ مثقال نقره) (۸) بود صدیقه طاهره علیها السلام در آمد فدک را در راه خدا خرج می کرد، به بینوایان می داد بر فقرا، ایتام و بنی هاشم نثار می کرد و تنها سهم اندکی از درآمد آن را مصرف زندگی خانوادگی خود می کرد.
- فاطمه علیها السلام ثروت اندوز و رفاه طلب نبود که به هنگام دسترس به ثروتی کلان در تلاش برای افزودن

۱. المغازی ج ۱، ص ۳۷۹، - فتوح البلدان، ص ۲۷، - طبقات ج ۳، ص ۴۱۰.
۲. المغازی، ج ۱، ص ۳۷۹، - طبقات کبری ج ۳، ص ۴۱، - سیره حلییه ج ۳، ص ۲۸۴.
۳. فتوح البلدان، ص ۳۱، - المغازی ج ۱، ص ۳۷۹، - وفاء الوفا ج ۴، ص ۱۲۹۶.
۴. المغازی، ج ۱، ص ۳۸۰، - فتوح البلدان، ص ۳۱، - مسند احمد خیل ج ۶، ص ۳۴۷.
۵. المغازی، ج ۱، ص ۳۷۹، فتوح البلدان ص ۳۰ و ۲۸، - حراج یحیی بن آدم ص ۳۲.
۶. المغازی ج ۱، ص ۳۷۹، تاریخ الخمیس ج ۱، ص ۴۶۳.
۷. سفینه البحار ج ۲، ص ۳۵۱.
۸. بر اساس نظریه مرحوم سردار کابلی در میزان درهم (۱۵/۵ نخود) است.

به آن باشد و به فکر تجملات بیفتند. او مال بی ارزش و فناپذیر دنیا را با انفاق در راه خدا ارزشمند و جاودانه می ساخت. و به هنگام دسترس به درآمد انبوه بگونه ای زندگی می کرد که به روزگار فقر و تهیدستی. خانه همان اطاق گلین بود و اثاث خانه اش همان وسائل ساده.

فاطمه علیها السلام همواره زندگی ساده ای داشت. (ای کاش مردان و زنان جامعه اسلامی امروز از آن بانو پیروی می کردند.)

فدک بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله

بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و پس از ماجرای سقیفه به فاصله چند روزه فرمان مصادره فدک صادر شد به دستور هیئت حاکمه، وکلا و کارگزاران فاطمه علیها السلام را از فدک بیرون کردند و افراد دیگری به جای شان منصوب شدند. (۱)

ابن ابی الحدید می نویسد: فاطمه زهرا علیها السلام ده روز بعد از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله برای اعتراض به مصادره فدک نزد خلیفه حضور یافت. (۲)

با توجه اینکه تاریخ وفات و رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله بر حسب اختلاف روایات ۲۸ صفر سال یازدهم مطابق ۷ خرداد ماه و ۱۲ ربیع الاول مصادف ۲۰ خرداد ماه یازدهم اتفاق افتاد. مصادره فدک در حدود ۱۷ و یا ۳۰ خرداد ماه انجام گرفته که فصل برداشت محصولات کشاورزی و خدمات فدک نزدیک بود. و احتمالاً این اقدام سریع به منظور محرومیت اهلبیت از درآمد فدک که پشتوانه اقتصادی مناسبی در آن شرایط خاصی بود صورت گرفته است.

سالها بعد از این واقعه علی علیه السلام در شکایت از وقایع آن روزها چنین می نگارد:

«بلی کانت فی آیدینا فدک من کل ما أظللت السماء و فسخت علیها نفوس قوم، و سخت عنها

۱. تفسیر نور الثقلین ج ۴، ص ۲۷۲.

۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۱۶، ص ۲۹۳.

نُفوس قومٍ و آخِرینَ وَ نَعِمَ الحَکَمُ اللهُ» (۱)

یعنی: «از همه آنچه آسمان سایه بر آن گسترده بود تنها فدک در دست ما بود که گروهی بر آن حرص ورزیدن و گروهی آن را رها ساختند و خدا نکو داوری است.

به نوشته بلاذری - متوفای ۲۷۶ - فاطمه علیها السلام برای بازگرداندن فدک نزد ابوبکر رفت و با او به گفتگو پرداخت او به ابوبکر گفت: «رسول خدا صلی الله علیه و آله فدک را در زمان حیاتش به من عطا نموده و سپس آن را به من بازگردان» علی علیه السلام نیز به راستی گفتار فاطمه علیها السلام شهادت داد ولی ابوبکر نپذیرفت و شاهدهی دیگر خواست «ام ایمن» خدمتکار پیامبر صلی الله علیه و آله نیز به شهادت برخاست ولی خلیفه پناسخ داد که: دختر پیامبر صلی الله علیه و آله شهادت جز با دو مرد و یا یک مرد و دوزن روانیست و ادعای فاطمه علیها السلام را رد کرد. (۲)

موارد اختلاف

لازم به تذکر است که موارد اختلاف حضرت زهرا علیها السلام با هیئت حاکمه تنهابر سر فدک خلاصه نمی شد. بلکه موارد نزاع عبارت بودند از:

- ۱ - خله یا بخشش پیامبر صلی الله علیه و آله به صدیقه طاهره علیها السلام که همانا فدک و سهم غلات خیر بود:
- ۲ - میراث رسول خدا صلی الله علیه و آله که شامل اموال بجای مانده نظیر، خانه، اثاث خانه، اسب و شتر و شمشیر رسول خدا صلی الله علیه و آله و مزارع شخصی پیامبر صلی الله علیه و آله که درآمد آن به مصرف زندگی آن حضرت و مهمانانش می رسید. (۳)
- ۳ - خمس که سهم ذوی القربا بود.

۱. نهج البلاغه نامه علی ۷ به عثمان بن حنیف شماره ۴۵. نهج البلاغه فیض الاسلام ص ۹۶۷.

۲. فتوح البلدان ص ۴۴.

۳. ر. ک: صحیح بخاری، ج ۳، ص ۲۱۷، سنن ابی داود ج ۳، ص ۱۴۱، خراج یحیی بن آدم ص ۳۴، مسند ابی عوانه، ج

۴، ص ۱۴۲، مغنی ابن قدامه ج ۷، ص ۳۰۳ به نقل از مالکیت در اسلام ص ۱۱۶، ۱۱۷.

۴- تصدّی اوقاف رسول خدا صلی الله علیه و آله که پس از وفات و رحلت آن حضرت به عهده فاطمه زهرا علیها السلام بود. (۱)

باردیگر حضرت فاطمه علیها السلام نزد ابوبکر رفت و فرمود: وقتی تو ای ابابکر بمیری چه کسی از توارث

خواهد برد؟ ابوبکر پاسخ داد: زنان و فرزندانم!

فاطمه علیها السلام: پس چه شده که اکنون تو وارث پیامبر صلی الله علیه و آله گشته‌ای و ما وارث او نیستیم!

ابوبکر: دختر پیامبر صلی الله علیه و آله: به خدا پدرت طلا و نقره و چیزهای دیگر بجای نگذاشت.

فاطمه علیها السلام: پس سهم ما از خیر و صدقات ما از فدک چه؟

ابابکر: ای دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود من تازنده هستم در اینها

تصرف می‌کنم وقتی از دنیا رفتم به همه مردم تعلق خواهد داشت. (۲)

ابن الی الحدید می‌نویسد: استادم ابی جعفر یحیی بن زید البصری رحمة الله گفت: چرا آنان

مقتضای تکریم و احسان را نسبت به فاطمه علیها السلام به جا نیاورند و بر فرض که فدک مال فاطمه علیها السلام نبود

وارث هم نمی‌برد آن را به وی مسترد می‌کردن با اینکه او منزلتی والا نزد پیامبر صلی الله علیه و آله داشت و سرور

زنان دو عالم است: به استادم گفتم به موجب خبری که ابوبکر آن را روایت کرده فدک متعلق به همه

مسلمانان است و بر آنان جایز نبود چنین کنند.

استاد پاسخ داد: من نگفتم که آنان به زور از مسلمانان بگیرند و به فاطمه علیها السلام بدهند بلکه

می‌توانستند موضوع را با مسلمانان در میان نهند و مسلمانان نیز (بر فرض که حقی داشتند) با اشتیاق

به این واگذاری راضی بودند. (۳)

یک نکته. نکته ظریفی در اینجا وجود دارد، هیئت حاکمه با این ادعا که فدک جزء اموال «فی»

است و به همه مسلمانان تعلق دارد آن را از دست صدیقۀ طاهره علیها السلام خارج ساخت.

۱. ر.ک: مالکیت در اسلام ص ۱۱۴. ۲. فتوح البلدان ص ۴۴، ۴۵.

۳. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۱۴، ص ۱۹۰.

اما در مورد زمینهای دیگر از جمله زمینهای که رسول خدا ﷺ در زمان حیاتش به همین اشخاص داده و همه از اراضی «فی» بود این اصل جاری نشد و آن املاک به بیت المال ضمیمه نگردید؟! و نیز پس از پیامبر ﷺ اعلام شد که هر کس ادعای چیزی از پیامبر ﷺ دارد بیاید و بگوید و بگیرد و رفتند و گرفتند فقط این برنامه در حق حضرت زهرا ﷺ اجراء نشد.

دلایل سه گانه بر حقانیت فاطمه ﷺ نسبت به «فدک»

واقعیت این است که با تعمق در انبوه اسناد و مدارک خدشه ناپذیر روشن می شود که فدک به دلایلی از آن فاطمه ﷺ بود و مصادره آن کار غاصبانه و زورمدارانه و به انگیزه سیاسی بوده است.

۱- اصل «ید» یا در اختیار داشتن

اولین دلیل بر این حقیقت که «فدک» از آن فاطمه ﷺ بوده است در حیات پیامبر ﷺ «فدک» در دست او بود و آن حضرت هر گونه که صلاح می دید در آن تصرف می کرد و بر آن وکیل و نماینده و کاگزار می گماشت. از این رو خارج ساختن آن از دست مالک و صاحب آن بدون دلیل و مدرک و بیئنه محکم و قانع کننده کاری ناروا است عادلانه و درست نیست.

زیرا پیامبر ﷺ فرمود: «الْبَيْتَةُ عَلَى الْمُدْعَى، وَالْيَمِينُ عَلَى مَنْ أَنْكَرَ»

اقامه دلیل و برهان بر عهده ادعا کننده است و کسی که بر ضد او ادعای صورت می گیرد، در صورت انکار سوگند یاد کند که ادعا بی اساس است.

با این بیان، بر اساس واقعیت روشن فدک در اختیار فاطمه ﷺ و در تصرف او بود، و این نشانگر مالکیت اوست. و دستگاه مصادره کننده می بایست با دلیل و برهان ادعای خویش را اثبات نماید نه اینکه از آن حضرت بیئنه بخواهد.

۲- هدیه و بخشش پیامبر صلی الله علیه و آله

راه دیگر بر حقانیت زهرا علیها السلام و مالکیت او این بوده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فدک را به عنوان فدیة به «فاطمه» بخشید و آن حضرت از راه هدیه یا بخشش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله که به دستور خدا و آیه (و آتِ ذالقرنی حقّه) ^(۱) مالک فدک شده و دست درازی دیگران به آن یا هر دست آویزی دیگری، کاری ظالمانه و غاصبانه است.

۳- از راه ارث

و سومین راه بر حقانیت آن حضرت این است که «فدک» به صراحت قرآن، حق ویژه و بهره اختصاص پیامبر است و روشن است که «فاطمه» علیها السلام دخت یگانه او و وارث آن حضرت است و بطور طبیعی آن را به ارث می برد. اما گروه حاکم با هر دلیل و راه مسلم و درستی مخالفت ورزیدند و آنگاه بر خلاف آئینی دادرسی اسلام از فاطمه علیها السلام خواستند تا گواه بیاورد و اصل قطعی و روشن «ارث» را بدین صورت انکار نمودند که از پیامبر صلی الله علیه و آله نمی توان ارث برد. و آنان (پیامبران) چیزی به ارث نمی گذارند، فاطمه علیها السلام با این دلائل سه گانه که از نظر گذشت گام به میدان حق طلبانه نهاد و حقوق خویش را مطالبه نمود. این نکته را «حلبی» در سیره خویش به صراحت ترسیم کرده است که «فاطمه» علیها السلام پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و مصادره «فدک» از سوی حکومت، نزد «ابوبکر» رفت و فرمود:

«إِنَّ فِدْكَ نِحْلَةٌ أَبِي، إِعْطَانِيهَا حَالٌ حَيَاتِي».

«فدک» بی تردید هدیه پدر من می باشد و آن را در زمان حیات خودش به من بخشیده است. ابابکر گفت: ارید بذالک شهوداً... من از تو در این ارتباط شاهد می خواهم علی علیه السلام و «ام ایمن» بر حقانیت فاطمه علیها السلام گواهی داد. «ام ایمن» گفت: اینک من گواهی می دهم که خدای جهان آفرین به پیامبر صلی الله علیه و آله وحی فرمود که: فَاَتِ ذَالْقَرْبَى حَقَّهُ... و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در انجام فرمان خدا فاطمه علیها السلام را خواست و «فدک» را به دستور خدا به او بخشید. پس از آن امیرالمؤمنان نیز نزد «ابوبکر» آمد و

همینگونه گواهی داد.

از این رو ابوبکر بناگزییر نامه نوشت و بالغو حکم مصادره «فدک» را به فاطمه علیها السلام بازگردانید و نامه را به آن حضرت داد.

هنوز «فاطمه» علیها السلام از نزد ابوبکر نرفته بود که «عمر» وارد شد و بادیدن نامه از «ابوبکر» سؤال نمود چه نوشته‌ای؟ «ابوبکر» پاسخ داد: «فاطمه» بر این مطلب پافشاری می‌کند که «فدک» از آن اوست و پیامبر آن را به دستور خدا به او داده و بخشیده است.

«علی» و «امّ ایمن» نیز برخاسته‌ای او گواهی داده‌اند و من بناگزییر نامه‌ای در حقیقت موضوع او نوشته و به او داده‌ام. «عمر» گام پیش نهاد و نامه را برگرفت و در برابر دیده‌گان همه نامه‌ای «ابوبکر» را پاره کرد. (۱)

«ابابکر» چیزی به او نگفت و دخت فرزانه پیامبر صلی الله علیه و آله با حالت گریه از آنجا خارج شد.

فدک در زمان بنی امیه و بنی عباس

از آن تاریخ به بعد بر «فدک» ماجراها گذشت. زمانی جزء اموال مروان بن حکم و در اختیار او در آمد (۲) و تا زمان خلافت عمر بن عبدالعزیز - سال ۹۹ هجری - در دست بنی امیه و بنی مروان بود.

هنگامی که عمر ابن عبدالعزیز به خلافت رسید گفت: «فدک» از آن پیامبر صلی الله علیه و آله بود. از آن انفاق می‌کرد بقدر نیاز از آن مصرف می‌کرد و باقی مانده را به فقرای بنی هاشم می‌داد و هزینه ازدواج آنان را تأمین می‌نمود. پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام از «ابوبکر» خواست که «فدک» را مصادره نموده به او بازگرداند ولی نپذیرفت. و در آمد فدک را به مصرف می‌رساند.

عمر نیز چون (ابوبکر) رفتار می‌کرد. آگاه باشید من آن را به آنکس که حق اوست باز می‌گردانم. به

امیرالمؤمنین (مأمون) لازم دید «فدک» را به فرزندان فاطمه علیها السلام بازگرداند و تسلیم کند تا بدینوسیله به خدای تعالی بواسطه اجرای عدالت و اقامه حق و به پیامبرش به خاطر تنفیذ فرمان او و اجرای صدقاتش تقرب جوید. (۱)

از آن زمان «فدک» در دست بنی هاشم بود تا زمان معتصم - سال ۲۱۸ هجری - و او «فدک» را غصب کرد و تا زمان واثق - سال ۲۲۷ هجری - فدک در دست بنی عباس بود و واثق فدک را بازگرداند، با خلافت متوکل عباس - سال ۳۳۲ هجری بار دیگر اوضاع دگرگون شد.

او فدک را به یکی از سرسپردگان دربارش بنام «عبدالله بن عمر بازیار» بخشید. در آن زمان هنوز در فدک یازده نخل خرما بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله با دست خویش آن درختان را کاشته بود. فرزندان فاطمه علیها السلام خرماهای آن را می چیدند و از آن خرماهای متبرک به حجاج هدیه می دادند و از راه مکه مال فراوانی نصیب آنان می شد. «عبدالله بن عمر بازیار» به شخصی بنام «بهران بن ابی امیه ثقفی» مأموریت داد تا آن درختها را قطع کند او نیز پس از انجام مأموریت به بصره بازگشت و در آنجا فلج شد. (۲)

(آری این واقعیت است روشن. در هر جامعه‌ای که خود کامگی و استبدادی بر آن حاکم گردید منطق و برهان در قلمرو آن. کار ساز نیست این فاطمه علیها السلام می دانست. اما او هدف داشت که به آن هدف جامعه عمل پوشید. دخت پیامبر صلی الله علیه و آله بر این هدف بود که موضع بر حق و مظلومیت خویش را در برابر پیدادگری گروه حاکم در دادگاه تاریخ به ثبت رساند و از هدفهای شوم و عملکرد ظالمانه آنان پرده بردارد.)

راز مطالبه فدک

راستی راز این همه پافشاری و پیگیری در مسئله «فدک» و مطالبه آن و بهادادن آن حضرت به

۱. فتوح البلدان ص ۴۶، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۲۱۷.

۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۱۶، ص ۲۱۷.

بازگرداندن آن زمین و نخلستان با آن بلندی روح و شکوه معنوی و مقام والای انسانی که حضرت فاطمه علیها السلام دارد چه بود؟ او که نسبت به ارزشهای مادی و زرق و برق دنیا هرگز دلبستگی نداشت و از جلوهای فریبنده و زودگذر آن برحذر بود!

چه انگیزه‌های فاطمه علیها السلام را بر آن داشت که به این درد رنج و مشکلات طاقت فرسا تن دردهد؟ و راستی راز این حرکت عظیم و تاریخی و شگرف فاطمه علیها السلام چیست؟

پاسخ‌ها

۱- اولین پاسخ این است که هدف واقعی گروه حاکم از مصادره دارای دخت فرزانه پیامبر صلی الله علیه و آله و منظور آن داشتن بودجه در گروه حاکم این بود که بدینوسیله خاندان وحی و رسالت را از نظر اقتصادی حالت شکننده و از امکانات زندگی دچار ضعف و ناتوانی گردد. بر این پندار بود که امیرمؤمنان را از نظر اقتصاد دچار فقر و تهیدستی سازد تا مردم بر گرد او که دارای ارزش والای معنوی و الهی بود، حلقه نزنند با کنار هم قرار گرفتن ارزشهای معنوی و مادی دیگر امکان قدرت مداری برای آنان نبود.

این شیوه گروه حاکم در برابر امیرمؤمنان درست همان شیوه و سیاستی بود که مخالفان عصر رسالت در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله می گرفتند و می گفتند: «هم الذین یقولون لا تنفقوا علی من عند رسول الله حتی ینفصوا...»^(۱) «به کسانی که کناری پیام گرد آمده‌اند چیزی هزینه نکنید تا از گرد او پراکنده شوند»
 ۲- بعلاوه محصول سالانه زمینهای «فدک» اندک و ناچیز نبود که قبلاً به آن اشاره گردید. این یک قلم قابل توجهی است که «ابن ابی الحدید» بر این اندیشه است که درختان خرمای آن بسان

نخلستانهای کوفه در عصر او بوده است.

مطالبه «فدک» از طرف فاطمه علیها السلام در ضمن مطالبه این حق مصادره شده خویش، در حقیقت در اندیشه مطالبه حقوق اساسی الهی امیرمؤمنان و در پی دفاع از پیشوای راستین بود همان حکومت عادلانه و جهان شمولی که از جانب خدا به پدرش ارزانی شده بود و از سوی او به فرمان خدا به نام امیر فضیلت علی علیه السلام رقم خورده بود. در این مورد ابن ابی الحدید در «شرح نهج البلاغه» خویش می‌نویسد: من از استاد مدرسه «غریبه» بغداد «علی بن قرقی» پرسیدم که: استاد! آیا فاطمه علیها السلام در مطالبه «فدک» راستگو بود؟ پاسخ داد: آری راست می‌گفت پرسیدم: چرا «ابوبکر» با اینکه دخت پیامبر صلی الله علیه و آله راستگو بود و به حق و عدالت حقوق خویش را مطالبه می‌کرد. «فدک» را به او باز نگردانید؟

استاد با اینکه دانشمندی با وقار بود خنده پرمعنایی کرد و گفت: اگر «ابوبکر» آنروز حق مصادره شده فاطمه علیها السلام را باز می‌گردانید بی تردید فردای آنروز می‌آمد و با صداقت و راستی در پرتو آیات و روایات خلافت و حکومت را که از علی علیه السلام بود و با فشار و بازیهای سیاسی و زور گرفته بود آن را می‌خواست و «ابوبکر» ناگزیر از پذیرش سخن فاطمه علیها السلام از قدرت کناره‌گیری می‌کرد.

دلیل دیگر بر بازپس گرفتن حق خویش این بود که: حق را باید خواست و روشن است که حق جوی و حق طلبی. مطالبه حقوق با زهد و پارسائی واقعی و مورد نظر قرآن و عترت ناسازگار نیست.

چرا که سکوت در برابر غصب حقوق، زینده نیست و ظالم پروری است.

راز دیگر از حق طلبی آن در بازکردن «فدک» و حق غصب شده‌اش این بود که: خرد و فرزاندگی بر این است که واقعیّت رهنمون است باید انسان حقوق غصب شده خویش را از غاصب بخواهد این حق طلبی سرانجام از این دو پیامد را خواهد داشت.

الف) یا انسان در پی‌گیری حقوق خویش به پیروزی ظاهری دست می‌یابد و به حق خویش می‌رسد.

ب) و یا در پیکار عادلانه و حق طلبانه خویش به ظاهر پیروز نشده و به حق خود نمی‌رسد اما

مؤفق می شود مظلومیت خود را آشکار ساخته و ندای حق طلبانه و ستم ستیز خویش را بگوش جهان معاصر و عصرها و نسلها آینده برساند.

اینها دلایلی بود که دخت پیامبر صلی الله علیه و آله بسوی مطالبه حقوق پایمال شده خویش از جمله «فدک» به مبارزه مسالمت آمیز و حق طلبانه خویش در برابر خودکامگی و حق کشی ادامه دهد. یادآوری می گردد که در این مورد انگیزه های دیگری نیز می تواند باشد که در این مختصر قابل ذکر نیست.

تدابیر شایسته دیگر

آری بر این اساس بود که دخت گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله بپا خاست و به منظور مطالبه حق خویش به مسجد پدرش روی آورد. آن بانوی تاریخ ساز در این مرحله برای گفتگو و مناظره سرنوشت ساز با «ابوبکر» به خانه او نرفت تا چنین وانمود کنند که گفت و شنودی میان او و رئیس حکومت رخ داده است.

۱- در آغاز کار، مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله را که آن روز مناسب ترین نقطه برای یک حرکت حق طلبانه و مرکز بزرگ اسلامی و جایگاه گرد آمدن مسلمانان بوده برگزید.

۲- و نیز همانگونه که بهترین مکان را برگزیده بود از نظر زمان برای حضور در مسجد نیز مناسب ترین زمان را انتخاب کرده زمانی که مسجد پیامبر آکنده از توده های مردم بود و مهاجر و انصار حضور داشتند.

۳- بانوی فرزانه اسلام به تنهایی بسوی مسجد حرکت نکرد بلکه تدبیری اندیشیده شد که گروهی از بانوان آگاه و برجسته به همراه او حرکت کردند و در حله اول آنان با شکوه و عظمت وصف ناپذیری که نشان از یک حرکت دست جمعی بانوان داشت به سوی مسجد روانه گشت.

۴- و پیش از ورود به مسجد نقطه ای مناسب برای استقرار پاره تن پیامبر صلی الله علیه و آله و محبوب قلب او در

نظر گرفته شد و پرده‌ای بدانجا نصب گردید تا آن حضرت که افتخار بانوان گیتی و سالار زنان آگاه و شایسته است که خود را از دید نامحرمان محفوظ می‌دارند در آنجا بنشینند و این تدابیر در مرحله دیگر از مبارزه روشنگرانه و حق طلبانه تدابیر مهم و دقیقی بود.

دانشمندترین بانوی جهان

«ابوبکر» بناگزر خود را برای شنیدن سخنان روشنگرانه سالار بانوان، دخت فرزانه فصیح‌ترین مرد تاریخ و دانشمندترین زن جهان هستی آماده ساخت. فاطمه علیها السلام سخنرانی یا خطبه منظم و دقیق و عمیق خود را که از هر گونه تزلزل و ناهماهنگی در گفتار، و از هر گونه مغالطه و بذله‌گویی و نارسائی بدور و از آنچه با شخصیت پرشکوه و بلند مرتبه و بی‌مانندش سازگار نباشد به دور بود آغاز و با مهارت و توانمندی بی‌همانندی آن را به پایان رسانید. سخنان جاویدانه‌ای او در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله و در برابر انبوه ائمت و سران حکومت ایراد فرمود که برآستی معجزه جاودانه آن حضرت می‌باشد و نشان از بعد فرهنگی و معنوی و عقیدتی وصف ناپذیری است که فاطمه علیها السلام از آن برخوردار بود. فصاحت و بلاغت، حلاوت بیان و دلنشینی منطق و توأمندی استدلال و متانت دلیل، ترتیب و تنظیم سخن و بکارگیری انواع استعاره‌ها و کنایه‌ها، فشار بر هدف و گوناگونی بحث‌ها و موضوعات، در سراسر سخنان شورانگیز و زیبایی فاطمه علیها السلام حقایقی است که قلم هر محقق و نویسنده از وصف کامل آن ناتوان است.

حضرت فاطمه علیها السلام به سلاح دلیل روشن و برهان برنده و پرتوان و قانع‌کننده‌ای مسلح بود و مردم مسلمان نیز در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله گرد آمدند.

و همه در انتظار شنیدن سخنان او بودند. فریاد دادخواهی فاطمه علیها السلام در جایگاهی که در پشت پرده برایش آماده شده بود قرار گرفت و گویی پس از رحلت غمبار پدر گرانمایه‌اش این نخستین بار بود که

به مسجد آمده بود.

از این رو جای شگفت نداشت که امواج غم و اندوه کران تا کران قلب او را فراگیرد و به یاد بابا او ناله جانسوز سر دهد.

مفهوم و معنای این ناله جانگاہ چه بود و چرا موجی از اشک و آه پدید آورد و مردم را بگریه انداخت.

آیا به راستی یک ناله جانسوز می تواند چشمها را گریان و سیلاب اشکهارا از دیدگان جاری و دلها را بسوزاند؟ جواب آن سؤال به عهده خواننده ای عزیز که با روشن دلیلی خود بیان کند فاطمه علیها السلام اگر به مسجد نمی رفت و خاموش می ماند شاید مردم حقیقت را در نمی یافتند و تاریخ واقعه را فراموش می کرد. مگر دخترش زینب علیها السلام نبود که تاریخ عاشورا و حماسه مظلومانه شهداء کربلا را با سخنرانیهای آتشین خویش جاویدان ساخت؟

سخنرانی حضرت فاطمه علیها السلام را هم پدر و پسر تاریخ به سینه سپرد تا برای نسلهای بعدی باز گوید. سخنرانی اعجاز گونه و شورانگیز حماسی «عرفانی» و تاریخی، فاطمه علیها السلام در قدیمترین کتب و اسناد اهل سنت ضبط شده است.

راویان و منابع این سند جاویدانه از اهل سنت

- ۱- «امام ابوالفضل احمد بن ابی طاهر» معروف به «ابن طیفور» از علمای اهل سنت متولد ۲۰۴ و متوفای ۲۸۰ هجری این خطبه را در کتاب «بلاغت النساء» نقل کرده است.^(۱)
- ۲- «ابوبکر احمد بن عبدالعزیز جوهری» - متوفی ۳۲۳ هجری در کتابش «سقیفه و فدک» از خطبه فاطمه علیها السلام یاد کرده است او یکی از علماء اهل سنت است و ابن ابی الحدید درباره او چنین می گوید: «ابوبکر جوهری محدث ماهر ادیب پرهیزگار و مورد وثوق است بطوری که همه محدثان اهل

۱. بلاغت النساء ص ۱۲ - ۱۹.

سنت او را به نیکی ستوده‌اند و از او روایت کرده‌اند»^(۱) و جوهری در کتاب خویش چهار طریق آورده است.

الف: طبق اسناد خویش از امام صادق علیه السلام.

ب: از امام باقر علیه السلام به استاد خویش.

ج: به اسناد خویش از «عبدالله ابن حسن بن حسن علیه السلام»

د: در گروهی مردان شایسته و آگاه همان وحی و رسالت که از دخت ارجمند فاطمه علیها السلام «زینب» روایت کرده‌اند.

۳- سید مرتضی در کتاب خویش «الشافی»^(۲) این خطبه را طبق اسناد خویش از عروه به نقل از «عایشه» آورده است. و منابع دیگری هم وجود دارد که البته از ذکر آن صرف نظر می‌شود با این بیان یکی از امور قطعی نزد مورخان و محدثان این است که خطبه آگاهی بخش از فاطمه علیها السلام است و در این مورد تردیدی نیست. فصاحت، بلاغت، جذابیت و نکات مهمی که این خطبه در بردارد، برخی از تیره دلان را واداشته است تا در مورد صحت انتساب خطبه به فاطمه الزهرا علیها السلام شبهه ایجاد کنند و آن را ساخته «ابی العینا» شمارند.

احمد بن ابی طاهر گوید: به ابی الحسن زید بن علی بن حسین بن علی بن ابیطالب گفتم:^(۳) برخی می‌پندارند این خطبه، با چنین سجع و زیبایی ساخته «ابی العینا» است. پاسخ داد و گفت: پیرمردان ابوطالب را دیدم که این خطبه را از پدران خود روایت می‌کردند و به فرزندان خود تعلیم می‌دادند. و من این خطبه را از پدرم علی ابن الحسین علیه السلام به ترتیب از فاطمه الزهرا علیها السلام نقل می‌کنم بزرگان شیعه سالها

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید دوره ۲۰ جلدی ج ۱۶، ص ۲۱۱.

۲. الشافی ص ۲۳۱.

۳. در کتاب الشافی این گفتگو را از نوه زید شهید یعنی زید بن علی بن حسین بن زید علوی نقل کرده است و صحیح نیز همین کلام سید مرتضی است زهرا حضرت زید بن علی در سال ۱۲۲ هجری قمری شهید شده و مسلماً ابی طاهر با او گفتگو نداشته است و این احتمالاً اشتباهی است که از نساخان سرزده است.

پیش از آنکه جد «ابی العیناء» متولد شود آن را روایت کرده و به یکدیگر درس می دادند.

واعجباً! آن کوردلان چگونه خطبه آتشین و جانسوز حضرت زهرا علیها السلام را انکار و نسبت آن را

بدیگران می دهند؟

نکات اساسی و مطالب این خطبه جاودانه

سالار بانوان - حضرت فاطمه علیها السلام در سخنرانی آگاهی بخش و پرشور خویش از آغاز تا انجام، سبک جالب و شیوه وصف ناپذیری را انتخاب نمود و تنها به مطالبه حقوق غصب شده خویش بسنده نکرد بلکه از فرصت بدست آمده بهره گرفت تا چشمه ساران معارف الهی را برای مردم مسلمان جاری سازد و زیباییها و برجستگیهای این آیین جاویدانه آسمانی را برای آنان آشکار و فلسفه قوانین و مقررات آن را بیان کند.

و آنگاه جو مسجد و وقعت را برای بیان مطلوب و سخنان سرنوشت سازی که در نظر داشت آماده سازد. نکات اساسی و فزاینده سخنرانی جاویدانه حضرت فاطمه علیها السلام را در موضوعات چندی می توان شمرد. ۱ - ستایش خدا ۲ - اصل توحید ۳ - نبوت و رسالت ۴ - ترسیم دورنمای از جاهلیت ۵ - تلاشهای سازنده و برنامه های انسان ساز از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ۶ - سخن با حاضران ۷ - سخنی از شکوه و ویژگیهای قرآن ۸ - بیان فلسفه قوانین و مقررات اسلام ۹ - نگرشی به رویدادهای دوران رسالت ۱۰ - ترسیم موقعیت امام علی علیه السلام در رویدادهای عصر رسالت ۱۱ - بیان دگرگونی نامطلوب در سیستم سیاسی و کودتا بر ضد خاندان وحی و رسالت ۱۲ - تنها گذاشتن خاندان رسالت در برابر تجاوزکاران و دست کشیدن از یاری حق و عدالت.

۱۳ - طرح مسئله ارث از دیدگاه قرآن و سنت و سؤال از رئیس دولت حاکم

۱۴ - باران دلیل و برهان بر حقانیت خویش و تجاوز کاری طرف مقابل

- ۱۵ - سرزنش و نکوهش گروه «انصار»
- ۱۶ - تحلیل پاسخ رئیس دولت حاکم و غاصب
- ۱۷ - پاسخگویی شایسته علمی و دینی با بافته‌های غلط انداز رئیس حکومت
- ۱۸ - معنویت‌طلبی رئیس دولت حاکم
- ۱۹ - روی سخن با حضار
- ۲۰ - شکایت به پیامبر خدا ﷺ

اینک شرحی کوتاه بر خطبه تاریخی و جاودانه فاطمه علیها السلام

خدا را بر نعمت‌های فراوانش ستایش نموده و بر آنچه الهام فرمود سپاس می‌گذارم و بر مواهبی که پیشاپیش ارزانی داشت می‌ستایم.

بر نعمتهای جهان شمولی که آفرینش آنها را آغاز نمود و بر موهبت‌های گسترده‌ای که به ما عنایت کرد و نعمت‌های گرانی که پی در پی بر ما ارزانی داشت. نعمتهای که شمارش آنها از شمار فراتر و مرزهای آن از هر مزد و پاداش پرشکوه‌تر و افزون‌تر و آغاز انجام آنها از قلمرو و درک و دریافت ما فراتر است.

بر او که بندگان را سیاسی از نعمت‌ها فراخواند تا با سیاسی آنها باز هم بر نعمت‌هایش بطور بی‌دوام بیفزاید و با گستردن خوان نعمت بی‌کران خویش، ستایش بندگان را متوجه خویش ساخته و با فراخوان بسوی این نعمت‌ها آنها را دو چندان گردانید.

و گواهی می‌دهم که جز خدای یکتا، خدایی نیست و همتا و همانند و شریکی ندارد. سخنی است که روح آن را اخلاص قرار داد و دل‌های شیفتگان به حق را به آن گره زد و مفهوم و آثار آن را در اندیشه‌ها پرتو افکن ساخت. خدای که دیدنش با چشم‌ها نشاید و یا این زبان و بیان وصف او همگی و درک ذات پاکش برای خردها، میسر نیست. پدیده‌های هستی را بی آنکه پیش از آنها چیزی باشد پدید

آورد و بی آنکه الگو و مثال و نمونه و قالبی باشد آنها را ابداع و ایجاد فرمود.

آنها را در پرتو قدرت و صف ناپذیری و اراده خویش آفریده بی آنکه به آفرینش آنها نیازی داشته باشد یا سودی از صورت بندی آنها به او باز گردد. جز اینکه می خواست حکمت خویش را از این راه آشکار سازد و مردم را به فرمانبرداری از خود هشیار گرداند. قدرت بی کرائش را از این راه به نمایش نهد و مردم را به بندگی و پرستش خویش رهنمون گرداند و دعوت نجات بخش پیام آورانش را عزت و قدرت بخشد.

آنگاه برای فرمانبرداری از خویش، پاداشی با شکوه مقرر کرده و برای نافرمانی و عصیان در برابر خود، کیفری سهمگین قرار داد. تا بندگان را بدینوسیله از خشم و انتقام خود رهایی بخشد و بسوی بهشت پر طراوت و نعمت های بی شماری سوق دهد.

و گواهی می دهد که پدرم محمد صلی الله علیه و آله بنده برگزیده و فرستاده اوست پیش از آنکه او را برای نجات و هدایت مردم بفرستد برگزید، و پیش از آنکه او را بیافریند برای این مقام والا نامرد ساخت. و پیش از آنکه او را برانگیزد به پیامبریش برگزید. در آن هنگام که بندگان در جهان غیبت پنهان و در پشت پرده های هراس آور نیستی پوشیده و به آخرین مرحله نیستی نزدیک بودند.

این بدان خاطر صورت گرفت که خداوند از آینده و فرجام کارها آگاه بود و به حوادث روزگار احاطه داشت و مقدرات را به خوبی می شناخت. او را به پیامبریش برانگیخت تا فرمانش را کامل سازد و حکم خویش را اجراء و مقدرات خود را نفوذ بخشد.

پیامبرش پس از برانگیخته شدن امت ها را دید که آیین های پراکنده ای برگزیده اند. گروهی در برابر آتش، گرنش و تعظیم می کنند و دسته ای بتهایی را که خود تراشیده اند می پرستیدند و با اینکه آفریدگار خویش را در پرتو فطرت خدا گرایانه خویش شناخته اند به ناروا او را انکار می کنند. خدای پر مهر در پرتو نور افشانیهای محمد صلی الله علیه و آله تاریکی ها را برچید و روشن ساخت و ابرهای تیره و تار را از برابر

اندیشه‌ها و دیدگان زدود.

او به منظور هدایت بشریت بپا خاست و آنان را از گمراهی‌های رخساید و دیدگانش را بینا ساخت و به آیینی استوار رهنمون فرمود و به راه راست فرا خواند. سپس خدای پر مهر روح تابناک پیامبرش را با نهایت مهر و محبت و از سر رغبت و رأفت بسوی خود برد. آری محمد ﷺ از رنج این جهان آسود و اینک در میان فرشتگان و خوشنودی پروردگار آمرزنده و در جوار قرب فرمانروای پر شکوه این جهان و آن جهان قرار دارد.

درود خدا بر پدرم، آنکه پیامبر ﷺ پروردگار، امانتدار وحی برگزیده‌ی وی از میان همه، و مورد خشنودی از وجود و سلام و رحمت و بخشایش خدا و برکاتش بر او باد.

خطاب به حضار آنگاه دخت فرزانه‌ی پیامبر ﷺ رو به سوی مجلس کرد و فرمود:

هان ای بندگان خدا! شما پرچمداران امر و نهی او، حاملان دین و وحی وی، امانتداران خدا نسبت به یکدیگر و پیام‌رسانش بسوی جامعه‌ها و تمدن‌ها هستید، زمامداران حق در میان شما و نگاهدارنده پیمان خدا در دسترس همه شماست و آنچه پیامبر ﷺ پس از خویش در میان امت به امانت نهاده کتاب‌گویای خداست، و قرآن راستگو و نور آشکار و پرتو پر فروغ اوست. کتابی که بینش‌ها و دلایل آن روشن، رموز و اسرار باطنی و ظرافت‌های آن آشکار است. ظواهر آن جلوه‌گر و پیروان آن مورد غبطه جهانیانند.

کتابی که عمل‌کنندگان به مقررات خویش را به بهشت پر طراوت خدا فرا می‌خواند و شنوندگان پیامش را به ساحل نجات می‌رساند.

بوسیله آن به دلایل روشن خدا، می‌توان دست یافت و تغییر و بیان مقررات و اجبات او را آموخت و به ضد ارزشها و محرّماتی که از ارتکاب آنها هشدار داده است، دست یافت. دلایل روشن و جلوه‌گر او برهان جای کافی وی را بررسی نمود و ارزشهای اخلاقی و انسانی و آنچه مشروع و مجاز است در

آن مکتوب است. (آنگاه حضرت به بیان از فلسفه مقررات الهی پرداخت و فرمود:) هان ای مردم: خدای جهان آفرین ایمان را سبب تطهر و پاک سازی شما از آلودگیهای شرک و ارتجاع قرار داد، و نماز را وسیله پاک ساختن شما از آفت غرور و خودبینی. زکات را باعث تزکیه جان و افزون شدن روزیتان قرار داد و روزه را عاملی برای استواری اخلاص. طواف برگرد خانه خدا را وسیله تقویت دین و عدالت را مایه هماهنگی و انسجام دلها.

فرمانبرداری از ما خاندان رسالت را باعث نظام دین و دولت مقرر فرمود و امامت و پیشوای ما را به منظور در امان ماندن از پراکندگیها، جهاد را باعث شکست ناپذیری وحدت اسلام، و شکیبایی را وسیله ای برای جلب پاداش پر شکوه سرای آخرت.

امر به معروف و فراخوان بسوی ارزشها را مایه صلاح و شایستگی توده ها شناخت و نیکی به پدر و مادر را سنگر پیشگیری از خشم خدا.

پیوند با نزدیکان را وسیله افزونی شما و اقتدار جامعه، و قصاص عادلانه و انسانی را عامل حفظ جانها. وفای به نذرها را برای در معرض آمرزش قرار گرفتن، و عادلانه و درست دادن کیلها و وزنها را وسیله مبارزه با کمبودها. هشدار از میخوارگی راسبب پاکیزگی از پلیدیها، و دوری گزیدن از تهمت زدن و نسبت ناروا دادن را مانعی در برابر غلطیدن به وادی لعنت شدگان.

و نهان بودن را برای حفظ عفت و تحریم شرک را برای اخلاصی در بندگی پروردگار. اینک چنین است پیروی خدا را آنگونه که شایسته است پیشه سازید و بکوشید که جز مسلمان جهان را بدورد نگویند. خدای یکتا را در آنچه فراخوانده و هشدار داده است. فرمانبرداری کنید و راه دانشوران یکتاپرست را در پیش بگیرید. چرا که از میان بندگان خدا، تنها دانشمندان و آگاهان واقعی از او می ترسند و در برابر او احساس مسئولیت می نمایند.

سخنی با حضار

آنگاه روی سخن را با حضار کرد و فرمود:

هان ای مردم بدانید من فاطمه هستم! و پدر من محمد است! آنچه می‌گویم آغاز و فرجامش یک سخن است و در آن ناهماهنگی و ضد و نقیض نخواهد بود. نه در آنچه بر زبان می‌آورم جز سخن درست و عادلانه چیزی دیگری نخواهد بود، و نه در عملکردم و راهی که می‌پویم خطا و اشتباهی. پیامبری از میان شما بسویتان آمد که رنج‌های شما بر او گران است. به ارشاد و هدایت شما سخت عشق می‌ورزید و بر ایمان آورده گان رثوف و پر مهر بود. هر گاه نسب این پیامبر ﷺ گرانمایه را بجوئید، خواهید دید که او پدر من است، نه پدر دیگر زنان امت، او برادر عموزاده‌ام، امیر مؤمنان بود، نه برادر دیگر مردان جامعه. راستی که این نسب و تبار، چه افتخارانگیز و غرور آفرین است. آن برگزیده خدا رسالت خویش را از جانب خدا آغاز نمود و در اوج شایستگی آن را به پایان برد و مردم را به روشنی هشداد داد. از راه و رسم شرک‌گرایان روی بر تافت و بر فرق و گردن آنان شمشیر عدالت را فرود آورد و گلوهای زورمداران حق ستیز را فشرده تا از شرک و ارتجاع دست بردارند و به توحید و عدالت گردن گذارند. او همواره با زبان حکمت و اندرز نیکو دلیل و برهان سودمند، مردم را به راه خدا فرا خواند. بت‌ها را درهم نوردید و بر مغز سرکردگان ستم و شقاوت کوبید، تا اتحاد شوم آنان را گسست و فرا ایشان داد و با از هم پاشیدن سیاهی‌ها و دریدن پرده ظلمت، سپیده دم نجات و امید فرا رسید و سیمای پر جاذبه حق، آشکار گردید و پیشوای دین به سخن آمد و عربده‌های شیاطین به خاموشی گرایید، خارخس نفاق از سر راه کنار زده شد و گره‌های کفر و دشمنی گشوده شد و آنگاه شما در حال که گروهی اندک و فاقد امکانات پیش نبودید، در میان گروهی چهره و امکانات از دست داده و شکم به پشت چسبیده زبان به کلمه اخلاص گشوده و ندای یکتا پرستی سر دادید. شما در آن روزگار بر لب پرتگاه دوزخ قرار داشتید و بخاطر فقدان امکانات و اقتدار، به جرعه‌ای آب برای فردی

تشنه، یا لقمه‌ای غذا برای انسانی گرسنه و یا شعله‌ای آتش برای کسی بودید که شتابان در پی آب و غذا و آتشی می‌دوید و زیر دست و پاها لگدمال می‌شدید.

آن روزها آب نوشیدنی شما گندیده و آلوده بود، و خوراکتان برگ درختان و پوست حیوانات، خوار ذلیل بودید و مردود و مطرود، و همواره در هراس بودید که مبادا دشمنان زورمند شما بر بایند و هستی و امکانات ناچیزتان را ببلعند.

آری در آن شرایط دهشتناک بود که خدای پر مهر شما را به برکت محمد صلی الله علیه و آله و به دست توأمند و اندیشه‌تابناک او از آن همه ذلت و حقارت نجات بخشید.

او با شجاعان سخت درگیر شد و با گرگ‌های خونخوار عرب و سرکشان حق ستیز یهود و نصارا پنجه در افکند و همه را به شکست کشانید.

هرگاه آتش جنگ را بر افروختند، خدا آن را خاموش ساخت و هرگاه شاخ شیطان، نمایان شکست یا اژدهایی از شرک‌گرایان دهان گشود، پدرم برادرش امیرمؤمنان را در کام آنها افکند و آنها را بدست توأمند او سرکوب ساخت. علی هرگز از این میدان‌های شرف و افتخار باز نمی‌گشت جز اینکه سرهای دشمنان را پایمال شهادت خود می‌ساخت و آتش آتش فرزوان را به آبشار شمشیر ستم ستیزش خاموش می‌ساخت. او در تلاش و جهاد رنج‌ها را به جان می‌خرید و برای خدا، خویشتر را فرسوده می‌ساخت و در راه حق اهداف الهی با همه توان می‌کوشید. او از نظر نسب و عقیده و راه و رسم و هدف نزدیک‌ترین کس به پیامبر صلی الله علیه و آله بود و در میان دستان راستین خدا سالار همگان، او همواره دامن همت به کمر زده و برای خیرخواهی و نجات و نیک بختی جامعه در تلاش بوده، اما شماییان در آن شرایط در آسایش و راحتی کاذب خویش غوطه ور بودید و از نظرات در امان و از نعمت‌های خدا بهره می‌گرفتید.

در انتظار این بودید که چرخ روزگار گردش خویش را بر ضد ما خاندان وحی و رسالت بی‌اغازد و

گوش به زنگ اخبار ناگوار برای ما بودید. به هنگام کارزار عقب می نشستید و در سختی های پیکار، فرار را بر قرار ترجیح می دادید.

حضرت فاطمه علیها السلام حقوق پایمال شده خویش را می طلبد

تا اینجا فاطمه علیها السلام سخن جاودانه خویش را در مورد پرتوی از فلسفه احکام و مقررات اسلام و تحلیل تشریح قوانین آن را به پایان برد و آنگاه طرح هدف مورد نظر خویش که مطالبه حق مصادره شده اش و دادخواهی از هیئت حاکمه بود پرداخت.

قبل از آن روی سخن را به مردم حاضر در مسجد نمود و آنان را هدف قرار داد، چراکه آنان بودن که با رئیس دولت دست بیعت داده بودند.

فرمود: شما بناگاه آتشی فتنه ها را برافروختید و شعله های آن را دامن زدید و پر شراره تر ساختید و ندای شیطان اغواگر را پاسخ گفتید و برای خاموش ساختن انوار دین خدا، و از میان برداشتن سنت های انسان ساز پیام آورش همت گماشتید، و به بهانه گرفتن کف از روی شیره آن را تا قطره آخر خائنانه در نهان به سر کشیدید. به ظاهر سنگ دلسوزی از دین و جامعه را به سینه زدید اما در حقیقت برای دمیدن بر کوره جاه طلبی کوشیدید و برای کنار زدن خاندان وحی رسالت کمین کردید.

و ما نیز بسان کسی که تیزی شمشیر برگلو و نوک نیزه بر دل او نشسته باشد، چاره جز شکیبایی ندیدیم. و شگفت این است که شما چنین وانمود می کنید که خدای برای ما از پدرمان میراث قرار نداده و من از پدرم پیامبر صلی الله علیه و آله ارث نمی برم. آیا براستی نظام و حکومت و داوری جاهلیت را می خواهید؟ و برای گروهی که به مقررات خدا یقین می آورند، حکومت و داوری چه کسی بهتر از داوری خداست؟ آیا شما این حقایق را نمی دانید؟ چرا می دانید اینها بسان نور خورشید برای شما روشن است که من دختر پیامبرم. هان ای مردم مسلمان: آیا زبنده است که میراث پدرم به زور و فریب از من گرفته شود؟

سپس حضرت فاطمه علیها السلام خطاب به ابی بکر فرمود:

هان ای پسر ابی قحافه: آیا در قرآن شریف، آمده است که تو از پدرت میراث بری اما من نبرم؟ راستی که دروغ رسوایی آورده‌ای و بدعتی زشت در دین می‌نهی!! آیا آگاهانه کتاب پر شکوه خدا را پشت سرافکندای که می‌فرماید:

«سلیمان از پدرش داود ارث برد.» و نیز در سرگذشت زکریا، دعای او را ترسیم می‌کند که:

«پروردگارا! از جانب خویش فرزندی به من ارزانی دار که از من و خاندان یعقوب ارث برد.» و نیز می‌فرماید: خویشاوندان در ارث بردن از یکدیگر، از بیگانگان سزاوارترند.

«و خداوند در مورد فرزندان تان سفارش می‌کند که بهره‌پسران دو برابر دختران است.»

و نیز می‌فرماید: اگر کسی ثروتی از خود بجا می‌گذارد، براوست که برای پدر و مادر و بستگان به گونه‌ای شایسته وصیت نماید. این بر همه پیرو پیشگان حق است» با این آیات ارث.

آیا شما چنین می‌پندارید که من از پدرم بهره‌ای ندارم و از او ارثی نمی‌برم؟ و هیچ نسبت و خویشاوندی میان من و او نیست؟! آیا خدا آیه‌ای ویژه شما فرستاد که پدرم را از آن خارج ساخت؟ یا می‌گویید که پیروان دو دین از یکدیگر ارث نمی‌برند و من و پدرم یک دین و آیینی نداریم!!!

یا بر این پندارید که از پدر و عموزاده‌ام که دروازه دانش پیامبر صلی الله علیه و آله است، به عام و خاص قرآن آگاه‌ترید؟ اینک چنین است، این تو و این هم ارث من که بسان مرکبی آماده برای بهره‌داری است. بر آن بنشین اما بدان که در روز رساخیز تو را دیدار خواهد کرد و ما از حقوق خویش بازخواست خواهیم نمود. در آن روز چه نیکوست که خدا داور باشد، پیامبرش محمد صلی الله علیه و آله دادخواه، و چه جالب وعده گاهی رستاخیز، و آنگاه است که با طلاگریان زیان خواهند دید، اما ندامت به حال شما سودی نخواهد داشت؟ و بهوش باشید که: هر چیزی قرارگاهی دارد و بزودی خواهید دانست چه کسی عذاب خوارکننده بسویش خواهد آمد. و کیفر ماندگار دامانش را خواهد گرفت.

در پایان اگر بتوان بر این رساله هدفی ترسیم نمود، بدون شک پاسخ به این سؤال می‌باشد. که سیمای شخصیت حضرت فاطمه الزهرا علیها السلام در منابع اهل سنت چگونه است و آیا همان ویژگی‌های شخصیتی را که در روایات منقول در منابع شیعه برای آن حضرت ترسیم نموده‌اند، در منابع اهل سنت نیز موجود است یا خیر؟

و اگر تفاوت‌هایی موجود است در کدام ویژگی‌ها و دقیقاً بر چه پایه و مبنا می‌باشد؟

نظر بدوی صاحب این نوشتار بر این است که فضائل این بانوی نمونه عالم اسلام در منابع اهل سنت با آنچه که در کتب شیعه آمده است تفاوت بسیار ندارد جز در دو نکته:

نخست این که حوادث بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله در رابطه به دختر گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله در منابع اهل سنت به صورتی بسیار گذرا و بدون بسط تفصیل وارد گردیده است که بدون تردید عوامل سیاسی در این سکوت دخیل بوده است.

دوم این که آن اهمیت و توجه خاصی را که عالمان تشیع به عظمت و بزرگی این بانوی بزرگ جهان اسلام بر اساس آیات و روایات نبوی و اهل بیت طاهرینش داده‌اند از سوی عالمان اهل سنت ابراز نگردیده است و روایاتی را که در شأن حضرت فاطمه علیها السلام که بیان‌گر ملزوماتی خاصی است به دید کم‌نگر بسته‌اند و گذشته‌اند. از آن جمله عصمت آن حضرت را که آیات و روایات فراوان در این باب وارد شده مورد توجه قرار نداده‌اند.



منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. اسد الغابۀ: عزّ الدین علی ابن اثیر، مکتب الاسلامیہ، تهران ۱۳۳۶.
۳. الاشارة الى سيرة المصطفى: معروف به سيرة مغلطای علاء الدین مغلطای، قرن ۶ هـ
۴. الامامة و السياسة: ابن قتیبة دینوری، مؤسسه مصطفی حلبی البابی و شرکاء، مصر.
۵. الانساب الاشراف: احمد ابن یحیی بلاذری، تحقیق محمد حمید الله، دارالمعارف - ۱۹۵۹ م. ج ۱ محمودی
۶. البداية و النهاية: ابی الفدا ابن کثیره، مصر، ۱۹۶۶ م.
۷. بدانید من فاطمه هستم: فهیم کرمانی، انتشارات سید الشهداء قم، ۱۳۷۴.
۸. تاریخ بغداد: خطیب بغدادی، مطبع السّعادة، مصر.
۹. تاریخ یعقوبی: احمد ابن یعقوب معروف به یعقوبی، دارصا در بیروت.
۱۰. تفسیر کبیر فخر رازی: فخر رازی، دار الکتب العلمیّه.
۱۱. دلائل النبوة: ابی بکر احمد ابن حسین بیهقی، ترجمه محمود مهدوی، مرکز انتشارات فرهنگی.
۱۲. ذخائر اعقبی: ابی جعفر احمد ابن عبدالله معروف به محب الدین طبری، نشر حسام الدین - قدسی، مصر ۱۳۵۶.
۱۳. زندگانی فاطمة الزهراء علیها السلام: سید جعفر شهیدی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ ۲۳، ۱۳۷۵ ش.
۱۴. زندگانی فاطمة الزهراء علیها السلام: محمد قاسم نصیر پور، سازمان حج اوقاف و امور خیریه چ اول، ۲۰ جمادی الثانی ۱۴۰۹
۱۵. السنن الکبری: ابی بکر احمد بن الحسین ابن علی بیهقی، مجلس دائرة المعارف نظامیه حیدر آباد دکن ۱۳۴۴.

۱۶. سنن ابی داود: ابن داود سجستانی، دار الاحیاء السنّة النبویّه.
۱۷. سنن دار قطنی: علی ابن عمر دار قطنی، مطبعة النصارى هند.
۱۸. سنن نسائی: احمد ابن شعيب معروف به نسائی، دارالفکر للطباعة و النشر بیروت، ۱۳۴۸ هـ
۱۹. سیرة ابن اسحاق: محمد ابن اسحاق ابن سيار
۲۰. شهبای پیشاور: گفتار سلطان الواعظین شیرازی، دار الکتب السلامیّه، چ چهارم، رمضان ۱۳۷۸.
۲۱. شرح نهج البلاغه: ابن ابی الحديد معتزلی، دار الکتب العربیّه مصر، أفتست قم
۲۲. صحیح بخاری: محمد ابن اسماعیل بخاری، مطبعة خیریّه مصر، ۱۳۲۰.
۲۳. صحیح ترمذی: محمد ابن عیسی ترمذی، بولاق، ۱۳۹۲.
۲۴. الصّواعق المحرقة: شهاب الدّین احمد ابن حجر هیثمی عسقلانی، مصر ۱۳۸۰.
۲۵. الطبقات الكبرى: ابن سعد کاتب واقدی، دارصا در بیروت.
۲۶. القدير: مرحوم علامه امینی، دار الکتب العربی، بیروت.
۲۷. فاطمه الزهراء علیها السلام: بانوی نمونه اسلام: ابراهیم امینی، انتشارات شفق، چ پانزدهم.
۲۸. فاطمه الزهراء علیها السلام: استاد ابو علم، مترجم علی اکبر صادقی، مؤسسه انتشارات امیر کبیر تهران
- چ ۳، ۱۳۵۸ هـ ش
۲۹. فضایل الخمسه فی الصحاح السنّه: آیه الله مرتضی یزدی فیروز آبادی، انتشارات فیروز آبادی،
- مترجم محمد باقر ساعدی، چ اول، ۱۳۷۴ هـ ش
۳۰. الكامل فی التاریخ: عزّ الدّین علی ابن اثیر، دارصا در بیروت.
۳۱. کشف الغمّه: علی ابن عیسی اربلی دار الکتب الاسلامی بیروت.
۳۲. کنز العمال: مقفی هندی، دائرة المعارف نظامیّه حیدرآباد، دکن هند ۱۳۱۲.
۳۳. لسان العرب: جمال الدّین ابوالفضل محمد ابن مکرم، دارصا در بیروت.

۳۴. مستدرک: حاکم نیشابوری، دار الفکر بیروت ۱۳۹۸ هـ
۳۵. مسند احمد ابن حنبل: احمد ابن حنبل، دار الفکر بیروت.
۳۶. مصباح کفعمی: تقی الدین ابراهیم ابن علی عاملی، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، تهران، تألیف ۸۹۵.
۳۷. المغازی: محمد ابن عمر ابن واقد، تحقیق مرسدن جوئز، اُفست - بیروت.
۳۸. مقتل خوارزمی: ابی المؤید الموفق ابن احمد الملکی معروف به خوارزمی، مکتب المفید.
۳۹. میزان الاعتدال: ابی الفدا ابن کثیر، مصر ۱۹۶۶ م
۴۰. مناقب ابن مغزلی: ابی الحسن علی بن محمد الواسطی الشافعی، مکتب الاسلامیه، ۴۰۳.
۴۱. مناقب: رشید الدین محمد ابن علی ابن شهر آشوب، انتشارات علامه، قم.
۴۲. ینابیع الموده: شیخ سلیمان بن ابراهیم القندوزی الحنفی، تحقیق سید علی جمال اشرف الحسینی، چ اول ۱۴۱۶، ناشر دار اسوه